

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۹، دوره سوم، دوشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۶۰، برابر با ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۲ و ۸ مارس ۱۹۸۲، بها ۳۰ ریال

نگاهی به نظریات  
امام خمینی  
و  
بیرون  
خط امام خمینی  
درباره تامین  
عدالت اجتماعی

## پیش بسوی تامین عدالت اجتماعی!

در صورت پیاده نشدن محتوای "جمهوری اسلامی" دشمنان انقلاب قادر خواهند شد: ... پیگر رضاشاهی را دوباره بیاورند بعنوان رئیس جمهور صد در صد اسلامی و بسیاری از مسائل اسلامی را هم از من و شما بیشتر عمل کنند. (از سخنان امام خمینی - ۶۰/۸/۲۴)

سمت گیری انقلاب اسلامی ضدا میریالیستی و مردمی مابوسی تامین عدالت اجتماعی از جانب رهبر انقلاب بدفعات اعلام شده است:

یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران استقرار عدالت اجتماعی است. "جمهوری اسلامی" وقتی استقرار می یابد که محتوای آن، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیاده شده باشد. مردم انقلابی ما، که از روزهای آغاز انقلاب تا امروز شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را فریاد می زنند، "جمهوری اسلامی" را به مفهوم نفی روابط و مناسبات ظالمانه و استثمارگری ناشی از نظام شاهنشاهی می دانستند و می دانند. درست به همین دلیل است که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هشدار می دهند، که

بقیه در صفحه ۱۳

## خجسته باد

### روز هشتم مارس

### روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

در صفحه ۲



بمناسبت تصویب کلیات طرح اصلاحات ارضی در مجلس شورای اسلامی

## حل مسئله زمین:

- نیاز حیاتی انقلاب  
- حق مسلم دهقانان

در صفحه ۳

## سیاست خارجی میرود که در خط انقلاب متحرک تر شود

رئیس جمهور خامنه ای در گفتار رادیو-تلویزیونی که بمناسبت ۲۲ بهمن و در تحلیل گذشته برای رهگشائی بسوی آینده ایراد کرد، از جمله شرحی درباره سیاست خارجی بیان داشت. این سیاست خارجی که عرصه فعالیت فوق-العاده مهم دولت، و پایه گفته رئیس جمهور عرصه فعالیت "حساسی" است، بمدتی دراز در دست نیروهای بود (البرالها) که "عقیده داشتند باید یا آمریکا کنار آمد"، یعنی می خواستند سردمدار دشمن بنیادی و آشتی ناپذیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از

بقیه در صفحه ۱۵



## شادباش

اتحاد دموکراتیک مردم ایران بمناسبت هشتم مارس روز جهانی زنان "اتحاد دموکراتیک مردم ایران" و کارکنان هفته نامه اتحاد مردم "روز هشتم مارس، روز جهانی زنان رابه تمام زنان زحمتکش و غیور و رزمنده ایران شادباش میگویند و برای آنان در نبرد علیه امپریالیسم به سرکردگی آمریکای جنایتکار در راه سازندگی ایران انقلابی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران زیر رهبری امام خمینی آرزوی موفقیت دارند.

ما تردید نداریم که تامین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی کشور ما و پیروزمندی حاکمیت خط امام در تمام ابعاد مردمی و تحول بخش آن سر-انجام راه بر تامین حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان خواهد گشود و زنان و دختران رزمنده ایران جایگاه واقعی خود را در جامعه باز خواهند یافت.

اتحاد دموکراتیک مردم ایران اسفند ماه ۶۰

یکسال از توطئه ۱۴ اسفند گذشت، اما:

## خط منسی کردن آمریکا باقیست...

در صفحه ۱۳

## قانون اساسی

### و آزادیهای سیاسی

"امسال سال قانون است" (امام خمینی)

آخرین روزهای "سال قانون" را پشت سرمی گذاریم. تلاش وسیعی که از جانب نیروهای راستین پیرو خط امام و سایر مدافعان انقلاب اسلامی ضدا میریالیستی و مردمی ایران، برای استقرار قانون از مدت ها پیش آغاز شده است، با جدیت دنبال می شود.

ما برای آنکه، به سهم خود، به استقرار قانون و بویژه بخش مربوط به آزادیهای سیاسی آن، که اکنون دیرگامیست در دستور روز انقلاب است، باری رسانده باشیم، در شماره های قبل سخنان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور را درباره آزادیهای سیاسی منتشر کردیم. اینک با انتشار قوانین جمهوری اسلامی ایران درباره آزادیهای سیاسی، کوشش خود را بی می گیریم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که با بیش از ۱۸ میلیون رای به تأیید مردم قهرمان ایران و سپس توشیح امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسیده است، درباره آزادیهای سیاسی چنین می گوید:

اصل بیست و سوم:  
تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس رانمی توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.  
اصل بیست و چهارم:  
نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون تعیین می کند.  
اصل بیست و ششم:  
احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس رانمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت دیگری از آنها مجبور ساخت.  
اصل بیست و هفتم:  
تشکیل اجتماعات و راه پیمائی ها، بدون حمل سلاح، بشروط آنکه مخل به اسلام نباشد، آزاد است.

## دو خبر مهم

لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی  
برای شور دوم به مجلس میرود

مهندس رحسین ادیب معاون وزارت بازرگانی در اخلاقی اعلام کرد: "لایحه دولتی شدن تجارت خارجی از کمیسیون ویژه گذشته در چند روز آینده برای شور دوم در مجلس مطرح خواهد شد." (کنجهان - ۱۵ اسفند ۶۰)

امید است، لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی، هرچه سریعتر در جهت قطع کامل دست تجار بزرگ غارتگر و در اختیار دولت در آوردن کامل بازرگانی خارجی، در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و به اجراء آید.

اطلاعه ده ماده ای همچنان معتبر است

حجت الاسلام موسوی تبریزی، در استان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر اعلام کرده است. این اطلاعیه (اطلاعه ده ماده ای) همچنان معتبر خواهد بود. (در رابطه با) سازمانهای ریزگره محاربه با جمهوری اسلامی را ندارند و شرایط جمهوری اسلامی را

بقیه در صفحه ۱۶

## شبکه های ساواک فعالند

آنها را در هم بکوبید!

مسلمان نما نیز به همین ترتیب. آیت الله موسوی تبریزی در استان کل انقلاب هم اعلام کرده است که ۹۰ درصد از اعضاء فعال منافقین دستگیر شده اند. (جمهوری اسلامی - ۱۲ اسفند ۶۰)

امام بازرگانی ها و ترورها هنوز ادامه دارد. همه این اعمال ضدا انقلابی، بقیه در صفحه ۱۴

سرنخ اصلی ترورها و بمب گذاری هادر دست شبکه های ساواک - سیا و سلطنت طلبان است.

سران سازمان مجاهدین خلق، یا به پاریس گریخته، یا دستگیر شده و به مجازات خود رسیده اند. سران سازمان مائوئیستی - امریکائی پیکار دستگیر شده اند. رهبران سایر گروه های چپ نما و

در حاشیه برگزاری دهمین کنفرانس فدراسیون سندیکایی جهانی

## زحمتکشان جهان با سلاح همبستگی علیه انحصارات امپریالیستی و برای صلح و ترقی مبارزه میکنند

و سندیکاهای پیکارجوی خویش متشکل شده اند. شرکت کردند و سند تاریخی کنگره را تحت عنوان "سندیکاهای مبارزات دهه هشتاد" به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار دادند. در این کنگره، همچون کنگره های

بقیه در صفحه ۱۲

دهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی از ۲۱ تا ۲۶ بهمن ماه ۶۰ در هاوانا، پایتخت کوبای انقلابی، برگزار شد. در این مجمع عظیم سندیکایی، نمایندگان متجاوز از دویست میلیون تن از کارگران و زحمتکشان جهان، که در اتحادیه ها

# خجسته باد روز هشتم مارس

## روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بیش از هفتاد سال است که در جهان، روز هشتم مارس (۱۷ اسفند) به عنوان روز همبستگی رزمی زنان سراسر جهان و پیوند انقلابی آنان علیه امپریالیسم، برای تأمین دموکراسی - ترقیات اجتماعی، صلح و برابری حقوق زن و مرد برگزار می شود.

برگزاری این روز بزرگ در کشورهای پیشرفته جهان سرمایه داری، کشورهای "جهان سوم" و کشورهای دارای نظامهای سوسیالیستی از کیفیت و خصلت متفاوت برخوردار است.

● در کشورهای سرمایه داری پیشرفته که در راه مسابقه تسلیحاتی کام برمی - دارند و هیولای بیکاری و فقر هر روز گلوی افشار تازه ای از زحمتکش را در چنگال خود می فشرد، زنان آماج نخستین هستند و به بهانه های گوناگون مشاغل خود را از دست می دهند. تبعیض میان زن و مرد وجود دارد، واصل دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، رعایت نمی شود. در این کشورها زنان بخاطر تحمل همزیستی مسالمت آمیز میان دو نظام متفاوت اجتماعی - کاهش بودجه های سرسام آور جنگی و حفظ صلح، مبارزه با بیکاری، بهبود شرایط کار زنان زحمتکش از طریق افزایش بودجه های رفاه اجتماعی، گسترش شبکه شیرخوارگاه ها، کودکانستانها، دبستانها، درمانگاهها، بیمارستانها و زایشگاهها، رفع تبعیض از زنان در قانون و در عمل، تأمین اشتغال برای همزمانی که داوطلب کار در خارج از خانه هستند، تأمین دستمزد برابر زن و مرد در کارخانه ها و موسسات تولیدی و اصلاح قوانین خانواده، مبارزه می کنند.

● در کشورهای در حال رشد و دارای نظام های مردمی که امپریالیسم استقلال سیاسی و اقتصادی آنها را مورد تهدید قرار می دهد و صلح را در کشورهای جداگانه و در مناطق مختلف جهان به خطر می افکند، لبه تیز مبارزه زنان، علیه امپریالیسم جهانی - سرکردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت تأمین استقلال و آزادی و حفظ صلح در جهان متوجه است. در این کشورها جنبش های زنان در پیوند با جنبش های انقلابی و استقلال طلبانه و در همگامی با دولت های ضد امپریالیستی و مردمی با تمام توان برای موحود امپریالیسم و بازگشت ناپذیر ساختن روند استقلال میهن خود بیکار می کنند. زنان این کشورها که به حقوق نسبی دست یافته اند، بدرستی استقلال کامل را نخستین شرط دگرگونی های اجتماعی و از جمله تأمین حقوق خود در همه عرصه ها می شمارند.

● در آن بخش از کشورهای "جهان سوم" که رژیم های وابسته به امپریالیسم بر آن حکومت دارند و به مثابه زائده ای از ماشین جنگی امپریالیسم ثروت مردم را به پای انحصارات بیگانه می ریزند مبارزه زنان علیه اقدامات تبهکارانه رژیم های ضد ملی حاکم علیه امپریالیسم و انحصارات بخاطر حفظ صلح، بهبود شرایط زندگی و کار، پیشرفت های اجتماعی و رفع تبعیض زن و مرد متوجه است.

● کشورهای که در جرگه خانوادہ بزرگ سوسیالیسم، این عادلانه ترین و پرحادثه ترین نظام اجتماعی تاریخ بشری قرار دارند، جای والای زن را در جامعه بعنوان عضو مسئول و متعهد و



کشورها در همبستگی و همگامی با جنبش های مترقی جهان بخاطر محو امپریالیسم، موخو خطر جنگ هسته ای، استقرار صلح و آرامش در سراسر گیتی سازمان یافته است.

### زنان ایران و روز هشتم مارس

در کشور ما بیش از ۶۰ سال است که روز هشتم مارس بعنوان روز همبستگی رزمی زنان سرگزار شده است. اختناق حاکم بر ایران در فواصل طولانی مانع از آن شد که زنان مبارز کشور ما بتوانند این روز بزرگ را بصورت علنی و رسمی و با مشارکت جمعی زنان برگزار کنند. ولی این اختناق هرگز موفق نشد آتش بیکار زنان را برای کسب استقلال، رفع تبعیض و بی عدالتی ها خاموش کند. شعله ها ضعیف و به جرقه تبدیل شد، اما جرقه ها هرگز خاکستر نشد. شعار عمده مبارزه زنان ایران، محو امپریالیسم و ارتجاع و استبداد بود. انقلاب پر شکوه ۲۲ بهمن همه

توان رزمی زنان را به صحنه آورد. زنان قفس تنگ خانه ها را شکستند و صف به زرنگاه نبرد علیه استبداد و امپریالیسم روی آوردند. آنسان با گذشتن از سر جان و مال و فرزند و همسر خود به پیروزی انقلاب یاری رساندند. انقلاب پایگاه های سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم را درهم کوبید. اما امپریالیسم جهانخوار به آسانی از سرمنافع نامشروع و غارتگرانه خود نمی گذرد. در سه ساله پس از پیروزی، گواه توطئه های ننگین امپریالیسم علیه استقلال و انقلاب بوده ایم.

### زنان در صف مقدم نبرد

علیه امپریالیسم

### سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا

زنان و دختران رزمنده میهن ما با حضور فعال خود در صحنه نبرد علیه امپریالیسم، به ناکام ماندن توطئه های شیطان بزرگ کمک موثر کرده اند. آنان با شرکت در نهادهای مردمی چون بسیج جهاد، سپاه پاسداران، نهضت سواد - آموزی باندارک پشت جبهه و کمک به رزمندگان جبهه ها خانواده های شهدا، معلولین و آوارگان جنگی سهم مهمی از مبارزه ضد امپریالیستی را بردوش گرفته اند.

قبل از همه باید خدمت زنان و دختران کارگر را ارج نهاد که علیر غم وضع دشوار کار و زندگی، تمام توان خویش را در خدمت افزایش تولید قرار داده و بهی اثر ساختن تحریم اقتصادی امپریالیسم یاری می رسانند. باید زنان دهقان را ستود که در مزارع و کشتزارهای کشور دوش به دوش همسران و فرزندانشان خود زمین ها را بارور می کنند و در تأمین نیاز کشور به مواد غذایی و مواد اولیه کوشا هستند.

نیروی عظیم زنان کارگر و دهقان نقش ارزنده ای در تدارک پشت جبهه و پیروزی رزمندگان جبهه جنگ تحمیلی صدام ایفا کرده است. درود بر این بازو - های رنج و کار که علیر غم همه محرومیت ها و دشواریها دستاوردهای انقلاب را چون مردمک چشم حراست می کنند!

بارکوب و وگرنی بیش از همه بر دوش زنان سنگینی می کند که مسئولیت اداره خانواده را بر عهده دارند. اینان

کیست این زن آشنائی از زمانی دور! یادم آید چهره اش نور خدایی داشت.

چشم او پیغام را از زندگی میداد. نغمه اش در اولین دیدار ساز لای لایی داشت.

سینه اش جان بخش و شیرین دلنشین چون زندگانی بود بر سرش چون رخ نهادم عطر عشق و آشنایی داشت.

زندگی را زن به چشم رنگ و بوی شادمانی داد مادر م بود و بر من مظهری از پارسایی بود من برایش آرزوهای جوانی او بر ایم مایه ای از گامرانی بود.

چرخ گار و زندگی بادست او چرخید... اوبه من از چشمه مهرش ساغر سازندگی و سازگاری داد.

پیشرو در رزم و در پیکار هم نوا با من سرود رستگاری خواند دست چون بردم بر افروزم چراغ روز به روزی زن به دستم پرچم فتح و رهایی داد.

اختر ۱۳۶۰/۱۲/۷

تعالی زنان در جامعه تأمین رفاه بیشتر برای مادران زحمتکش و سبک کردن بار زنان در امور روزمره خانه و سنگین تر کردن بار شخصیت و رسالت و فضیلت آنان بمثابة مادر و همسر و عضو متعهد و برابر حقوق جامعه است. در این کشورها که اثری از تورم، بحران، بیکاری و تبعیض وجود ندارد، برنامه های اقتصادی و عمرانی سرایا در خدمت انسانها و رفاه و سعادت آنها قرار دارد. از این جهت مبارزه زنان این

انسان برابر حقوق در خانواده تأمین کرده اند در این کشورها برابری حقوق زن و مرد در تمام سطوح تحقق یافته است. انقلاب کبیر اکثر که سرآغاز رهایی زنان از قوانین و آداب و سنن ظالمانه و تبعیض گرا بود، نمونه زن خوشبخت و برابر حقوق شوروی را در برابر دیدگان جهانیان قرار داد. اکنون با اطمینان می توان گفت که نظام های سوسیالیستی، بهشت زنان و کودکان است. تمام تلاش و بیکار این نظام های مردمی در جهت

هستند که با صبر انقلابی، با قناعت و صرفه جوئی، دشواری ها را تحمل میکنند و به امپریالیسم و ضد انقلاب فرصت سوء استفاده نمی دهند. درود بر آنان! تجربه مبارزه نشان داده است تا زمانی که امپریالیسم به قطع توطئه و تجاوز مجبور نشود و پایگاه های داخلی آن یعنی سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ، مقهور و مغلوب نیروی خلق نگردد محرومان به حقوق اقتصادی و اجتماعی خویش دست نخواهند یافت. با این چراغ راهنماست که زنان انقلابی و زحمتکش نخستین آماج مبارزه خود را امپریالیسم قرار داده و تمام نیروی خود را برای راندن شیطان بزرگ سر کرده، امپریالیست های جهان، پایگاه های اجتماعی آن و تأمین پیروزی خلق در جنگ تحمیلی بسیج کرده اند.

### انقلاب وظیفه مند است

در برابر این زنان بیدار و هشیار انقلاب وظایف بس مهمی بردوش دارند. زنان به دلیل ماندگاری آداب و سنن جامعه فئودالی و حاکمیت چند صد ساله استعمار و استعمار نو، در همه سطوح عقب نگاه داشته شده اند. انقلاب وظیفه مند است که این عقب ماندگی را در کوتاه ترین زمان ممکن جبران کند و امکان سواد آموزی و تحصیل و اشتغال زنان را در همه سطوح فراهم آورد. انقلاب وظیفه مند است امنیت اجتماعی و شغلی زنان را که از سوی گروه های معین تهدید می شود، تضمین کند و دستهای تفرقه افکن و مزاحم را از سر زنان دور دارد.

### انقلاب وظیفه مند است تمام

حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی را که نظام جابر پیشین از زنان دریغ داشته بود، به آنان واگذارد. هر چند در سه سال گذشته انقلاب به علت دشواری ها و موانع در رفع بی عدالتی از زنان موفق نبوده است و گروه ها و اقشاری توانسته اند، با سوء استفاده از حساسیت وضع، محدودیت - های تازه ای را چه در خانواده و چه در سطح جامعه بر زنان تحمیل کنند، اما این فرجام نهایی زنان در انقلاب نیست. پیروزی پویندگان خط امام خمینی در نبرد بخاطر طرد کامل امپریالیسم جنایتکار و شکست "اسلام آمریکائی" راه را برای تأمین حقوق انسانی زنان خواهد گشود و محرومان جامعه و از جمله زنان مقام والای خود را در جامعه متکامل ما باز خواهد یافت.

- پیش بسوی پیروزی قطعی و نهایی بر امپریالیسم متجاوز به سرکردگی آمریکا!

- پیروز باد مبارزه زنان ایران در راه استقلال، آزادی و پیشرفت های اجتماعی!

- زنده باد هشتم مارس روز همبستگی رزمی زنان سراسر جهان!

- برقرار باد نظام جمهوری اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی!

## اتحاد نیروهای انقلابی ضامن پیروزی نهائی انقلاب است

بمناسبت تصویب کلیات طرح اصلاحات ارضی در مجلس شورای اسلامی

# حل مسئله زمین:

## - نیاز حیاتی انقلاب

## - حق مسلم دهقانان

رساندن این حق مسلم و انسانی به حقدار، تامین زندگی بهتر و آزادی برای میلیونها دهقان است. درمیهن انقلابی ما جل این مسئله ابعاد حیاتی شگرفی برای کل سرنوشت انقلاب پیدا کرده است: از نظر برخورد آن با مسئله مالکیت و طرح مسائل بنیادی اجتماعی-اقتصادی انقلاب، به قول نمایندهای "سمبلیک" شده است: درهم کوبیدن پایگاههای داخلی ضدانقلاب و کانونهای توطئهگری براندازی به میزان زیادی وابسته به نابودی آن شده است: تامین استقلال کشور، رسیدن به خودکفایی مقدر، قطع وابستگی، تامین عدالت اجتماعی و زدودن آثار هولناک فقر و تهی-دستی و ستم و عقب ماندگی از چهره روستاها و بردن هدیه گرانقدر آزادی به آنها، همه به نتایج مستقیم حل کامل ریشه‌های مداوم و پیگیر این مسئله پیوند خورده است.

## جوانب منفی و نقاط ضعف طرح قانونی باید اصلاح شود

طرح قانونی مصوبه جلسه ۱۱ اسفند متأسفانه از انسجام و یکدستی لازم که از خصلت پیگیر انقلابی و تصمیم قاطع به عمل درجهت اهداف انقلاب و رهنمودهای مکرر امام خمینی و خصلت مردمی و مستضعف‌پرور خط امام و روح قانون اساسی برخیزد بی بهره است. تدارک و تدوین طرح آشکارا زیر فشار نیرومند محافل معینی از نیروهای مخالف با پیشرفت اجتماعی و مخالف با تحولات بنیادی و اصلاحات ارضی عمیق و در نهایت مخالف با خط امام قرار داشت که چه درجانه لیبرالی و چه درکسوت روحانی‌نمای و حتی انحصارطلبی افراطی عمل کردند. در نتیجه مشاهده می‌گردد که بزرگ استخوان بندی درست ناشی از طرح قانون شورای انقلاب، انبوهی از مواد و تبصره‌ها که از مخالف‌خوانی‌های متخصص-مآبانه لیبرالها یا از فتاوی آجنانی و عاظ المالکین یا از طرح انحرافی ۱۵ نفری نشأت می‌گیرد "الصاق" شده است.

این موارد منفی که کم‌شمار هم نیستند گاه ایجاد ابهام میکنند، گاه سردرگمی می‌آورند، گاه خطرناکند و به حق موجب اعتراض میشوند و گاه درباره سرنوشت طرح نگرانی می‌آفرینند. از این جهت لازم است که پیروان صدیق خط امام و انقلابیون راستین در مجلس و در حاکمیت انقلابی، حساب خود را هر چه قاطعتر با این "الصاقیات" شمره اعمال فشارها و جوسازیها، که آشکارا با ماهیت طرح نمیخواند روشن کنند. زیرا که این نقاط منفی در جهت نقض خصلت انقلابی طرح است و میتواند عملاً منجر به منته شدن آن گردد. در بحث ابتدایی پیرامون کلیات طرح بحق سخنرانان موافق، با این نکات منفی فاصله گرفتند و آنها را از آن خط امام و بیانگر روش قاطع ندانستند و وعده زدودن این نکات را دادند.

برخی از این موارد منفی از این قرارند: ۱- مستثنی کردن انواع اراضی از شمول قانون یکی از مهمترین نکات ضعف طرح است. فراموش نکنیم که اگر بزرگ مالکان طاغوتی توانستند در زمان اصلاحات ارضی "ملوکانه" بخش مهمی از مرغوب-

پشتیبانان خط امام ارزیابی کرد که با به دنبال آمدن گامهای قاطع و بی‌تزلزل بعدی میتواند به یک پیروزی مهم در یکی از حیاتی‌ترین عرصه‌های انقلاب بدل شود. تصویب طرح در شور اول را در مجلس باید یک شکست برای همه کسانی ارزیابی کرد که میخواستند از اساس مسئله را به نحوی منتفی کنند، به تعویق اندازند و انقلاب را از پرداختن به آن منصرف کنند. و بزرگ مالکی-وبه تبع و همراه آن مالکیتهای "مقدس" نامحدود- را بیبانه‌های اسلام نمایانه نجات دهند.

این اساس مسئله است و از این روست که ما با امید به تکمیل قانون و اجرای قاطع آن، به مجلس شورای اسلامی، به انقلابیون پیرو و پشتیبان خط امام، این موفقیت را تهنیت می‌گوییم و آن را برای عید دهقانان زحمتکش خوش بین تلقی می‌کنیم با این امید که با گام‌های بعدی برکت آن فزون‌تر، اثرات آن ریشه‌ای‌تر و محتوای انقلابی آن راسخ‌تر و بازگشت‌ناپذیر شود.

اما این همه مسئله نیست. پس از آنکه جهت عمده ضد بزرگ مالکی را خاطر نشان کردیم و برخصلت اساسی طرح که در راستای تحکیم انقلاب و تقویت خط امام در این عرصه حیاتی است تاکید ورزیدیم، می‌بایست در عین حال، قاطعانه و روشن، بگرفته نکات ضعف و کاستی‌ها و نواقص جدی آن را یادآوری کنیم. باید تصریح کنیم که نکات منفی در شرایط معینی میتواند اساس و ماهیت طرح را دگرگون کند و آن را از محتوای انقلابی خود تهی سازد.

مسئله، نه فقط از حادترین و حیاتی‌ترین، بلکه از فرج‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل کنونی انقلاب ما- و همه انقلاب‌های مشابه است. در اینجا نیروهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و سنتی بسیار با هم بر شاخ می‌شوند و هم‌آوردی بین آنها هرگز با تصویب کلیات یا با تصویب قانون و یا حتی با اتمام مراحل اجرای آن پایان نمی‌پذیرد. پس از این گام اول و پس از تصویب قانون نهایی، این مسئله همچنان عرصه نبرد جدی بین موافقان و مخالفان انقلاب و امر تعمیق آن باقی خواهد ماند. در این زمینه هیچ گونه خوش باوری و ساده‌نگری جایز نیست. اما در مرحله کنونی تا تصویب قطعی قانون وظیفه مبرم همه ماست که با نهایت دقت و توجه آنچه را که در نیرو داریم برای کاهش و نابودی نقاط ضعف طرح و برای تقویت و حاکم کردن نقاط قوت آن بکاربریم.

تا آن جهت عمده از نظر حقوقی و قانونی بازگشت‌ناپذیر و قطعی شود و آن خصلت اساسی تمامی اثرات تحول بخش خود را آشکار سازد و قانون به حربه‌ای دزدست انقلاب و انقلابیون برای انجام تحولات بنیادی بدل گردد.

## باید بزرگ مالکی ریشه کن شود

اس اساس مسئله اصلاحات ارضی و عصاره اصلی آن از بین بردن بزرگ مالکی، این نهاد غارتگر زورگو و ارتجاعی است که یا مردم‌ریگ‌بقیای نظامات اربابی در طی قرون و یا از ثمرات جدید رشد سرطانی مناسبات سرمایه‌داری به هنگام سلطه طاغوت، برای انقلاب ماست. هدف اساسی آن زمیندار کردن دهقانان زحمتکش

همان‌طور که پیش بینی میشد و "اتحاد مردم" نیز در شماره گذشته خود اظهار امید کرده بود یکشنبه هفته گذشته، در جریان عصر، متن طرح قانونی اصلاحات ارضی و بهره‌برداری از اراضی مزروعی چاپ شد و روز دو-شنبه برای شور اول در جلسه علنی مجلس- پس از ماه‌ها انتظار- به بحث گذاشته شد و با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید.

اصلاحات ارضی که یکی از مسائل حیاتی، مبرم و وعده انقلاب است، به این ترتیب وارد مرحله جدیدی شد. میتوان گفت که پس از توقف بند "ج" در پانزده ۵۹ اینک گام اول برای حل مسئله برداشته شد. این گام اول گره‌گشاست و بر عمده‌ترین بخش اصلاحات ارضی، ضربه‌زدن و نابود کردن بزرگ مالکی، ناظر است و چون اساس را بر محدودیت قطعی مالکیت بر اراضی مزروعی میگذارد و به نحوی جدی مسئله نابودی بزرگ مالکی را مطرح میکند و زمینه را برای واگذاری رایگان زمینهای زراعی به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین آماده میسازد، دارای اهمیت جدی و تعیین کننده است. ولی چون گام اول است باید راهی پیموده شود تا مسئله حل گردد و برای پیمودن دنباله این راه که بدون آن گام اول ناقص و غیر عملی و بدون کارایی و تاثیر خواهد ماند- باید اولاً قانون به نحو کاملتر و بی نقص‌تری، میرا از نکات منفی کنونی و مطابق با اهداف انقلاب و با منافع حیاتی میلیونها دهقان تهیدست، تدوین و هر چه زودتر تصویب شود و ثانیاً اجرای دقیق و کامل آن به نحوی ریشه‌ای توسط هیئت‌های هفت نفری- این نهاد انقلابی کار آزموده و مورد اعتماد دهقانان و مردم- به انجام رسد.

نکته عمده در طرح تصویب شده کدامست؟ ارزیابی خود را در مورد این طرح بر چه پایه‌ای باید استوار کنیم؟ درباره این طرح که آشکارا یکدست و یکپارچه نیست چگونه داوری کنیم؟

\* مهم و عمده آنست که پس از آنهمه نبردهای سخت و انتظارات طولانی و امیدهای فراوان گام اول- در مجموع خود- درست برداشته شده است. یعنی اصل را بر نیل به هدفهای انقلاب، بر ضربه‌زدن قطعی به مالکیت بزرگ ارضی که یکی از عمده‌ترین منابع بهره‌کشی، غارتگری، فساد و زورگویی و یکی از پایگاههای فعال بسیاری از توطئه‌های ضد انقلابی است نهاده است؛ اصل را بر منافع حقه و انسانی میلیونها دهقان زحمتکش که پشت و پناه انقلاب و حافظ و مدافع آن بوده و هستند قرار داده است.

\* مهم و عمده آنست که در نبرد دشوار و طولانی بر سر حادترین مسائل بنیادی انقلاب و از جمله مسئله مالکیت و بویژه مالکیت بر اراضی مزروعی که بیش از پیش پیروان صدیق خط امام- خط مردمی و مستضعف‌پرور را از مخالفان تحکیم و زرقش انقلاب جدا می‌کرد- آنچه که در نهایت و به طور عمده برکسی نشسته است گرایش در جهت حل یکی از گره‌های اساسی انقلاب- مسئله زمین- است.

گرچه در اساسی‌ترین خطوط و در استخوان بندی پایه‌های خود، موازین و برداشته‌ها، روح و ساختار طرح کنونی به بر طرح ۱۵ نفری که مسخ کننده اصل اصلاحات ارضی بود، بلکه بر راستای قانون مصوبه شورای انقلاب و طرح ۲۵ نفره کمیسیون، گذاشته شده است، متأسفانه به طور آشکارا در برخی موارد- گاه بسیار مهم و گاهی- فاقد قاطعیت آن قانون بوده و از بردن گام ضروری آن کاسته شده است.

بنابراین، در مجموع، تصویب کلیات طرح و برداشتن این نخستین گام را باید یک موفقیت قابل توجه انقلاب، دهقانان زحمتکش، همه انقلابیون راستین، پیروان و

ترین زمینها را در دست خود نگهدارند یا سوء استفاده از همین مستثنیات بود. اگر امروزه حداقل وسعت زمینهای بزرگ مالکی را ۳/۵۱ میلیون هکتار تخمین میزنند، اینها همان زمینهایی هستند که بیبانه‌های مختلف "مستثنی" شده بودند. اگر مسئله همچنان بعد از پانزده سال جار و جنجال "شاهنشاهی" با تمام حدت خود باقیست از جمله بعلت وجود "مقر"ها و راههای بهره‌گیری از استثنایها (مکانیزه، باغ، محدوده شهر...) بود. قانون انقلابی باید جامع و مانع باشد. تکلیف کلیه اراضی بزرگ مالکی را بدقت تعیین کند و بگوید که در جامعه انقلابی ما با هر "گونه" از این اراضی چه خواهد کرد.

۲- تبصره واحد، ماده ۲ فصل دوم اگرچه تقسیم اراضی تمام مکانیزه و کشت و صنعت‌ها را بحق به "صلاح جامعه" نمیداند ولی بطور مهم میگوید "بانظر وزارت کشاورزی باید بطرز مطلوب مورد بهره‌برداری قرار گیرد". و بطور کاملاً نگران کننده اضافه میکند "این حکم در مورد زمینهای تمام مکانیزه شخصی نیز معتبر است". باید در قانون آشکارا و صریح گفت که "طرز مطلوب" کدامست تا بعد مورد سوء استفاده قرار نگیرد. به نظر ما چنین "طرز مطلوبی" بطور مشخص و با تشخیص هیئت هفت نفری، جز باقی ماندن در بخش دولتی نمیتواند باشد.

واحدهای تمام مکانیزه، بدرستی، نباید و صلاح نیست تکه تکه شود و در ضمن نباید که همچنان در دست بزرگ مالک باقی بماند. و گرنه بخش مهمی از زمینهای مرغوب طاغوتیان از دست آنها بیرون آورده نخواهد شد. هر قدر آنها ثروتمندتر، بانفوذ تر و با دربار و دستگاه دارای روابط بیشتری بوده‌اند املاکشان بیشتر "تمام" مکانیزه بوده است. در اصلاحات ارضی گذشته رژیم شاه شرایطی را در قانون فراهم کرد که نزدیکه یک میلیون هکتار فقط بیبانه مکانیزه بودن در دست مالکان عمده باقی ماند. ایران انقلابی که نمیخواهد و نمیتواند آن تجربه را تکرار کند. وجود تبصره مزبور که لااقل مهم و در واقع خطرناک است نکته منفی بسیار مهمی در طرح است و باید عوض شود تا ماهیت ضد استکباری و ضد طاغوتی قانون متحلی گردد. در هر ذره‌ای و در هر قطره‌ای از آن ماشین آلات و سیستمهای آبیاری و تاسیسات و ادوات "تمام مکانیزه"، کوهی از رنج نهفته و جویی از خون و عرق زحمت- کشتان جاری است.

۳- تبصره ۲ ماده ۴ زمین دامداریها را مشمول این قسانون نمیشناسد. تبصره ۳ همین ماده تناسبی بین مقدار زمین و تعداد دام تعیین کرده است یعنی هر که دامش بیش سهم بیشتر، هر که ثروتش بیشتر بوده و دامداری بزرگتری احداث کرده حالا زمینهای بیشتری را از شمول قانون خارج خواهد کرد. البته این نکته مهم و درستی است که دامداریها باید زمین برای کشت علوفه و تهیه خوراک دام داشته باشند و به واردات علوفه از خارج و یا خرید آن از منگی نباشند تا دامپروری صنعتی ما از زنجیر فعلی مونتازی بودن خویش رهاشاید. ولی کدام حدود؟ تاچه وسعتی؟ با چه تعداد دام؟ با چند ده هکتار زمین؟ و اصولاً چرا دامداریهای خصوصی؟ در اینجا هم ابهام وجود دارد و هم نکته منفی بزرگی که میتواند دستاویز بزرگ مالکان گردد و هر قدر که در گذشته (قبل از ۵۹/۱/۲۶- تبصره ۳ ماده ۴) متداول تر و چاق و چله‌تر بوده‌اند، حالا هم از نمد زمینهای مستثنی شده حصه بیشتری بردارند و بر سر قانون گزار و مجری صدیق کلاه بگذارند. این تبصره اصولاً امکان میدهد بزرگ مالکان جدیدی پیدا شوند زیرا که در بسیاری موارد واحدهای دامداری

### حل مسئله...

بیاض صفحه ۳

مونتازی" بوده و از خود تاکنون زمین کشت علوفه بخصوص متناسب با تعداد دام نداشته‌اند. حالا این اربابان می‌توانند ببرکت این تبصره صاحب زمینهای جدید شوند که با هیچ ضابطه و عرف محل هم محدود نمیشود.

۴- تبصره ۶ ماده ۴ اراضی باغات راهم مستثنی میکند. در زمان گذشته هم، باغات مشمول قانون قرارنگرفتند و چه بسا اربابانی که باجندنهایی، زمینی وسیع را باغ خواندند و صاحب آن باقی ماندند. استثنای باغ یکی از مهم ترین راههای فرار بزرگ مالکان از اجرای قانون شد. آنوقت زمان طاغوت بود. اما حالا برهیچکس معلوم نیست که چرا بزرگ مالک صاحب باغ باید بتواند همچنان غارت کند و دیگران کارکنند. باغها را نباید و نمیتوان "تقسیم" کرد. درست زمینها راهم نباید تقسیم کرد. در قزوین بعد از انقلاب متاسفانه برخی باغات را تقسیم و تکه تکه کردند و ثمرات منفی آنرا هم دیدند. ولی چرانتوان کل واحد باغ را به صورت تعاونی درآورد؟ چرا آنهمه زحمت نگهداری و برداشت و کشت و آبیاری برعهده بیل بدستان که باغداران واقعی هستند باشد ولی نعمت حاصله به جیب یک نفر دیگر برود؟ برخی از باغات صادره شده شمال که در دست بنیاد بود و در آن با دلسوزی و حسن تدبیر و مدیریت خوب عمل شده نتایج بسیار مثبت بدست دادند. پس تعاونی یا دولت میتواند مالک آینده باغات باشد. فرمول بندی این تبصره بگلی مبهم است و هیچ حدنصابی معین نشده و معلوم نیست قانونگذار می‌خواهد با اینگونه اراضی چه بکند. این نکته منفی مربوط به صدها هزار هکتار میشود و مانند ماده قبلی میتواند زمینه متلف کردن جدی قانون گردد.

۵- نکته منفی دیگر پرداخت پول به مالکین بزرگ است (ماده ۳ - بند "ج" و ماده ۴ - بند "د") البته پرداخت غرامت به مالکان به خصوصیات عمده و ماهوی اصلاحات ارضی وابسته نیست. حتی در بنیادیترین آنها، میتوان با تشخیص موارد مشخص به برخی مالکان بزرگ غرامت پرداخت. ولی در شرایط ما، نه فقط شرایط کنونی وضع اقتصادی کشور و محاصره اقتصادی امپریالیسم و خرابکاری تروریست‌های اقتصادی و... بلکه در شرایط عام کشورما که ایجاد و تقویت بزرگ مالکی نیمه‌فقودالی و شبه‌فقودالی و سرمایه‌داری و سرمایه داری وابسته با غارت بی‌حساب و زورگویی و سندساز و تیول‌بخشی و حق‌کشی فاحش همراه بود و حتی حقوق شرعی و مالیاتی دولتی که بزرگ‌مالکان آنها را پرداخت نکردند از کل قیمت فکلی زمین فراتر میروند. چنین پرداخت باج سبیلی، عادلانه نیست با روح انقلاب مستضعف پرور ما آنچنانکه بارها امام خمینی تشریح کرده‌اند نمی‌خوانند. و حتی در تناقض آشکار است. بسیاری از موافقان طرح کنونی با این نکته در مجلس ابراز مخالفت کرده‌اند و بحق.

۶- نکته منفی دیگر تبصره یک ماده ۴ است. این تبصره واگذاری زمین دایر را در مواردی میداند که "امکان مزارعه و اجاره وجود نداشته باشد". میتوان گفت که اگر تغییر سیاست یا سیاسی، تحول ماهیتی و یا سوسنی در کار مخرمان بوجود آید یا اعمال نفوذهای بزرگ مالکان در ارگانهای اجرائی و نهادهای مامور

در این با آن منطقه موثر افتد، آنگاه با دستاویز همین تبصره سنگ بر روی سنگ از تمامی بند "د" و امرواگذاری زمینهای دایر باقی نخواهد ماند. این تبصره را میتوان در صورت بپوش بزرگ مالکان و اعمال آنان و در حالت عقب‌نشینی نیروهای صریح خط امامی به یک بزم با ماسوره تاخیری تشبیه کرد. این، یکی از آن موارد مثلثه کننده است که از طرح ۱۶ نفری به عاریت گرفته شده است. پاسخ ۱۵ نفر را بدرستی آقای فاضل هرندی در مجله "جهاد" داده و گفته است "دادن زمینهای مشروع به صورت مزارعه و اجاره نمیتواند مانع از هجرت روستاییان بشهرها شود زیرا مسئله اجاره و مزارعه در طول زمانهای گذشته نیز بوده است و تجربه نشان میدهد که این شکل کافی نیست "حجت الاسلام فاضل هرندی قیلاهم در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (۲۳ آبانماه ۶۰) گفته بود: "مزارعه یا اجاره یعنی مثل همان روایل گذشته... تا بحال هم زارع مجانی کار نمیکرده و زمینها که در دست زارعین بوده یا به نحو اجاره بوده یا به نحو مزارعه و اگر مزارعه و اجاره واقعا این مشکل را حل می‌کرد ما نباید با مشکلی روبرو باشیم". دهها و صدها هزار نامه و طومار با صدها هزار امیلینوها امضا و اثر انگشت دهقانان نشان میدهد که اجاره و مزارعه واقعا هم مشکلی را حل نمیکند. دهقانان حق مسلم خود را میطلبند. میلیونها دهقان زحمتکش ایران منتظر تصویب قانون و چشم براه هیئتلی هفت نفری هستند و هرگز تن به اجاره و مزارعه یعنی همان "روایل گذشته" نخواهند داد. آنها هرگز تن به اشکال سنتی و بسیار منفی سلطه اربابی نخواهند داد. آنها این اشکال را به مثابه نحوه غارت صدها ساله خود و نیاکان خود میشناسند. از جانب دهقانان هرگز چنین "امکانی" وجود نخواهد داشت مگر با زور و خدعه و تزویر از جانب بزرگ مالکان. بیاد آوریم که در زمان شاه ملعون هنگامیکه شقوق سگانه تقسیم و اجاره و فروش مطرح شد، اربابان در اکثریت مطلق خود "شق اجاره" را

که ادامه بزرگ مالکی شکل جدیدی بود برگزیدند (در کنار اجاره‌های قبلی) حالا هم از جانب مالکان بزرگ همگونه "امکان" که سهل است، علاقه و تمایل و اصرار وجود دارد که مثلک را به اجاره و مزارعه دهند و مباشر هم کارها را روبروا کنند. چه خوب خوشی! ولی اگر با اجاره و مزارعه میشد که تا بحال شده بود. حالب است که مخالفان طرح قانونی کنونی مسئله "امکان مزارعه و اجاره" را تنها از دیدگاه بزرگ مالکان دیدند و در جلسه علنی مجلس بیان کردند یکی گفت: "اگر مالک بخواهد می‌تواند اجاره بدهد ولی نمیتوانیم به آگراه اجاره‌اش کنیم به اجاره و مزارعه" و دیگری گفت: "اینهارا (مالکان را) مجبور کردن به اینکه حتما باید اجاره بدهی یا ندهی حق دولت نیست". این آقایان نمیبورند که دهقانان چگونه آقاها را میشد اجبار و آگراه کنیم که اجاره و مزارعه بگیرند و آیا اینکه دهقان بگوید همه خواستها و حق مبارزات تو و همه وعده‌های من هیچ، حالا بیا اجاره بگیر یا مزارعه بگیر حق دولت هست؟ در این گرهاگهاست که معلوم میشود هرکس باکیست و بناگاه نماینده محترم از موضع بزرگ مالکی سخن میگوید: از موضع یکمشت غارتگر و فاسد. اما بنا محاسبه آقای امامی کاشانی بی‌زمینها ۶۰۰ هزار خانوار و قریب به سه میلیون نفرند و کم زمینها یک میلیون و ششصد هزار خانوار و قریب هشت میلیون جمعیت. پاسخ اینها را باید داد. باید دید اینها چه "امکانی" دارند چه می‌گویند و چه حقی دارند و چرا انقلاب کرده‌اند و چرا از انقلاب حمایت میکنند. این نکته منفی، در قانون نهائی حذف شدنی است. در قانون شورای انقلاب هم که بتایید سه فقیر رسیده بود وجود نداشت.

۷- نکته منفی دیگر تعیین نکردن معنای "مدیریت مستقیم و موثر مالک" در اراضی دائر (ماده ۴) است که مستمسک باقی ماندن دو برابر یا سه برابر عرف محل در دست او میشود. این نقص باید با دقت و به نحوی که هرکس بی‌بها به دادن بذری سوخت یا ... خود را "مدیر موثر" جازند مرتفع شود. اینگونه خدمات را دولت و یاتعاونیها از راه شوراهای ده میتواند تامین کند و سایه نامبارک مالک را از سر دهقانان کم کند. آئیننامه اجرایی میتواند این نقص را که در واقع دستاویز حفظ بازماندن گانی از بزرگ مالکان- اگر نه بزرگ مالکی - است مرتفع نماید. فراموش نکنیم که بزرگ مالکی تنها به صرف مالکیت، بختک جامعه ما و سرطان اقتصاد روستایی ما نشده بلکه حضور و نفوذ فرهنگی و سنتی و سلطه دیرینه سیاسی و خانوادگی و نیروی عادت و بلدی بودن راه و چاه و بنود بست در شهر و غیره از منابع سیادت اوست. ادامه حضور او حتی با دو یا سه برابر عرف محل در دهمینهای خواهد شد تا جوانب صمی از سطره سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و سنتی بزرگ مالکی و شیوه زندگی و ارتباطات ماقبل انقلاب باقی بماند.

۸- بند یک از ماده ۹ مربوط به "اولویتها در مورد اراضی چنانست که در صورت استحاله دستگاه اجرائی یا نفوذ لیبرالها و غلبه طرفداران بزرگ مالکان و طاغوتیان بر آن بکلی اراضی دایر را از شمول قانون خارج کند. زیرا زمینهای بند "د" و طبق توضیح اضافی رئیس کمیسیون زمینهای دایر و سایر، "ج" و "د" هر دو را هنگامی این بند مشمول واگذاری میکند که زمینهای بند الف و ب کافی برای متقاضیان نباشد. "کافی" به چه معنا؟ همه کویر و بیابانها هم مواتند و "کافی" برای صدها میلیون متقاضی! از آنجا که حل مسئله بزرگ مالکی در زمینهای موضوع بند "ج" و "د" نهفته است، چنین انحرافی میتواند مسئله ساز گردد و از عوامل اصلی متلف شدن و نیم بند شدن بشمار آید.

اولویت واقعی انقلابی، بنظر ما، در اجرای قانون با بندهای "ج" و "د" است. اگر چنین تصریحی در طرح قانون نشده لاقول حذف آنگونه تعیین اولویت و درجه بندی میتواند به انسجام و ثمربخشی و هدفمندی قانون کمک کند و مانع کارهیثتها نشود و بخصوص دست عمال بزرگ مالکان را در اشکال تراشی و بهانه سازی ببندد.

۹- ماده ۱۰ مقرر میدارد که زمین ابتدا بمدت ۵ سال و در صورت عملکرد مطلوب بطور دائم در اختیار کشاورز باقی میماند موقت بودن وعدم قطعیت در کار دهقان و امر کشاورزی عنصری بسیار منفی است. دادن سند و رسمیت دادن به انتقال و صورت "محضری" و حقوقی دادن به آن و قطعیت بخشیدن به اصلاحات ارضی یک نکته اساسی است. این نکته را باید از آغاز و به طور قطع در مورد اخذ زمین از مالکان بزرگ، برتری در قانون و آئیننامه اجرایی آن گنجانید. بطور بی بازگشت و در هر صورتی، زمین گرفته شده از مالک بزرگ دیگر پس داده نخواهد شد و این باید در سندی قید و در قانون تصریح گردد. این یکطرفه قضیه، طرف دیگر مربوط به دهقان است. توجه قانونگذار به این که بدون قید و شرط و بدون کار روی زمین، بدون تقویت مشاع، بدون عملکرد مطلوب زمین بدهقانان واگذار نشود و دهقان گیرنده زمین بداند که باید از این حق استفاده کامل در جهت سود خود و خانواده خود و جامعه خود بکند، توجه کابلا درستی است. این ماده همچنین نظارت و توجه دائمی دولت را نیز بیان و ایجاد میکند. اما دهقان باید بداند که زمین قطعا و مسلما و دائما، با سند و مدرک، از آن اوست منتهی موظف است بنحوی مطلوب روی آن در مشاع و تعاونی خود عمل کند و گرنه پس گرفته

خواهد شد. پس سندیت دادن و قطعیت بخشیدن اصل است. اگرچه شرایطی میتواند آنرا زایل کند. بنابرین در شور دوم این ماده را که دارای جنبه‌های مثبت بسیار قوی است و در ضمن دارای ابهاماتی است باید تدقیق کرد و بسوی کمال برد. ۱۰- قسمت اخیر مقدمه فصل دوم طرح مبهم است. مقصود از اینکه "اجرای طرح مدت ۵ سال ضروری تشخیص داده شد چیست؟ اگر بعلمت آنست که عناوین ثانویه مورد تشخیص ضرورت" باید در مهلت معین و محدود و زمان مشخص باشد باید این نکته روشن گردد. واضح است که هرگز نمیتوان قبول کرد و حتی تصور کرد که قانون را برای مدت پنجسال اجرا کنیم و زمینها را به دهقانان بدهیم و بعد باز برگردیم به همان جای اول یعنی سرهمین جایی که حالا هستیم با همه ضرورتها و تنگناها و حرج‌ها. این جواب دهقانان را چه میدهید؟ هر قدر هم چنین مطلبی غیر قابل تصور و غیر عملی باشد ولی بشکل مبهم کنونی میتواند مانع از قانونیت بخشیدن قطعی و بدون بازگشت اصل صاحب زمین شدن دهقانان و اصل نابودی بزرگ مالکی شود. تمام مطالب و نکات مقدمه که از نکات قوی و مثبت طرح است حکم میکند که اجرای قانون میتواند احتمالا مثلا پنج سال یا بسی کمتر طول بکشد ولی آثار و نتایج آن دائمی و قطعی باید باشد. اهمیت قطعی شدن واگذاری را بنحوی آقای سلامتی وزیر کشاورزی در جلسه ۱۱ اسفند مجلس چنین بیان داشت: "اینطور نمیتواند پایدار باشد. قطعا اگر به این شکل پیش برویم تولید در واحد سطح کاهش پیدا میکند چرا که ممکنست احساس عدم امنیت شغلی کند".

۱۱- مسئله "منع و مردرد آمد دیگر" که موضوع تعریف شماره ۱۶ از فصل اول طرح قانون است تنها مربوط میشود به بزرگ مالکان (در ماده ۱۴ اراضی بند "د") تعریف نیاز به دقت بیشتری دارد زیرا هم گوید مردرد آمد باید "نیاز این خانواده را درخور شئون آنها برطرف کند" کدام شئون؟ معیار شئون خانسواده بزرگ مالک کدامست؟ عبارت شئون میتواند موجب سوء استفاده مستکبرین شود بخصوص که عمال لیبرال منش آنها در دستگاه دولتی همچنان نفوذ دارند باید ذکر شود درخور شئون یک زندگی عادی و سالم و شایسته خانواده‌های در جمهوری اسلامی ایران چنین عبارتی هرگاه در مورد دهقانان و "مرد درآمد آنها" و "شئون آنها نیز بکار رود درست است.

۱۲- از تمام روح قانون و نحوه تنظیم مواد و تبصره‌ها (و همچنین از تصریح این نکته که زارع باید بهای ماشین آلات دریافتی را بدهد) و از سابق امر کابلا واضح است که واگذاری زمین رایگان است. ولی این معنا هیچ جا تصریح نشده و کلمه رایگان یا مجانی یا بدون بها بکار برده نشده. این سهو ممکنست اشکالاتی ایجاد کند بنابراین تصریح آن در بند ۲ ماده ۹ ضرورت دارد. ۱۳- بند یک ماده ۵ مقرر میدارد که بهای تاسیسات و ماشین آلات کشاورزی که از مالک بزرگ گرفته میشود توسط دهقانان پرداخته شود. در تشریح شفاهی این بند در مجلس صحبت از اقساط ۸ تا ۱۰ ساله شده است که اول بصورت وام از جانب دولت بدهقانان داده میشود تا نقدا به مالک بزرگ تقدیم گردد و سپس با قسط از دهقانان گرفته شود. دهقانانیکه بر اثر جور و ستم همان مالکان آه ندارند که با ناله سودا کنند چگونه میتوانند باز هم اقساط هشت - ده ساله ماشین آلات بپردازند. اگر دولت قادر نیست این پول را که در واقع تمرکز کار قبلی خود این دهقانان است بپردازد چگونه میتوان انتظار داشت دهقانان از عهده آن برآیند.

علیرغم این نکات منفی که گاه بسیار جدی و نگران کننده هستند، خواهد شد. پس سندیت دادن و قطعیت بخشیدن اصل است. اگرچه شرایطی میتواند آنرا زایل کند. بنابرین در شور دوم این ماده را که دارای جنبه‌های مثبت بسیار قوی است و در ضمن دارای ابهاماتی است باید تدقیق کرد و بسوی کمال برد. ۱۰- قسمت اخیر مقدمه فصل دوم طرح مبهم است. مقصود از اینکه "اجرای طرح مدت ۵ سال ضروری تشخیص داده شد چیست؟ اگر بعلمت آنست که عناوین ثانویه مورد تشخیص ضرورت" باید در مهلت معین و محدود و زمان مشخص باشد باید این نکته روشن گردد. واضح است که هرگز نمیتوان قبول کرد و حتی تصور کرد که قانون را برای مدت پنجسال اجرا کنیم و زمینها را به دهقانان بدهیم و بعد باز برگردیم به همان جای اول یعنی سرهمین جایی که حالا هستیم با همه ضرورتها و تنگناها و حرج‌ها. این جواب دهقانان را چه میدهید؟ هر قدر هم چنین مطلبی غیر قابل تصور و غیر عملی باشد ولی بشکل مبهم کنونی میتواند مانع از قانونیت بخشیدن قطعی و بدون بازگشت اصل صاحب زمین شدن دهقانان و اصل نابودی بزرگ مالکی شود. تمام مطالب و نکات مقدمه که از نکات قوی و مثبت طرح است حکم میکند که اجرای قانون میتواند احتمالا مثلا پنج سال یا بسی کمتر طول بکشد ولی آثار و نتایج آن دائمی و قطعی باید باشد. اهمیت قطعی شدن واگذاری را بنحوی آقای سلامتی وزیر کشاورزی در جلسه ۱۱ اسفند مجلس چنین بیان داشت: "اینطور نمیتواند پایدار باشد. قطعا اگر به این شکل پیش برویم تولید در واحد سطح کاهش پیدا میکند چرا که ممکنست احساس عدم امنیت شغلی کند".

اساس برداشت طرح قانونی و نکات مثبت موجود امکان میدهد که امیدوار باشیم بتوان این نقاط ضعف را تا حدود زیادی برطرف کرد. در جریان بحثهای روی کلیات، نمایندگان موافق، همه، به این مسئله اشاره‌ای داشتند. یکی گفت: "ما به بسیاری از مواردش اعتراض هم داریم ولی به کلیات آن رای میدهم". دیگری گفت: "ولو اینکه نواقص در آن هست باید نواقص را حل کرد". دیگری گفت: "باید الان این را قبول کرد و در شور دوم باید در اصلاح بنیادی آن کوشید". دیگری گفت: "در یک سری جزئیات ممکن است موافق نباشیم ولی در کلیات آن موافق هستیم".

اینک که کلیات طرح تصویب شده امید می‌برد و باید مبارزه کرد تا در کمیسیون کشاورزی وطنی بحثهای شور دوم اکثریت مجلس بتواند همه کارکنکیها و بهانه تراشی‌های روحانی نمایان و مخالفان اصلاحات ارضی بنیادی را کلا نقش بر آب کند و طرح را از همه کاستی‌ها و ابهامات و نواقص و نقاط منفی جدی آن پاک کند و طرح انقلابی شایسته، یکدست و منسجمی را تهیه و تصویب کند.

ما در این بررسی مقدماتی برخی از مهم ترین نکات منفی طرح را ذکر کردیم با این امید که بطور سازنده در تکمیل و تنقیح طرح موثر افتد، با این امید که در شکل نهایی خود و پس از تصویب در شور دوم، قانون اصلاحات ارضی واقعا بنیادی باشد نه نیم بند و متلف شده، واقعا قاطع باشد نه تدبیر شری شده یا کلاه لیبرالی بر سر، واقعا کاربرد باشد نه لولوی سرخرمن. واقعا در خط امام باشد نه مطابق میل و عاظ المالتین و ایادی بزرگ مالکان، واقعا به تحکیم جمهوری اسلامی ایران و استقلال وعدم وابستگی آن و خودکفایی مقدر و کمک کند نه آنکه پایگاه داخلی امپریالیسم را در درون جمهوری حفظ کند، واقعا منجر به از بین بردن محرومیتها و ظلمها و بیعدالتی‌های قرون سرد و نه آنکه آنهمه امیدهای پر شور عدالت خواهانه دهقانان زحمتکش را برباد دهد.

طرح قانونی کنونی بعنوان گام اول مثبت میتواند اساس چنین قانونی باشد. ضرورت حیاتی دارد که سنگ اول کج نهاده نشود. ضربه متوجه اساس مالکیت بزرگ ارضی باشد و هدف، زمیندار کردن انبوه عظیم دهقانان تهی دست. اما سنگ‌های بعدی راهم باید درست نهاد.

ساروج و سمنت آن باید مستحکم و عاری از عناصر ناپاک و غیر متجانس باشد. باید کار بدست معاران متحد و انقلابی سپرده شود که دیوار را به کج نبرند و تحت تاثیر بزرگ مالکان قرار نگیرند و انقلاب و مستضعفان را زیاد نبرند، یعنی بدست نهادهای اجرائی که انقلابی و مردمی و در خط امام و در خدمت مستضعفان باقی بمانند و از جانب همه مسئولان دولتی و نهادهای وارگانها بطور کامل حمایت شوند.

هیئت‌های هفت نفری، ترکیب و عملکردها، پیوند آنان با دهقانان و اعتماد دهقانان به آنان وجود چنین نهادی را گواهی می‌دهد. انقلاب ما توان آنرا دار یک در این عرصه پرهیز شود، علیرغم آنکه می دانیم نبردهای جدی و هموار روی‌های سهمگین در پیش است.

### اسرائیل در...

بقیاض صفحه ۱۶ آغاز سفر رسمی خود به الجزایر اعلام داشت: "خلق عربی فلسطین از بیکار در راه دستیابی به حقوق ملی حقه خود، از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل کشوری مستقل، دست بر نخواهد داشت".

قدومی پس از اشاره به ادامه تنش "فزاری اسرائیل در جنوب لبنان گفت، که "لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها عزم قاطع دارند، که در برابر هرگونه تجاوز مقاومت ورزند".

درواه صلح و خلع سلاح

مسئله مبارزه در راه حفظ و پایداری صلح و خلع سلاح امروزه یکی از مهمترین مسائل جهانی تبدیل شده که با سرنوشت و مقدرات همه خلق ها و همه کشورهای جهان پیوند دارد. حل نهایی این مسئله در سطح جهانی با آزادی و استقلال و سعادت و بهر روزی همه خلق های جهان در هر کشور و قاره ارتباط تنگاتنگ دارد. در صورتیکه نیروهای صلح طلب جهان نتوانند مسابقه تسلیحاتی بویژه سلاح های هسته ای را مهار کنند، و محافل جنگجو و نظامی برای امپریالیستی موفق به اجرای برنامه های تشدید مسابقه تسلیحاتی خود شوند، و جهان را به ورطه فاجعه جنگ هسته ای بکشانند، دیگر نه تنها مبارزات رها می بخش و استقلال طلبانه خلق های محنت و موضوع خواهد بود، بلکه مسئله وجود با عدم وجود کشورها و خلق های کامل و کل تمدن و آینده بشریت مطرح خواهد بود. و به همین علت است که مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی و مبارزه علیه امپریالیسم با مبارزه خلق هادر راه صلح و پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی و قطع تولید سلاح موشکی و هسته ای و نابودی ذخائر موجود آن، با هم در پیوند هستند. در کارزار این مبارزه سرنوشت ساز برای بشریت، دو جبهه مشخص را میتوان مشاهده نمود:

جبهه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که در تمام مناطق جهان دشمن استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی خلق ها است و به بیرحمانه ترین شیوه های براندازی و مداخله نظامی علیه رژیم های انقلابی و مردمی دست می یازد، در عین حال عامل اصلی تشنج فزاینده در سطح جهان، تشدید مسابقه تسلیحاتی و تدارکات پرشتاب جنگ جهانی و گشایش بشریت به ورطه دهشتناک فاجعه هسته ای است.

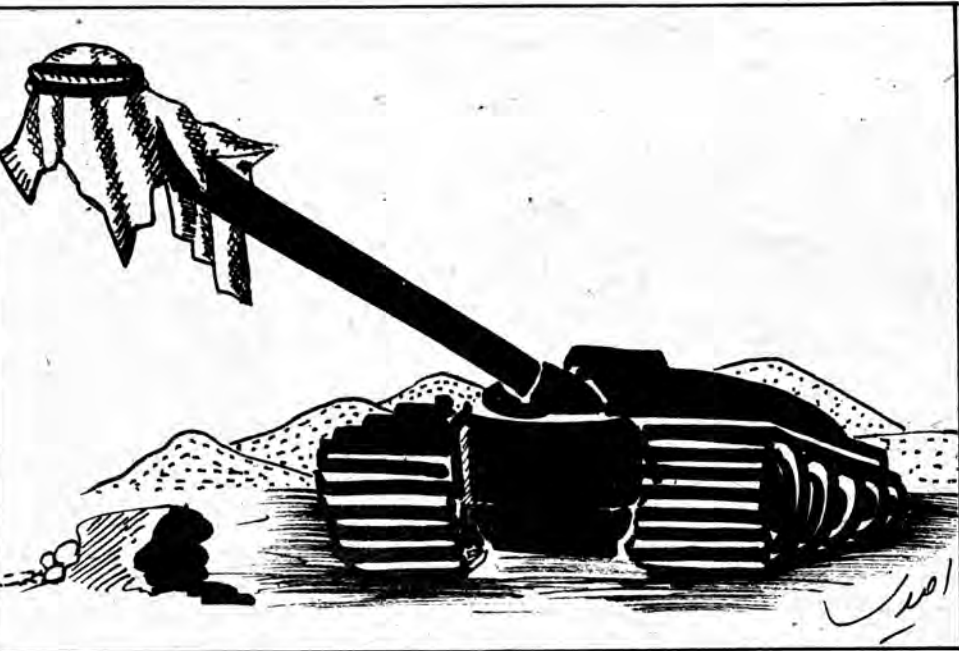
جبهه دیگر، جبهه نیروهای است که طرف دار صلح و تنش زدایی، طرفدار قطع مسابقه تسلیحاتی و پایان بخشیدن به تولید سلاح هسته ای و سرانجام نابودی این سلاح در کلیه زرادخانه های کشورهای جهان هستند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و کلیه نیروهای ترقیخواه و صلح طلب جهان این جبهه را تشکیل میدهند. این جبهه در عین حال از مبارزات انقلابی و رهایی بخش خلق ها بخاطر آزادی و استقلال و از کشورهای مستقل ملی و رژیم های انقلابی در راه دفاع از استقلال پشتیبانی می کند و در مبارزه علیه توطئه های امپریالیستی مداخله نظامی و فشار و محاصره اقتصادی به این خلق ها و کشورهای یاری میرسانند.

تفاوت ماهوی سیاست این دو جبهه جهانی را میتوان در اقدامات و فعالیت های مشخص آنان در مسائل صلح و جنگ مشاهده نمود.

دولت آمریکا پس از تصویب برنامه تولید سلاح نوترونی و استقرار این سلاح موشک های هسته ای در سرزمین کشورهای اروپایی عضو پیمان ناتو، که موجب جنبش عظیم اعتراضی خلق های اروپا گردید. بابتی اگتنائی به افکار عمومی محافل اجتماعی جهان، همچنان راه خطرناک تنش فزاینده و مسابقه تسلیحاتی را ادامه میدهد. در ژانویه سال جاری (میلادی) کاخ سفید برنامه گسترش تولید سلاح شیمیائی و بیولوژیکی را تصویب نمود. در سال ۱۹۷۸ دولت آمریکا صد و یازده میلیون دلار برای تولید سلاح شیمیائی تخصیص داده بود که در سال ۱۹۸۱ این مبلغ را به ۲۶۲ میلیون دلار و در سال جاری با تصویب برنامه جدید به ۴۵۵ میلیون دلار رسانده است. طبق گزارش روزنامه آمریکائی نیویورک تایمز در سال ۱۹۸۳ مبلغ ۸۱۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۴ مبلغ یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار از جانب دولت آمریکا برای هزینه های تولید سلاح شیمیائی و بیولوژیکی منظور شده است. به دنبال تصمیم کاخ سفید در مورد تولید سلاح شیمیائی وزارت دفاع آمریکا، پس از بررسی مسئله مجهز کردن موشک های کروز با کلاهک های شیمیائی پیشنهاد کرده است که این نوع موشکها با برد هزار و پانصد میل در خاک اروپای غربی استقرار داده شود.

در برابر این برنامه های خطرناک و فاجعه انگیز دولت آمریکا، دولت اتحاد شوروی پیشنهاد می کند که آماده است در باره امتناع اکید طرفین از استقرار سلاح های هسته ای میان برد، در خاک اروپا توافق حاصل شود. و در صورتیکه طرف مقابل موافقت کند آماده است که کلیه سلاح های هسته ای دوطرف در اروپا برچیده شوند و اروپا به منطقه آزاد از سلاح هسته ای تبدیل شود. اتحاد شوروی اظهار آمادگی کرده است که حتی حاضر است در صورت آغاز مذاکرات برای چنین توافقی، به طوریکه جنبه بخشی از سلاح های میان برد خود در منطقه اروپائی اتحاد شوروی را تقلیل دهد. لئونید

تفسیر وقایع مهم جهان



برژنف رهبر اتحاد شوروی در پاسخ به پیام گروهی از نویسندگان ژاپن که در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و منع سلاح هسته ای مبارزه می کنند، خاطر نشان کرده است که دور جدید مسابقه تسلیحاتی بویژه سلاح هسته ای که دولت آمریکا آغاز کرده برای بشریت خطر جدی در بردارد. این گروه از نویسندگان ژاپن پیامی به سران دولت اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا ارسال داشته و در آن پیام خواستار اتخاذ تدابیر جدی و عملی برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی شده اند. لئونید برژنف در پاسخ به این پیام تاکید نموده است که اتحاد شوروی آماده است هرگونه کوشش و اقدام عملی را جهت جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به عمل آورد. اتحاد شوروی حاضر است که مذاکرات مربوط به قطع تولید انواع سلاح هسته ای و نابودی کامل تمام ذخائر این سلاح را بلا درنگ آغاز کند.

رکود تولیدی را به کشورهای نواستقلال منتقل ساخته و اقتصاد این کشورها را دچار نابسامانی و ورشکستگی مینماید بدین طریق وابستگی اقتصادی این کشورها را به سیستم اقتصاد و بازار جهان سرمایه داری حفظ کرده و در تشدید این وابستگی ها میکوشند.

کنفرانس ۴۴ کشور از قاره های آسیا و آفریقا و آمریکا لاتین که در هفته گذشته در دهلی نو پایتخت هند برگزار گردید، به همین مسئله روابط اقتصادی جهانی کشورها را رشد پابند و نظام اقتصادی بین المللی تخصیص داده شده بود.

نمایندگان کشورهای رشد یابنده در جریان کار این کنفرانس بی آمده های زینبار و مغرب سیاست نواستعماری امپریالیسم جهانی را در اقتصاد کشورهای نواستقلال خاطر نشان کردند و خواستار پایان دادن به این سیاست و استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین المللی شدند. در اغلب سخنرانی های نمایندگان کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس خاطر نشان شده است که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بر خلاف جهان سرمایه داری غرب، از خواست کشور های رشد یابنده در باره استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی جهان حمایت میکنند و در روابط اقتصادی و بازرگانی خود با کشورهای نواستقلال از اصول برابری حقوق، سود متقابل و احترام به حق حاکمیت و استقلال این کشورها پیروی میکنند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در روابط بازرگانی و همکاری های اقتصادی با کشورهای رشد یابنده منافع استقلال اقتصادی این کشورها را در نظر میگیرند و در پایه گذاری صنایع ملی، دستیابی به تکنولوژی امروزی و پرورش کارهای ملی متخصص به این کشورها یاری میرسانند نمونه های این همکاری ها را در کلیه کشورهای نواستقلال در قاره های آسیا و آفریقا و آمریکا لاتین که با کمک های فنی و اقتصادی و همکاری های کارشناسان اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، صد ها واحد صنعتی بزرگ و تاسیسات تولیدی و فرهنگی و آموزشی احداث گردیده میتوان مشاهده نمود.

تدارکات نظامی آمریکا در منطقه همچنان ادامه دارد

امپریالیسم آمریکا با هزینه ای معادل چهار میلیارد دلار پایگاه های نظامی خود را در خاک سودان تاسیس میکند. طبق گزارش هفته نامه لبنانی "المصر" میان رژیم سودان و دولت آمریکا قرارداد محرمانه ای درباره تاسیس پایگاه نظامی آمریکا در خاک این کشور منعقد شده است. یکی از این پایگاه های نظامی دریائی و هوائی در شمال شهر بندری پورت سودان، پایگاه دیگر در غرب سودان، و پایگاه سوم که پایگاه هوائی و ارتباطاتی است در ناحیه جنوبی تاسیس خواهد شد. در عین حال دولت ریگان به رژیم سودان وعده داده است که کمک های نظامی خود را از ۱۰۰ میلیون دلار به ۲۰۰ میلیون دلار افزایش خواهد داد. ادریس الصبری وزیر کشور مراکش در پایان دیدارش از بغداد که هفته گذشته انجام گرفت و وارد

ریاض پایتخت عربستان سعودی شد. وزیر کشور مراکش در جریان دیدار از عربستان سعودی قرار دادی درباره همکاری امنیت داخلی میان عربستان و مراکش منعقد نمود. بدین ترتیب رژیم مراکش نیز با کشورهای "شورای همکاری خلیج" (فارس) هم پیمان میشود. از سوی دیگر طبق گزارش خبرگزاری تاس از واشنگتن، وزارت دفاع آمریکا کمک نظامی جدیدی معادل ۲۰۰ میلیون دلار در اختیار تونس میگذارد. هواپیما های جنگنده (اف-۵)، (اف-۵-اف) و قطعات یدکی و دیگر تجهیزات جنگی از جمله این کمک های نظامی است که به تونس داده خواهد شد. سال گذشته ۵۴ دستگاه تانک (ام-۶۵) به ارزش ۹۲ میلیون دلار طبق برنامه کمک های نظامی آمریکا به تونس به این کشور تحویل شده است. ارسال جنگ افزار و تجهیزات نظامی آمریکا به تونس از جمله مواد قراردادی است که به موجب آن ارتش تونس طی پنج سال بوسیله وزارت جنگ آمریکا بازسازی و تجدید سلاح خواهد شد.

عملیات تحریک آمیز و تجاوز نظامی اسرائیل در جنوب لبنان همچنان ادامه دارد. شورای امنیت سازمان ملل متحد با توجه به پیامد های خطرناک این اقدامات تجاوزگرانه اسرائیل اوضاع این منطقه را که روز به روز رو به وخامت میگردد مورد بررسی قرار داد. به موجب گزارش های رسیده از بیروت دولت صهیونیستی اسرائیل یگان های بزرگی از نیروهای مسلح خود را به مناطق مرزی جنوب لبنان منتقل نموده و تدارکات گسترده ای برای حمله به خاک این کشور می بیند. به گفته مقامات رسمی اسرائیل احتمال می رود که ارتش اسرائیل به مواضع رزمندگان فلسطین در جنوب لبنان حمله کند و درگیری مسلحانه گسترده ای را در این منطقه بوجود آورد. این عملیات تجاوزی و تدارکات جنگی دولت صهیونیستی اسرائیل دامنه تجاوزات خود در این منطقه را گسترش می دهد، دولت ریگان برای فریب افکار عمومی فرستاده ویژه خود فیلیپ حبیب را به عنوان "سفیر صلح" به این منطقه اعزام میدارد. در واقع سیاست آمریکا نسبت به اقدامات تجاوز کارانه اسرائیل از جمله اعزام فرستاده ویژه به این منطقه در جهت جلوگیری از تجاوز و کمک به حل بحران خطرناک این منطقه بلکه در جهت تشویق و ترغیب دولت صهیونیستی اسرائیل به ادامه تجاوزکاری و حمایت و پشتیبانی از آنست.

اقیانوس هند و تدارکات جنگی آمریکا در این منطقه

روز دوشنبه اول مارس (دهم اسفند) اجلاس کمیته ویژه سازمان ملل متحد مربوط به منطقه اقیانوس هند گشایش یافت. این کمیته ده سال پیش به منظور بافتن راه تحقق پیشنهاد سازمان ملل متحد برای اعلام منطقه اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح و امنیت تشکیل یافت. کشورهای مستقل ملی این منطقه، جنبش غیر متعهد ها، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که خود از مبتکرین ارائه چنین پیشنهادی هستند، با اعلام این منطقه به منطقه صلح و امنیت موافقت دارند و همواره در راه تحقق یافتن این پیشنهاد کوشش میورزند. اکثریت شرکت کنندگان در اجلاس کنونی کمیته ویژه سازمان ملل متحد مربوط به اقیانوس هند ضمن اصرار بر اجرای این پیشنهاد، توجه کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و محافل اجتماعی جهان را به این مطلب جلب کردند، که توطئه ها و تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا و هم پیمان های آن در بلوک نظامی صلح و امنیت این منطقه پهناور جهان را با خطری جدی روبرو کرده است. اکنون تا گروه های بزرگ ایالات متحده آمریکا از حمله ناوهای هواپیما بر آمریکا در آبهای اقیانوس هند و مجاور آن استقرار دارند طی سه سال اخیر شمار ناوهای جنگی آمریکا در اقیانوس هند سه برابر شده است. عنا و جنگی آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو در آبهای اقیانوس رفت و آمدند.

طبق گزارش روزنامه هندوی "هندوستان تایمز" دولت آمریکا در پنج سال آینده ۵ میلیارد دلار جهت اجرای برنامه نظامی کردن کامل این منطقه هزینه صرف خواهد کرد. وجود پایگاه های نظامی و حضور دائمی ناوگان جنگی آمریکا در این منطقه صلح و امنیت همه خلق ها و کشورهای این منطقه را با خطری جدی تهدید میکند و به همین علت است که کشورهای مستقل ملی منطقه در کلیه محافل بین المللی و از آن جمله سازمان ملل متحد، مسئله غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند و تبدیل آن به منطقه صلح را مطرح کرده و مضرانه خواستار عطفی شدن این پیشنهاد هستند.

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

طرح قانون اصلاحات ارضی برای مثبت اکثریت نمایندگان مجلس

احترام به قانون

نماینده مردم تاکستان آنگاه خطاب به همه ادارات و سازمان های دولتی و نهادهای انقلابی در خصوص اجرای صحیح قانون تذکر داد دو ضمن اشاره به تاکید امام خمینی، وزیر کشور و دیگر مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی ایران در اجرای قانون گفت: "ما هم که ادعای پیروی خط امام را داریم باید بیش از همه به امام و مقامات بلند پایه مملکت و قانون احترام بگذاریم و مطابق آن عمل کنیم و لویا بکنیم در بعضی موارد به ضرر شما و ما باشد. باید به قانون گردن نهیم. از شما بپرهیزید که قانون شکنی کنید و خلاف قانون عمل کنید - " وی سپس افزود: "این به این معنی است که شما بی نظمی می کنید و بی نظمی را در اجتماع توسعه می دهید و بی نظمی در جمهوری اسلامی گناه بزرگی است. دومین ناطق پیش از دستور این جلسه حسن بازنندی نماینده درود و از آن بود که ضمن سخنانی با اشاره به توطئه های آمریکا علیه انقلاب ایران، گفت: اگر دشمن می تواند از طریق ترور، محاصره اقتصادی، تهمت و افترا و نقشه های خائنه پیروز شود، دست به این کار نمی زند. "

به تصویب رسید

بسیار مهمات طرح اصلاحات ارضی در شور دوم باید برطرف گردد. \* نماینده تاکستان: ما که ادعای پیروی خط امام را داریم، باید بیشتر از همه به قانون احترام بگذاریم. قانون شکنی بپرهیزید. \* نزدیکی (شیوخ خلیج فارس) به آمریکا، دوری از مردم است. \* آمریکا باید از منطقه خاورمیانه خارج شود.

در رومی کند، شخم نمی کند، این چه جور کشاورزی است؟ واصل چرا زمین در دست او باید باشد؟ و چرا دیگران که خون ایشان از آن ها سرخ تر نیست برای او بیل بزنند و محصول را ایشان ببرند؟ اگر فرزند دارد خوب آن ها برایش کار می کنند و اگر فرزند ندارد دو خودش هم نمی تواند کار کند چطور این زمین را از اول در اختیار خودش گرفته. معلوم است که باید بوند. هاشی که داشتند، زمین را غصب کرده بودند.

ناطق افزود: الان دنیا ناظر به این است که ما که از بین محرومین آمده ایم برای محرومین چه می خواهیم بکنیم. آیا واقعا یک موضعی را اتخاذ می کنیم که محرومین که وارث اصلی انقلابند و الان دارند خون می دهند و در همین درگیری اخیر آمل که وحشی های جنگلی به شهر حمله ور شده بودند، اکثر کسانی که از ما به شهادت رسیدند از محرومین و روستائیان بودند، حالا ما تا کی بنشینیم و ببینیم آنها (زمینداران بزرگ) از درآمد و محصول و دسترنج روستائیان به وحوش جنگل کمک کنند، به سلطنت طلبان پول برسانند. اما این هاشی که دارند برای انقلاب جان و مال می دهند چیزی در کسبه آن هاست. وی در ادامه ضمن تاکید بر لزوم تصویب این طرح تصریح کرد که "البته ما به بسیاری از مواردش اعتراض داریم" در این جلسه همچنین حجج اسلام محلاتی، یزدی و ملازاده به عنوان مخالف و امامی کاشانی و موسوی تبریزی به عنوان موافق سخن گفتند در پایان رای گیری بعمل آمد و کلیات لایحه اصلاحات ارضی با اکثریت قاطع آراء نمایندگان به تصویب رسید.

در جلسه علنی روز ۱۳ اسفند، ظاهری نماینده ایدیه ضمن سخنانی تاکید کرد که "آمریکا باید بداند که عمرش به سر آمده و باید از منطقه خاورمیانه خارج شود." حسین کمالی نماینده تهران دومین ناطق این جلسه نیز، ضمن اشاره به پیروزی های جمهوری اسلامی ایران در سه سال گذشته و اشاره به لزوم کسب استقلال اقتصادی، گفت: ما می بایست صنعت ملی خود را از پایه به شکل ملی و خودکفایی بریزی کنیم. ناطق سپس به طرح مسئله "امنیت سرمایه" در جامعه پرداخت و آن را "شعار کشورهای کاپیتالیستی" خواند. ناطق در پایان تاکید کرد که سرمایه گذاری های تولیدی نباید "مبنای کارشان بر استثمار باشد" باید "در جهت صنعت ملی و نه صنعت وابسته سرمایه گذاری شود."

در پایان این جلسه آئین نامه داخلی مجلس مطرح گردید و چند ماده از آن به تصویب رسید.

پس از پایان سخنان پیش از دستور طرح اصلاحات ارضی توسط حضرت امام فاضل هندی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس مطرح گردید و نخست آقا رحیمی سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: آیا اصلاحات ارضی این مالک های بزرگی که امروز به عنوان مالک شمرده میشوند، مالکیت های اسلامی دارند یا نه؟ ناطق سپس ضمن تاکید بر اینکه این لایحه اولین گام مثبت در جهت اجرای مفاد قانون اساسی است، موادی از این لایحه را که برای زمینداران بزرگ امکان ظفره رفتن از اجرای قانون را فراهم می آورد، مورد انتقاد قرار داد.

آنگاه شجاعیان در موافقت با این طرح گفت: آيا زمین هاشی که دست نفوذ الهیست حاصل رنج خودشان است یا نه؟ با این طرح ما می توانیم حداقل ظلم و ستمی که بر کرده توده کشاورز رفته جبران کنیم و دست ستمگران را کوتاه کنیم و زمین هاشی که حق خودشان است به آن ها بدهیم. ضرورت دیگر برای اجرای این قانون رفع استثمار و از بین بردن آن است.

موافقت با اصل طرح

اصلاحات ارضی

حجت الاسلام مجتهد شبستری نیز که در موافقت با این طرح سخن گفت، از جمله اظهار داشت: ابهامات زیادی در این طرح است که در شور دوم باید اصلاح شود... صحیح این است که به اصل لایحه رای داده شود و ابهامات را که زیاد هست رفع کنیم... برای اصل ۴۹ هم در همین قانون باید فکری بکنیم."

پس از سخنان مجتهدی میرجعفری به عنوان مخالف، کاظم نوروزی، به عنوان موافق در مقام پاسخگویی به ناطق قبلی گفت: ایشان فرمودند اگر زمین ها در روستاها تقسیم شود کارگر برای بیل زدن روزی ۱۲۰ تومان هم پیدا نمی شود، خوب ما هم همین را می گوئیم، که اگر آن آقای که در روستا زمین دارد، بیل نمی زند،

اخیر امام خمینی در مورد واگذاری حق تشخیص ضرورت به مجلس شورای اسلامی، تاکید کرد که: "یکی از مصادیق بارز این مقاله یعنی تشخیص توسط مجلس و اعمال ولایت از طرف امام، لایحه اصلاحات ارضی است. "ناطق افزود: "آیا پس از ثبوت ادله نامحدود این ضرورت از قبیل عدم خودکفایی کشاورزی، تورم، بیکاری، فقر روستائیان سوء استفاده ملاکین عمده و بکار انداختن سرمایه های کلان علیه کیان اسلام و جمهوری اسلامی مانند تهیه خانه های تیمی، خرید اسلحه و در اختیار منافقین قرار دادن، گرداندن رادیوی صدای ایران و صدای بختیار و غیره کوچک ترین ابهامی در ضرورت اجرای این طرح (اصلاحات ارضی) باقی می گذارد؟"

کاظم اکرمی نماینده بهار و کیوتر آهنگ، نیز ضمن سخنان پیش از دستور خود، با اشاره به توطئه ها و مانورهای آمریکا در مناطق مختلف جهان، گفت: "اگر سیاست های ریگان ادامه پیدا کند... و پتانسی بوسعت خاورمیانه موجود خواهد آمد و آمریکا هر روز منزوی تر خواهد شد. "ناطق سپس افزود: "هر چه شیوخ خلیج (فارس) به آمریکا نزدیک تر شوند از مردم دورتر شده اند. و به مرگ خودشان نزدیک، این یک فرمول شده است."

نماینده کیوتر آهنگ در ادامه سخنان خود از بازرسی کل کشور خواست تا پای صحبت مردم بنشیند، زیرا مردم احساس میکنند در بعضی جاها رابطه به جای ضابطه نشسته است "وی سپس به مسئله گرینش و وضع امورتز بیستی در آموزش پرورش پرداخت و گفت: مسئله اساسی این است که آیا کسانی که به گرینش می پردازند و با بعضی از برادران و خواهران که به عنوان امور تربیتی در مدارس در کل مملکت مشغول اند، چقدر در مسائل تربیتی، مسائل اخلاقی و برخورد با معلمین طاغوت زده، موفق اند؟ بعضی از برادران که در گرینش دخالت دارند و در امور تربیتی، به جای جذب معلمین و محصلین به اسلام بسیاری از آن ها را دفع می کنند."

زمینداران بزرگ مخالفان جمهوری اسلامی

در دومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی که روز ۱۱ اسفند تشکیل شد ابتداء عزت الله دهقان نماینده مردم تربت جام طی سخنانی با اشاره به حکم

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته، یکی از پربارترین هفته های فعالیت خود را پشت سر گذاشت. در این جلسات که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، طرح قانون اصلاحات ارضی به تصویب رسید و نمایندگان مجلس خواستار بی ریزی صنعت ملی، انجام اصلاحات بنیادی به نفع توده های زحمتکش و مقابله با بی قانونی ها شدند. در اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته که روز ۹ اسفند، تشکیل شد، ابتدا قهرمان رحمانی نماینده مردم تاکستان به عنوان ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی ضمن اشاره به آغاز چهارمین سال پیروزی انقلاب به چهارمین سال مبارزه همه جانبه و جهانی با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا، گفت: انقلاب اسلامی در طول این مدت مراحل خطرناکی را با شیطان بزرگ طی کرده و سرانجام خط اصیل خود را تثبیت کرده است. نماینده مردم تاکستان آنگاه با تاکید بر اینکه تثبیت انقلاب موجب شدیدتر شدن توطئه های آمریکایی شود، خاطر نشان ساخت: امپریالیسم آمریکا و مزدوران خارجی اش برای مقابله با انقلاب طوفان زای اسلام قصد محاصره انقلاب ما را کرده اند که محاصره اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی از آن جمله است.

وی سپس افزود: "جمهوری اسلامی ایران از تمامی دولت های منطقه به ظاهر اسلامی خواسته که اگر واقعا اسلامی مقابل با آمریکا بخیزید و همان سلاح نفت را که در اختیارتان هست بکار گیرید و از این طریق امریکای جنایتکار را به زانو در آورید. عربستان را که نفت سرشار قسمت اعظم مخازن امریکا را بر کرده و چرخ صنایع استعماری را می چرخاند، و ادار به قطع نفت کنید. اگر شما اسلامی هستی چرا اینکار را نمی کنید. جواب این چراها را باید این رژیم های به ظاهر اسلامی به مردمشان بدهند."

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به تذکر رئیس مجلس به دولت در خصوص اجرای مصوبات مجلس از تاخیر دولت در این مورد انتقاد کرد و چنین گفت: "به صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران نیست که در اجرای مصوبات مجلس تاخیر کند. مردم مسلمان و مستضعف ایران از قوانین سابق سخت در فشارند. تاکی باید در انتظار اجرای این قوانین جدید باشند. در زمان بنی صدر خائن، عذر دولت موجه بود ولی الان دولت چه عذری برای اجرا نکردن مصوبات مجلس دارد."

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال غنا (۱۵ اسفند/ ۶ مارس)

غنادر آغاز راهی دشوار

فرآورده صادراتی غنا - از ۵۵۶ هزار تن در سال ۱۹۶۵ به ۲۸۰ هزار تن در سال ۱۹۸۰ تقلیل یافت. انتظار می رود، که تا مین خودکفایی غنا در زمینه خواربار هنوز سالها طول بکشد. فزون بر این باید از رکود تولید، از جمله در رشته های استخراجی، چون طلا، الماس و بوسکیت تورم سرسام آور (در حدود ۶۰٪ در سال ۱۹۸۱) و بیگاری فزاینده سخن گفت. بگفته راثول لینگز، که رژیم لیمان را یکی از ننگ آورترین حکومت های غنا خوانده است: "مردم غنا از همه حقوق بشری و بنیادی خود، به ویژه از حق بهره گیری از محصول کار خویش محروم شده اند... دمکراسی تنها تضمین آزادیهای مجرد بر روی کاغذ نیست، بلکه در درجه نخست بمعنای تامین خوراک، پوشاک و مسکن است، که بدون آنها زندگی مفهوم خود را از دست می دهد." راثول لینگز بحق می گوید: "وقت آن فرا رسیده است که جامعه غنادرگون و بدینسان به دمکراسی (در غنا) معنای راستین آن بازگردانده شود."

چنانچه حکمرانان از مقام خود برای پیشبرد منافع خویش بهره جویند، با مقاومت خلق روبرو خواهند گردید و مقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد." در بهار ۱۳۶۰ (اواخر مه ۱۹۸۱)، جری راثولینگز، که بر اثر اعمال فشار محافل بورژوازی غنا از ارتش اخراج گردیده بود، تحولات غنا را "خیانت به روح انقلاب ۴ ژوئن (۱۴ خرداد)" خواند. در دوران پیش از کودتای اخیر تضادهای جامعه غنا روز بروز عمیق تر می شود و دولت لیمان، که خود بر پیشانی مبارزه با فساد به حکومت رسیده بود، از هرگونه کوششی در راه چیرگی بر دشواری

وحدت آفرینا" و "جنبش غیر متعهدها" وفادار خواهد ماند و به همکاری با همه کشورها ادامه خواهد داد. جری راثولینگز نخستین بار در ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ (۴ ژوئن ۱۹۷۹) در پیامد کودتای دولت ژنرال آکوفو را سرنگون ساخت و در رأس "شورای انقلابی نیروهای مسلح" قدرت را به دست گرفت. در آن هنگام نیز انگیزه "کودتا" رهائی غنا از فلاکت اقتصادی و فساد "اعلام گردید. اما دو ماه بعد "شورای انقلابی" کناره گرفت و زمام امور را به لیمان سپرد. در همان روز (۲ مه ۱۳۵۸ / ۴ ژوئن ۱۹۷۹)، جری راثولینگز هشدار داد:

جری راثولینگز، رئیس "شورای موقت دفاع ملی" غنا در چندین سخنرانی رادیویی مردم کشورش را فراخواند، تا در دگرگون سازیهای دمکراتیک کنونی شرکت فعال جویند و از رهبری جدید پشتیبانی کنند. "کنگره" سندیکائی غنا "نیز فراخوانی همانند خطاب به غنائی ها منتشر ساخت. در این فراخوان از مردم غنا خواسته شد، که آرامش را حفظ کنند و سرکار خود برونند. "شورای موقت دفاع ملی" روز ۱۵ دی ۱۳۶۰ (۳۱ دسامبر ۱۹۸۱) پس از کودتائی بر رهبری ستوان خلبان جری راثولینگز زمام امور را بدست گرفت، دولت هیلال لیمان را سرنگون ساخت، پارلمان غنا را منحل کرد، احزاب سیاسی را ممنوع اعلام داشت و قانون اساسی را به تعلیق در آورد. راثولینگز در نخستین پیام رادیویی خود خاطر نشان ساخت، که بناسمانی اقتصادی کشور نظامیان را به برداشتن این گام وادار کرد. جری لینگز اعلام داشت، که غنا به تعهدات خود در "سازمان ملل متحد"، "سازمان

ورزش در هفته گذشته:

کمیته المپیک ایران پیشنهاد عربستان سعودی در باره

بازیهای آسیایی را رد کرد

تیم ژیمناستیک جوانان کشور اسفند ماه جاری و تیم دوچرخه سواری فروردین ماه آینده در بازیهای آسیایی درهندو تایلند شرکت می کنند

ورزش در هفته گذشته در مقایسه با هفته های قبل که شاهد مسابقات ورزشی تماشایی و حساس بودیم، از تحرک کمتری برخوردار بود. با این وجود، در این هفته، خبر پیروزی تیم پرسپولیس در جام وحدت، دیدارهای تیم فوتبال جمهوری دمکراتیک خلق کره با تیم های ورزشی کشورمان و نیز اخباری در زمینه تشکیل تیم ملی ژیمناستیک و نیز تدارک اعزام تیم دوچرخه سواری به تایلند حائز اهمیت بودند. در زیر نگاهی کوتاه به برخی از اخبار مهم ورزشی هفته گذشته داریم.

فوتبال

در این رشته، ابتدا باید از پیروزی درخشان تیم ایران در پاکستان و ورود پیروز مندان آن به کشور سخن گفت. تیم منتخب ایران در جریان این سفر ورزشی با شایستگی فراوان به عنوان تیمی از جمهوری اسلامی ایران که تنها نماینده ورزش فوتبال ایران، بلکه بیانگر گوشه ای از شور عظیم ضد امپریالیستی مردم قهرمان مان بود، ظاهر شد و توانست جام را به کشورمان بیاورد. در جریان ورود این تیم، مردم ورزش دوست و انقلابی ایران به گرمی از آنان استقبال کردند. از سوی کمیته ملی المپیک ایران نیز میهمانی ناهاری به افتخار این قهرمانان برگزار شد.

هفته گذشته شادی دیگری نیز نصیب مردم کشور و فوتبال دوستان و علاقمندان به ورزش شد. و این شادی پیروزی در مسابقات جام وحدت و در نتیجه ماندن این جام در کشور بود. تیم پرسپولیس توانست در بازی نهایی الجزایر را یک بر صفر شکست دهد و مقام قهرمانی را به خود اختصاص دهد. این بازی از زیبایی، سرعت و تکنیک خوبی برخوردار بود. تیم الجزایر که در این جام بخوبی درخشید و چهره نیرومند و باتکنیکی از فوتبال الجزایر عرضه کرد، در مقابل بازی یکدست پرسپولیس که این بار علی پروین نیز در خدمت آن بود، راه جانی نبرد و در پایان ۹۰ دقیقه تلاش جام را به پرسپولیس واگذار کرد. در این میان باید از تیم خوب و پرتلاش ملوان که با بازی های چشمگیر، نظر بسیاری را خود معطوف کرد نیز نام ببریم. این تیم توانست با پیروزی ۳-۰ در مقابل ارتش سوریه مقام سوم را احراز کند.

در هفته گذشته اعلام شد که فدراسیون دوچرخه سواری کشور تصمیم دارد، گروهی از دوچرخه سواران زبده کشور را در اواخر فروردین سال آینده به مسابقات دوچرخه سواری قهرمانی آسیا که در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ فروردین ۶۱ در تایلند برگزار می شود، اعزام دارد. منوچهر روشن پور رئیس فدراسیون دوچرخه سواری در مصاحبه ای با نشریه کیهان ورزشی در این ارتباط اعلام کرد، تعدادی حدود ۲۰ تن از زبده ترین دوچرخه سواران ایران که در مسابقات قهرمانی کشور (پست جاده)، مسابقات دور شمال (بنام جمهوری اسلامی) و بالاخره مسابقات سالگرد انقلاب موفقیت هایی کسب کرده اند به اردوی تدارکاتی که از ۱۵ اسفند ماه جاری تشکیل میشود، فراخوانده می شوند و از بین آنان حداکثر ۱۰ نفر انتخاب خواهند شد و در مسابقات قهرمانی آسیا در تایلند شرکت خواهند کرد. لازم به یادآوری است که تیم دوچرخه سواری ایران در طی بیست سال گذشته



صحنه ای از دیدار پرسپولیس - الجزایر، یک بازی خوب و پرهیجان، پیروزی تیم پرسپولیس "جام وحدت" را نصیب ایران کرد.

استعمار جوانان ورزشکار آسیا دانسته است. لازم به تذکر است که پیشنهاد فهدولیبعد عربستان سعودی مبنی بر حذف بازی های گروهی از رقابت های آسیایی و صرفاً برگزاری رقابت های انفرادی در این بازی ها، در نامه ای خطاب به کمیته تشکیل دهنده بازی های آسیایی هند عنوان شد و مخالفت کمیته ملی المپیک ایران با این پیشنهاد، توسط داودی سرپرست سازمان تربیت بدنی اعلام گشت.

ژیمناستیک

هفته گذشته مسابقات انتخابی ژیمناستیک جوانان کشور پس از روز رقابت ژیمناستهای جوان سراسر کشور - مان پایان یافت و نفرات شرکت کننده در رشته های مختلف که در اسفندماه جاری جهت شرکت در مسابقات جوانان آسیا به هندوستان اعزام می شوند، انتخاب شدند. در مجموع امتیازات انفرادی مجید ثقفی از قزوین با کسب ۳۸/۹۵ امتیاز به مقام اول رسید. نفرات دوم و سوم به ترتیب حسن میرقاسمی از تهران با ۳۲/۳۵ امتیاز و ناصر خضری از یزد با ۳۱/۱۱ امتیاز بودند.

دوچرخه سواری

در هفته گذشته اعلام شد که فدراسیون دوچرخه سواری کشور تصمیم دارد، گروهی از دوچرخه سواران زبده کشور را در اواخر فروردین سال آینده به مسابقات دوچرخه سواری قهرمانی آسیا که در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ فروردین ۶۱ در تایلند برگزار می شود، اعزام دارد. منوچهر روشن پور رئیس فدراسیون دوچرخه سواری در مصاحبه ای با نشریه کیهان ورزشی در این ارتباط اعلام کرد، تعدادی حدود ۲۰ تن از زبده ترین دوچرخه سواران ایران که در مسابقات قهرمانی کشور (پست جاده)، مسابقات دور شمال (بنام جمهوری اسلامی) و بالاخره مسابقات سالگرد انقلاب موفقیت هایی کسب کرده اند به اردوی تدارکاتی که از ۱۵ اسفند ماه جاری تشکیل میشود، فراخوانده می شوند و از بین آنان حداکثر ۱۰ نفر انتخاب خواهند شد و در مسابقات قهرمانی آسیا در تایلند شرکت خواهند کرد. لازم به یادآوری است که تیم دوچرخه سواری ایران در طی بیست سال گذشته

جشنواره ورزشی انقلاب در دزفول قهرمان

به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب شهر قهرمان و مقاوم دزفول نیز همیای تمامی شهرها و روستاهای کشورمان با برگزاری جشنواره ورزشی باشکوهی این ماه بزرگ را ارج نهاد. این مسابقات در رشته های فوتبال، دو صحرانوردی، دوچرخه سواری، وزنه برداری، والیبال، بسکتبال و تنیس روی میز برگزار شد. در رشته والیبال تیم پایگاه وحدتی دزفول، در بسکتبال تیم بنائی فرد و در فوتبال تیم حفاظت بیرونی به مقام اول دست یافت. در دوچرخه سواری، محمدحسین حیدری نسبتاً از میان ۵۰ دوچرخه سوار اول شد. دو صحرانوردی در مسافت ۷۰ کیلومتر و با شرکت ۱۲۰ نفر از باشگاه های دزفول تیم پرسپولیس با ۱۲ امتیاز به مقام قهرمانی رسید.

استراتژی امپریالیسم آمریکا:

بازگشت به رویارویی

ما در دورانی از مبارزات اجتماعی - تاریخی زندگی می کنیم که به احساس حداکثر مسئولیت انسانی و ایرانی نیازمند و موظفیم.

محافل امپریالیستی آمریکا می کنند که می توانند با عودت به جنگ سرد امپراطوری جهانی خود را نجات دهند و جنبشهای انقلابی و رهاشی بخش را با شکست روبرو سازند.

آنچه که اکنون در دوران مضطرب مای گذرد، عبارتست از تلاش خشن و خشمناک امپریالیسم آمریکا برای از میان بردن همه گونه آثار تشنج دائمی و بازگشت به دوران رویارویی با جنبه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم و بازی بر لبه پرتگاه جنگ. کابینه ریگان می خواهد نتایج کفرانس هلسینکی را به هیچ وجه بطلان کند، در این امید که به کمک تجدید فضای "جنگ سرد" در جهان، میتواند برای خود به چند نتیجه "عالی" برسد: ۱- حریف سوسیالیستی خود را به تشدید تسلیحات و ادا داد و از بهبود وضع اقتصادی مردم در کشورهای سوسیالیستی جلوگیری کند و نظامات آنها را به اصطلاح خود "پوک سازد" و بسوی فروپاشی خود بخودی ببرد. ۲- متحدان اروپای غربی و ژاپنی خود را، که "فضول شده اند" و در بازار جهانی باوی رقابت می ورزند و دلار را دچار وضع دشواری کرده اند، تحت عنوان "تشدید خطر شوروی"، "برتری تسلیحاتی شوروی"، "بترساند و به اغوش بر مهر آفاقی دلار (!)" بازگرداند و عهد پلاشی "جان فاستر" دالس "ورهبی آمریکا بر جهان آزاد" را تامين کند.

آنچه که اکنون در دوران مضطرب مای گذرد، عبارتست از تلاش خشن و خشمناک امپریالیسم آمریکا برای از میان بردن همه گونه آثار تشنج دائمی و بازگشت به دوران رویارویی با جنبه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم و بازی بر لبه پرتگاه جنگ. کابینه ریگان می خواهد نتایج کفرانس هلسینکی را به هیچ وجه بطلان کند، در این امید که به کمک تجدید فضای "جنگ سرد" در جهان، میتواند برای خود به چند نتیجه "عالی" برسد: ۱- حریف سوسیالیستی خود را به تشدید تسلیحات و ادا داد و از بهبود وضع اقتصادی مردم در کشورهای سوسیالیستی جلوگیری کند و نظامات آنها را به اصطلاح خود "پوک سازد" و بسوی فروپاشی خود بخودی ببرد. ۲- متحدان اروپای غربی و ژاپنی خود را، که "فضول شده اند" و در بازار جهانی باوی رقابت می ورزند و دلار را دچار وضع دشواری کرده اند، تحت عنوان "تشدید خطر شوروی"، "برتری تسلیحاتی شوروی"، "بترساند و به اغوش بر مهر آفاقی دلار (!)" بازگرداند و عهد پلاشی "جان فاستر" دالس "ورهبی آمریکا بر جهان آزاد" را تامين کند.

آمریکا کلیه وسایل، از مسخ انقلاب تا ایجاد شورش مسلح داخلی و تجزیه کشور را برای امحاء انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در دست اجرا دارد و البته هر قدر که از هدفهای تجاوزکارانه و توطئه های ضد انقلابی آمریکا علیه ایران غفلت شود و عمال مستور و دربرده آنها موفق شوند، دل سودگی ایجاد کنند، بهمان اندازه آمریکا بیشتر قادر خواهد شد کار خود را از پیش برد. همه چیز حاکی از آنست که سال ۱۳۶۱، سال پرحادثه ای خواهد بود و کشور ما باید آمادگی و گوش بزنگی فراوانی نشان دهد.

هرگونه غفلتی نابخسودنی است

اکنون این سؤال مطرح می شود: آیا استراتژی جدید کاخ سفید، امپریالیسم را از سرنوشت تاریخی اش، که شکست حتمی است، نجات خواهد داد؟ به این سؤال می توان بطور قطع پاسخ منفی داد، ولی نباید تصور کرد که این پاسخ منفی، درصحنه مشخص تاریخ جهان و کشورها، آسان تحقق می پذیرد. برای تحقق آن تلاش عظیم و پیگیری ضرور است. امپریالیسم خطرناک خود را حس کرده و مانند کفتار زخم خورده، درنده تر و مهاجم تر شده است. لذا به خطرش نباید کم بها داد. وضع یاس - آوار تاریخی نظام امپریالیستی او را در مدم ماجراجوتر می سازد. خیانت عظیم رهبران چین او را در کارش تشویق می کند. لذا بشریت به یک نبرد پر خطر فراخوانده شده است و باید این نبرد را با توأم کردن ابتکار، جسارت، قدرت صبر و شکیب، احتیاط، قاطعیت و سازش ناپذیری، تحرک نشدن، ذله نشدن و به سینه نهادن و حفظ عصاب و گوش بزنگی انقلابی انجام دهد. نبرد نبرد بسیار مشکلی است. آیا چنین نیست؟

استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی "جهان سوم" (و از آن جمله انقلاب اسلامی ایران) را خفه کند و این کشورها را دوباره به زیر چکمه دلار بازگرداند. ۴- وضع اقتصادی بحران آمیز خود را، که دچار بیگاری (تا قریب ۱۰ میلیون)، رکود، تورم دورقمی و "بحران اعتماد سیاسی - اجتماعی" است، در پرتو غارت جهان، و از آن جمله متحدان خود، بهبود بخشد و بهانه "منطقی" برای بالا بردن هزینه تسلیحاتی تا یک تریلیون و نیم دلار! پیدا کند و تنگی بازار جهانی را با گسترش بازار تسلیحاتی به حساب مالیات ده آمریکایی جبران نماید.

این حسابها در پایه استراتژی کونی دولت ریگان است، که آنرا مرکز استراتژیک "دانشگاه جورج تاون" تنظیم کرده است و در پشت سربان سیاست محافل نفت، اسلحه، صهیونیست های جهانی، "مافیا" (شرکت های قاچاق اسلحه، مواد مخدر، وسایل عیش و نوش و غیره) قرار دارند. پلیدترین، ضد انسانی ترین، فاشیست ماب ترسین، ماجراجوترین محافل سرمایه داری بزرگ پشتوانه این سیاست جانسورانه هستند. "عقاب های" جنگ طلب هیئت حاکمه آمریکا مانند ریگان، بوش (هاون) رئیس جمهور) هیگ (وزیر امور خارجه) و این برگر (وزیر دفاع)، میس (مشاور ریگان)، کیسی (رئیس سیا)، نمایندگان عمده اجراء این سیاستند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه کشورهای مستقل و غیر متعهد مخالف امپریالیسم و از آن جمله جمهوری اسلامی ایران، در مقابل این سیاست ددمنشانه امپریالیسم، سیاست صلح، خلع سلاح، تشنج دائمی، منع سلاح اتمی، از میان بردن پایگاه نظامی، حل مسائل مورد اختلاف در پس میز مذاکرات رانهاهاند. واقعیت های جهانی از موقع آمدن رنالد ریگان بر سر کار تا امروز چه نشان داد؟ گسترش "نیروی واکنش سریع"

حقوق مردم محروم که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین باز پس داده می شود امام حسینی

هرگز بیکار اجتماعی بسود حقیقت و عدالت مردمی تا این حد حساس، دقیق و پیچیده نبوده است. بقیه در صفحه ۹

بمناسبت "روز انقلاب" در جمهوری عربی سوریه (۱۷ اسفند ۱۳۴۱ - ۸ مارس ۱۹۶۳)

# سوریه

## پشتیبان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی

عبدالحلیم خدام: گسترش همکاری با اتحاد شوروی هسته اصلی سیاست خارجی سوریه را تشکیل می دهد.

عبدالحلیم خدام: امپریالیسم امریکا تلاش دارد نظر اعراب را به سوی افغانستان منحرف سازد و بدین ترتیب کشورهای عربی را وادارند تا دشمن اصلی را نادیده بگیرند.

وزیران خارجه کشورهای "جبهه پایداری" هدف تبلیغات امپریالیسم پاشیدن بذر نفاق میان اعراب و اتحاد شوروی است.

بمناسبت نخستین سالگرد امضای "پیمان دوستی و همکاری" میان اتحاد شوروی و سوریه، پیام هائی میان رهبران دو کشور مبادله شد.

لئونید برژنف در پیام خود نوشت که:

"پیمان دوستی و همکاری به عامل تقویت نیروهای میهن دوست عرب بدل گردیده است، که خواهان صلح عادلانه در خاورمیانه و مخالفت با سیاست بن‌دوست‌های جداگانه اند."

حافظ اسد در پیام خود "ضرورت اتحاد نیروهای سوسیالیستی و جنبش های آزاد بیخشی ملی را در مبارزه برای

قرارگرفت و اسلحه و مهمات زیادی در اختیار آنها گذارد. بحث ها و گفتگو های ما با (اتحاد) شوروی در یک چارچوب دوستی و اعتماد متقابل صورت می گیرد."

درباره "همکاری استراتژیک" اسرائیل و آمریکا و مقایسه آن با "پیمان دوستی و همکاری" میان سوریه و اتحاد شوروی، حافظ اسد گفت:

"پیمان ما با (اتحاد) شوروی صرفاً یک پیمان دوستی است، که مضمون آن نیز واضح است. اما آنچه ایالات متحده و اسرائیل در مورد آن به توافق رسیده اند و نام آنرا "همکاری

\* عبدالحلیم خدام: مسئله دفاع از اسلام در فلسطین، قدس و لبنان مطرح است و نه در افغانستان.

\* هنری کیسینجر: (من) استراتژی خود را در قبال حل مسئله (خپاور-میانه) بر پایه خنثی سازی روابط اعراب و (اتحاد) شوروی قرار دادم.

\* حافظ الاسد: رژیم بن‌داد حق ندارد جنگی را که علیه ایران شروع کرده، جنگ ملت عرب علیه فارسها قلمداد کند.

\* حافظ الاسد: وظیفه ماست که از انقلاب اسلامی ایران حمایت کنیم.

استراتژیک" گذارده اند، در حقیقت پیمان دشمنی و تجاوز به امت عرب است. . . دقیقاً پیمان تجاوز در مورد آن صدق می کند."

و بالاخره عبدالحلیم خدام در سفر مستان ۱۳۶۰ خود به اتحاد شوروی اظهار داشت:

"گسترش همکاری با اتحاد شوروی هسته اصلی سیاست خارجی سوریه را تشکیل می دهد."

دولت سوریه از آغاز به دام کارزار ضدافغانی امپریالیست های آمریکا و متحدان آنها، برتری جوان "پکن" و "مسلمانان آمریکائی پاکستان، عربستان سعودی و غیره نیفتاد و در این باره موضعی اصولی برگزید.

حافظ اسد، رئیس جمهوری عربی سوریه، در ملاقات خود با شاه محمد دوست، وزیر خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، در دمشق، در اواخر فروردین ۱۳۵۹، توطئه های آمریکا را علیه افغانستان بشدت محکوم کرد.

صلح و پیشرفت اجتماعی" یادآور گردید.

بهمن مناسبت عبدالحلیم خدام، در مصاحبه ای با روزنامه لبنانی "النهار"، خواستار تقویت اتحاد کشورهای عرب با اتحاد شوروی شد، "تا بدینوسیله بتوان به مقابله موثر با نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی پرداخت."

حافظ اسد در مصاحبه ای با سردبیر "رای العام"، که متن آن در "البعث" منتشر شد و ترجمه آن نیز در اول دیماه ۶۰ در "اطلاعات" به چاپ رسید، درباره مناسبات میان اتحاد شوروی و سوریه خاطر نشان ساخت:

"در مورد اتحاد شوروی باید بگویم که، این کشور در کنار ماست و از نظر تسلیحاتی حمایت خوبی میکند و گسترش روابط سوریه با اتحاد شوروی به نفع سوریه، اعراب و اتحاد شوروی است. از دیدگاه ما (اتحاد) شوروی همچنان دوست نیرومندی در کنار هم پیمانان خود خواهد ماند و همانگونه که تجربه جنگ اکتبر ثابت کرد و دیدیم که در جنگ مزبور در کنار سوریه و مصر

### احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی

"حزب کمونیست سوریه" ("الحزب الشيوعي السوري") در سال ۱۹۲۴ پایه گذاشته شد. این حزب به عنوان بخشی از جنبش جهانی کمونیستی فعالانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و در راه پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم می رزمند. "حزب کمونیست سوریه" در دولت و "جبهه مترقی ملی" همکاری سازنده دارد و در راه پیشبرد پیگیر

اهداف مترقی جمهوری عربی سوریه کوشش می ورزد. دبیرکل کمیته مرکزی "حزب کمونیست سوریه" خالد بکتاش است.

پنجمین کنگره "حزب کمونیست سوریه"، که در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) در دمشق برگزار گشت، همه احزاب "جبهه مترقی ملی" را فراخواند، تا نقش "جبهه" را تقویت بخشد و از هر چه بیشتر برای بسیج خلق سوریه در مبارزه علیه امپریالیسم و سرسپردگان آن در خاورمیانه استفاده جویند.

کمونیست های سوریه معتقدند که باید بخش دولتی را در اقتصاد ملی گسترش بخشید، اصلاحات ارضی را بگیرانده جامعه عمل پوشاند و از نفوذ کلان زمینداران در روستا کاست.

نمایندگان کنگره پنجم "حزب کمونیست سوریه" برای مبارزه در راه دگرگون سازی بنیادی و فعالیت سازمانهای توده ای اهمیت فراوان قائل شدند و نتایج هفتمین کنگره منطقه ای "حزب سوسیالیستی عربی بعث" را مثبت ارزیابی کردند.

"حزب سوسیالیستی عربی بعث" ("حزب البعث العربي الاشتراکی")، این حزب در سال ۱۹۴۷ بعنوان "حزب نوزایش عربی" تاسیس شد، در سال ۱۹۵۰ با "حزب سوسیالیستی عربی" به وحدت رسید و به "حزب سوسیالیستی عربی بعث" تغییر نام یافت. حزب نامبرده در سال ۱۹۶۳ به قدرت رسید.

پس از ستیزه ای سخت میان نیروهای چپ و راست، سرانجام جناح چپ در سال ۱۹۶۶ پیروز شد. بیش از یازده سال است (از سال ۱۹۷۰) که "حزب بعث" در "جبهه مترقی ملی" با دیگر نیروهای مترقی در ائتلاف است. حافظ اسد دبیرکل این حزب است.

در مصوبات سیزدهمین کنگره ملی "حزب سوسیالیستی عربی بعث" (تابستان ۱۳۵۹ / ژوئیه ۱۹۸۰) وظائف این حزب در دوران کنونی چنین تعیین شده است:

۱- ادامه مقابله قاطعانه با باند های "انحوائی المسلمین" و نابودی این سازمان ارتجاعی و جاسوسی، که از بقیه در صفحه ۹

### قسمت آخر ایران

یادآوری می شود که هفتمین کسینجر در سخنرانی که در سال ۱۹۷۵ در برابر گروهی از رهبران صهیونیست آمریکا ایراد کرد و متن آن چند ماه پیش از جمله در روزنامه های ایران به چاپ رسید، گفته بود:

"(من) استراتژی خود را در قبال حل مسئله (خاورمیانه) بر پایه خنثی-

سازی روابط اعراب و (اتحاد) شوروی قرار دادم، چه در صورت تیره شدن روابط اعراب و (اتحاد) شوروی (می) بود، که می توانستم بسوی صلح (البته از نوع "کمپ دیوید" - اتحاد مردم) در خاورمیانه گام برداریم."

جستجو برای یافتن راه حل مسئله خاور نزدیک رکن اصلی سیاست خارجی سوریه است. همخوان با قطعنامه های سازمان ملل متحد، سوریه معتقد است که، راه حل عادلانه و پایداری این مسئله را باید تنها در خروج اسرائیل از همه مناطق که این کشور در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به تصرف خود در آورد و تضمین حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق تشکیل کشوری مستقل، جستجو کرد.

جمهوری عربی سوریه سیاست "راه حل" جداگانه امپریالیسم را مردود می شمرد و پیگیرانه در راه پاسداری از حقوق و منافع خلق های عرب گام برمی دارد.

چند روز بعد، عبدالحلیم خدام، وزیر خارجه سوریه، در مصاحبه ای با روزنامه الجزایری "المجاهد" گفت:

"امپریالیسم آمریکا تلاش دارد نظر اعراب را بسوی افغانستان منحرف سازد و بدین ترتیب کشورهای عربی را وادارند تا دشمن اصلی را نادیده بگیرند."

وزیران خارجه سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، الجزایر و لیبی و نمایندگان "سازمان آزاد بیخشی فلسطین" در اوج کارزار ضدافغانی و ضد اسرائیلی ایالات متحده آمریکا، چین، پاکستان و کشورهای ارتجاعی عرب در به اصطلاح دفاع از "اسلام" و "مسلمانان" در افغانستان و ایران، در بیانیه ای مشترک اظهار داشتند:

"هدف از جنجالی که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی ایالات متحده آمریکا، درباره رویسداد های افغانستان بجا کرده است و رژیم های اسرائیل و مصر نیز به آن پیوسته اند، منحرف ساختن خلق های عرب و مسلمانان از پیکار علیه خطر اصلی، یعنی اشغالگری صهیونیستی، اخلاص در همبستگی اعراب و مسلمانان، رهائی تیانسی "کمپ دیوید" از بن بست و پاشیدن بذر نفاق میان اعراب و دوستان آنها، بویژه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است."

عبدالحلیم خدام، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه سوریه، در مصاحبه ای با روزنامه "السفير" گفت:

"مسئله دفاع از اسلام در فلسطین، قدس و لبنان مطرح است، که در آنها جنگ افزارها و هواپیماهای ایالات متحده آمریکا مسلمانان را به لاکت می رسانند، و نه در افغانستان. ایالات متحده می خواهد بخاطر پیشبرد استراتژی جهان شمول خود علیه اتحاد شوروی از کشورهای اسلامی بهره جوید. چنانکه در انقلاب ایران دیدیم، محافل امپریالیستی از یکسو کارزار گوشخراشی برای دفاع از اسلام برآمده اند و از سوی دیگر به سرکوب مردم مسلمان دست می یازند."

برای درک بهتر واقعیات بالا،

### مهمترین رویدادهای تاریخ سوریه

- ۶۴ تا ۳۹۵ قبل از میلاد - سوریه بخشی از امپراتوری روم است.
- ۱۹۱۶ تا ۱۵۱۶ - زیر سیادت ترکها.
- ۱۸۴۰ تا ۱۸۳۱ - بخشی از سوریه زیر فرمانروائی مصر است.
- ۱۸۶۰/۶۱ - مداخله نظامی فرانسه در بیروت؛ آغاز تبدیل سوریه به نیمه مستعمره فرانسه.
- ۱۹۱۶ - قرارداد "سایکس - پیکو" میان بریتانیا و فرانسه سوریه را مستعمره فرانسه می سازد.
- ۱۹۲۰ - "جامعه ملل" سوریه را به قیمومت فرانسه می سپرد.
- ۱۹۲۴ - وحدت محفل های کمونیستی و تاسیس "حزب کمونیست سوریه".
- ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۵ - جنگ بزرگ آزادی بخش خلق سوریه.
- ۱۹۴۰ - سیادت رژیم وابسته به فاشیسم "ویشی" (فرانسه) بر سوریه، تاسیس "حزب بعث" (تاسیس رسمی: ۱۹۴۷).
- ۱۹۴۱ - مبارزات مردم علیه رژیم وابسته به فاشیسم، اعلام صوری استقلال.
- ۱۹۴۴ - فرانسه از قیمومت خود دست برمی دارد و حاکمیت را به دولت سوریه بازمی گرداند.
- ۱۹۴۵ - سوریه به آلمان فاشیستی اعلان جنگ می دهد؛ این کشب سور به عضویت "سازمان ملل متحد" و "جامعه عرب" در می آید.
- ۱۹۴۶ (۱۷ آوریل) - خروج نیروهای فرانسه، "روز استقلال".
- ۱۹۴۸/۴۹ - شرکت در جنگ اعراب - اسرائیل.
- ۱۹۵۵ - خودداری از پیوستن به "پیمان بغداد" و شرکت در کنفرانس غیر متعهدها در باندونگ.
- ۱۹۵۷/۵۸ - ایالات متحده آمریکا و "ناتو" سوریه را تهدید به تجاوز می کنند.

- ۱۹۵۸ - وحدت سوریه و مصر در "جمهوری متحد عرب".
- ۱۹۶۱ - کناره گیری سوریه از "جمهوری متحد عرب".
- ۱۹۶۳ (۸ مارس) - "حزب بعث" قدرت را بدست می گیرد ("روز انقلاب").
- ۱۹۶۶ - اخراج راستگرایان از "حزب بعث"، اعلام سمتگیری سوسیالیستی، امضای پروتکل میان سوریه و اتحاد شوروی درباره احداث سد فرات.
- ۱۹۶۵ (۵ ژوئن) - تجاوز اسرائیل، اشغال "بلندیهای جولان" و بخش هایی از استانهای و قنیتره.
- ۱۹۷۰ (نوامبر) - احراز حکومت از سوی حافظ الاسد و انتخاب او به ریاست دولت و "حزب بعث" ("جنبش اصلاح").
- ۱۹۷۱ - تشکیل "شورای عالی خلق" (۱۶ فوریه) و انتخاب حافظ الاسد به ریاست جمهوری.
- ۱۹۷۳ (۱۲ مارس) - تصویب قانون اساسی جدید.
- ۱۹۷۴ (۳۱ مه) - قرارداد خروج نیروها از جبهه اسرائیل - سوریه.
- ۱۹۷۷ - سوریه و برخی دیگر از کشورها "جبهه پایداری" را پایه می گذارند.
- ۱۹۷۸ (۸ فوریه) - انتخاب دوباره حافظ الاسد به ریاست جمهوری.
- ۱۹۸۰ (۸ اکتبر) - امضای "پیمان دوستی و همکاری" میان سوریه و اتحاد شوروی.
- ۱۹۸۱ (۲۹ نوامبر) - بمب گذاری "انحوائی المسلمین" در دمشق دست کم ۱۵۰ کشته و ۲۰۰ زخمی بجای می گذارد.
- ۱۹۸۱ (۱۴ دسامبر) - الحاق "بلندیهای جولان" از سوی اسرائیل به خاک خود.



سوریه ...

بقیه از صفحه ۸

پشتیبانی امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم های مرتجع عرب برخوردار می گردد.

۲- ژرفش دگرگون سازیهای سوسیالیستی در جمهوری عربی سوریه در راستای تقویت بخش سوسیالیستی، براندازی مناسبات استثمار گرانه تحکیم و گسترش تغییرات مترقی در همه زمینه ها.

۳- توسعه دموکراسی مردمی، تحکیم همبستگی با مردم و سازمانهای خلقی، تقویت و گسترش جنبه مترقی ملی و افزایش کارایی آن در جهت وحدت ملی کشور و شرکت دادن هر چه بیشتر توده مردم در همه گستره های زندگی اجتماعی.

دیگر احزاب سوریه عبارتند از: "اتحادیه سوسیالیستی عرب" ("الاتحاد الاشتراکی العربی")، "سوسیالیستهای وحدت خواه" ("الوحدویون الا- شتراکیون") و "جنبش سوسیالیستهای عرب" ("حرکه الاشتراکین العرب"). پنج حزب نامبرده "فدراسیون عمومی سندیکاهای کارگری جمهوری عربی سوریه در جنبه مترقی ملی" ("الجنبه الوطنیه تقدمیه")، برهبری حافظ الاسد، شرکت دارند.

بموجب منشور و آئین نامه "جنبه مترقی ملی"، مهم ترین وظایف این سازمان عبارتست از: تحکیم و گسترش پایگاه توده ای، اجتماعی و سیاسی حکومت؛ بررسی مسائل مربوط به صلح و جنگ؛ بحث درباره فعالیت های مشخص دولت، بویژه در زمینه های سیاسی و اقتصادی.

بدینسان، "جنبه مترقی ملی" از یکسو، ائتلافی است از سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی و از سوی دیگر، بخشی از قدرت حکومتی. در آخرین انتخابات "شورای خلق" سوریه، "جنبه مترقی ملی" لیستی از ۱۹۵ نامزد مشترک خود را به مردم معرفی کرد، که ۱۴۴ تن آنها انتخاب شدند.

"فدراسیون عمومی سندیکاهای کارگری جمهوری عربی سوریه" (Fédérat-ion Générale Des Sincats Des Travailleurs De La R. A. S.) ۱۵ هزار عضو دارد برمی گیرد و عضو "فدراسیون سندیکاهای جهانی" و "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری عرب" است. دیگر سازمان های اجتماعی سوریه عبارتست از: اتحادیه دهقانان، "اتحادیه جوانان انقلاب سوریه" و "اتحادیه زنان".

نمونه هایی

از همبستگی دولت، خلق

و سازمانهای سوریه

با انقلاب اسلامی ایران

سوریه نخستین کشور عربی بود که تجاوز دار و دسته صدام راه جمهوری اسلامی ایران علنا محکوم ساخت.

روزنامه "البعث" نوشت: "هدف این جنگ بسیار روشن است: منحرف ساختن انظار از مبارزه اصلی با اسرائیل و دادن بهانه به ایالات

استراتژی ...

بقیه از صفحه ۷

هرگز در تاریخ قاطعیت و سرنوشت ساز بودن نبرد، تا به این حد نرسیده بود. هرگز!

لذا اگر نیروهای ضد امپریالیستی بتوانند در عمل مشخص این همه مختصات گاه متضاد (مثلا قاطعیت و احتیاط) را ترکیب کنند، موج ظلمانی هجوم سیاه "کاخ سفید" درهم خواهد شکست، زیرا مبارزه مردم علیه امپریالیسم عدالت محض است.

متحد و نیروهای صهیونیستی برای مداخله در منطقه خلیج فارس، در عین برخورداری از پشتیبانی رژیم های ارتجاعی عرب، حافظ الاسد، رئیس جمهوری عربی سوریه، در سخنرانی در مراسم جشن فاغ التحصیلی گروهی از چتربانان سوریه در پاییز ۱۳۵۹ گفت (به نقل از مطبوعات ایران):

"آنچه در حال حاضر در مرزهای عراق و ایران جریان دارد، خود یکی از توطئه های است که به هیچ وجه به نفع آرمان ملت عرب نیست، زیرا یکطرف این جنگ ایران است - کشوری که در آن انقلاب اسلامی بوقوع پیوسته و از هر نظر خود را از مسائل ضد انسانی و ضد بشری و بالاخره ضد عربی بدور ساخته است.

در ایران پیش از انقلاب رژیم حکمفرما بود که دشمنان اعراب و همکار اسرائیل بود و پایگاهی نظامی و سیاسی بسیار خطرناک در این منطقه استراتژی یکسوی بود، که با جدیت و کوشش بسیار در جهت احرای توطئه های امپریالیستی کار می کرد. ولی اکنون بجای چنین رژیمی، انقلابی اسلامی و تحت شعار اسلام در ایران، به وقوع پیوسته، که توانسته است کلیه امور سیاسی و نظامی و استراتژی را در منطقه از اساس واژگون سازد. آری انقلابی اسلامی در ایران روی کار آمده، که تمام روابط خارجی خود را با امپریالیست ها قطع کرد و پایگاه های نظامی بیگانگان را در این کشور از میان برداشت و تمام روابط ایران زمان شاه را با رژیم اسرائیل از بین برد و راه سرفرازی را از هر جهت در پیش گرفت، سیاست روشن این انقلاب را در مورد قدس اعلام داشت و مسئله فلسطین و ملت فلسطین را در دل انقلابی پر تپش خویش جای داد و شعار آزادی کامل شهر بیت المقدس و فلسطین را برافراشت و از دادن هر نوع کمک سیاسی و معنوی و مادی در این زمینه دریغ نکرد.

رئیس جمهور سوریه خاطر نشان ساخت: "... حتی دشمنان ملت عرب و ملل تحت ستم دنیا و حتی خود رژیم اسرائیل بارها و بارها از انقلاب اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده اند. رژیم اسرائیل آنچنان از انقلاب اسلامی ایران بوحشت افتاده که بارها از بارش، یعنی آمریکا، گلگ کرده، چرانی تواند جلوگیری و تاثیر انقلاب اسلامی ایران را، که منجر به پیروزی فلسطین می شود، بگیرد.

حافظ الاسد آنگاه مسئله جنگ تحمیلی عراق بر ایران را مورد بررسی قرار داد و گفت: "رژیم بغداد حق ندارد جنگی را که علیه ایران شروع کرده، جنگ ملت عرب علیه فارس ها قلمداد کند، زیرا این جنگ، که بر پایه هیچ معیار و اصول انسانی و بین المللی تکیه ندارد، جنگ ملت عرب نیست، بلکه توطئه و دغل بازی رژیم بغداد علیه همه اعراب است چنانکه علیه ملت ایران است."

رئیس جمهور سوریه تاکید کرد: "باتوجه به حقایقی که بازگو کردم و نیز باتوجه به حقیقت های دیگری که نمایانگر تدارک، توطئه های در پشت پرده ای علیه آرمان ملت و امت اسلامی منطقه است، بعنوان یک وظیفه وجدانی و انسانی و اسلامی و عربی و انقلابی، بار دیگر تاکید می کنم که، باید در پشت انقلاب اسلامی ایران باشیم و از آن حمایت کنیم، زیرا که حمایت و پشتیبانی از این انقلاب در حقیقت حمایت از تمام آرمانها و مقدرات ملی و مذهبی اعراب است و دشمنی با انقلاب اسلامی

کشور ما در این نبرد تنهائست و نباید بگذارد که تنها بماند. باید دوستان را جست و یافت و بازو در بازوی آنها، در این نبرد ماورا بغرنج و ماورا مناقض شرکت جست. باید به روش "دوست آزاری" خاتمه داد.

"تفاله های آمریکا" درست در این جهت عمل می کنند که ایران آن کاری را که باید بکنند، نکنند و آن کاری را که نباید بکنند، بکنند.

اگر ایران در این نبرد عظیم علیه امپریالیسم بسرگردی آمریکا، خطا برود اگر انقلاب ایران مسخ شود یا شکست بخورد، رنگان بود عظیمی کرده است. آنچه که می تواند ما به آرامش خاطر

ایران، دشمنی با ملت عرب، ملت فلسطین و بیت المقدس و خصوصت و عداوت با تمام مبارزات ملل مبارز و زیر فشار استعمار و امپریالیسم جهانی است."

حافظ الاسد در پایان گفت: "لازم می دانم از سران رژیم بغداد سؤال کنم: چرا حکام کنونی بغداد، که خود اسناد و مدارک مربوط به قراردادهای سال ۱۹۷۵ الجزایر را امضا کردند، تا زمانیکه رژیم سرسپرده شاه خائن به آرمان اعراب در ایران بر سر کار بود، کوچکترین ادعائی نداشتند و حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک باره تمام حقوق شان پایمال شده است؟ و اگر هم اختلافی بود چرا بطور محرمانه و خصوصی و حتی من باب دوستی با هیچ یک از برادران عرب مطرح نکردند تا این اختلافات از راه مذاکره و وساطت حل شود؟ که البته پاسخ به این چرراها را همه ملت سوریه امت اسلامی و ملت عراق و ملل مبارز جهان می دانند و به همین جهات است که سوریه وظیفه خود میداند از انقلاب اسلامی ایران حمایت کند."

حافظ الاسد در مصاحبه ای دیگر با "سردبیر" رای العام، که متن آن در "البعث" منتشر شد و ترجمه آن نیز در اول دیماه ۶۰ در "اطلاعات" چاپ رسید، دوباره درباره جنگ تجاوزکارانه رژیم عراق علیه ایران اظهار نظر کرد و گفت: "این جنگ ارتش عربی را در عراق از دست ما گرفت و نیروی عظیم انقلاب ایران را ضعیف کرد - انقلابی که از لحظه نخست اعلام کرد، مسئله "قدس" مسئله اوست و در نتیجه با همه امکانات خود در کنار اعراب برای آزادی "قدس" خواهد ایستاد."

یوسف فیصل، معاون دبیر کل "حزب کمونیست سوریه"، در سخنرانی خود در "کنفرانس علمی بین المللی" پائیز ۱۳۵۹ (اکتبر ۱۹۸۰) برلین گفت: "روشن است که ایالات متحده آمریکا را در پس جنگی باید جست که رژیم عراق علیه انقلاب ایران برافروخت و هدف آن مقابله با راستای ضد امپریالیستی و شکست انقلاب ایران است. انگیزه جنگ نامبرده این بود که حضور نظامی امپریالیسم آمریکا (در منطقه) گسترش یابد و وحدت و همبستگی اعراب نابود گردد. هدف همچنین آنست که انظار از خطر اصلی، یعنی تلاش سلطه جویانه ایالات متحده آمریکا و خودداری اسرائیل از ترک مناطق اشغالی عرب، منحرف شود. و سرانجام منظور نابودی توان خلق های دو کشور است."

چند روز پس از آغاز جنگ تحمیلی دارو دسته صدام حسین علیه ایران، فاروق شرعیه، وزیر مشاور در امور خارجی سوریه، گفت: "نباید گذاشت که انقلاب دوباره بدست افرادی بی قید، که به آرمان اعراب و مسلمانان لطمه زدند، بیفتد. ایران پس از سقوط شاه دوشادوش اعراب و خلقهای مسلمان علیه دشمن صهیونیست و نیروهای امپریالیستی مبارزه کرده است."

در اعلامیه نهائی، که بمناسبت امضای پیمان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و جمهوری عربی سوریه، یعنی چند روز پس از آغاز جنگ عراق علیه ایران منتشر شد، آمده است: "دولت های اتحاد شوروی و جمهوری عربی سوریه برای نقش تاریخی انقلاب شکوهمند ایران، که رژیم "شاهنشاهی" را سرنگون ساخت و مطالب امپریالیسم را در کشور از میان برداشت، ارزش بسزائی قائل هستند."

شود، یکی در ایت سیاسی و قاطعیت امام خمینی در نبرد با آمریکا (امپریالیسم بسرگردی آمریکا) و دیگری علاقه توده های زحمتکش به انقلاب و اعتماد آنها به رهبری امام خمینی. و الا چیزهای نگرانی آور هیچ وجه کم نیست.

بهر صورت، ما به آینده جهان و ضمن آن، به آینده ایران خوشبینیم، ولی وظیفه داریم که با هشجاری حوادث را دنبال کنیم و با تمام ایثار و نبرد بسود جنبه ضد امپریالیسم شرکت جوئیم. دهه هشتاد قرن بیستم میلادی، یک دهه سرنوشتی در مقیاس تاریخ جهانی است.

شود، یکی در ایت سیاسی و قاطعیت امام خمینی در نبرد با آمریکا (امپریالیسم بسرگردی آمریکا) و دیگری علاقه توده های زحمتکش به انقلاب و اعتماد آنها به رهبری امام خمینی. و الا چیزهای نگرانی آور هیچ وجه کم نیست.

بهر صورت، ما به آینده جهان و ضمن آن، به آینده ایران خوشبینیم، ولی وظیفه داریم که با هشجاری حوادث را دنبال کنیم و با تمام ایثار و نبرد بسود جنبه ضد امپریالیسم شرکت جوئیم. دهه هشتاد قرن بیستم میلادی، یک دهه سرنوشتی در مقیاس تاریخ جهانی است.

اخوان المسلمین

ابزار دست امپریالیسم آمریکا، عراق واردن

نامه ای که در زیر می خوانید از سفارت جمهوری عربی سوریه به "اتحاد مردم" رسیده است که متن کامل آن را چاپ می کنیم:

از: سفارت جمهوری عربی سوریه در تهران به: مطبوعات: اطلاعات کیهان جمهوری اسلامی آزادگان اتحاد مردم

بسم الله الرحمن الرحیم با ایمان به خدا و قدرت همبستگی ملت و رهبریت، سوریه قادر است توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم را در هم شکند.

برادران انقلابی مسلمان در جمهوری اسلامی ایران... ای کسانی که تمام توطئه های آمریکا و صهیونیسم را خنثی ساخته و بزرگترین امپراتوری طاغوتی در جهان را برانداخته و آزادی ملت خود را با خون خود به دست آورده و حکومت خدا را در سر زمین ایران برقرار نموده اید.

صهیونیسم بر علیه انقلاب عظیم شما در داخل و خارج از سرزرها تا زمانیکه انقلاب شما دنبال روی خط فعلیش می باشد ادامه خواهد داشت، و جنگ تحمیلی عراق بر علیه انقلاب بزرگتان چیزی جز توطئه ای که حکام بغداد آنرا بدستور آمریکا اجرا می کنند نیست و پیوستن اردن به این جنگ نیز بدستور آمریکا و پس از ناکامی رژیم بغداد در تحقق ساختن رویاهای آمریکا صورت گرفت است.

برادران عزیزمان در انقلاب اسلامی ایران توطئه ها بر علیه شما بخصوص پس از تصمیمتان مبنی بر ادامه جنگ در کنار برادران عرب تا آزادی کامل سرزمین فلسطین شدت یافته و توطئه هایی که امروز بر علیه ایران صورت می گیرند همانند توطئه ها هستند که این روزها بر علیه سوریه انجام می گیرد.

این توطئه ها بدلیل روشن بودن مواضع سوریه برای جهانیان طی سالهای متمادی و رویارویی آن با دسیسه های امپریالیسم و صهیونیسم و دست نشانگان نشان در منطقه و قرار گرفتن در خط مقدم جبهه نبرد بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم انجام می گیرد.

و آمریکا از روزیکه سادات خائن به منظور تحقق توطئه کمپ دیوید به فلسطین اشغالی رفت تمام سعی و کوشش خود را مبدول توطئه بر علیه سوریه نموده است، زیرا سوریه در مقابل این توطئه که هدف آن از بین بردن مساله اصلی مان که همانا آزادی فلسطین عزیز است ایستاد و آمریکا در پاسخ به این موضع محکم و با اتکاء بقدرت همکاری دست نشانگانش سوای خاموش کردن سوریه را دارد، بنابراین دخالت های آشکاری که در امور داخلی سوریه می نماید و با کمک به اصطلاح حزب اخوان المسلمین اقدام به قتل و خرابکاری علیه ملتتان نمود و تاکنون صدها تن از علما و پزشکان و روشنفکران و بیگانهان از زن و کودک کشته و برخی از تاسیسات اقتصادی را منهدم نموده است.

توطئه کنونی که بر علیه سوریه با کمک دو رژیم وابسته یعنی اردن و عراق، صورت می گیرد به منتهی درجه خود رسیده و این دو رژیم اخیرا اقدام به آموزش و دادن اسلحه به عوامل حناپتکار اخوان المسلمین نموده و آنها را جهت خرابکاری به سوریه گسیل می دارد.

این توطئه درست در زمانی انجام می گیرد که سوریه موفق به احراز یک پیروزی سیاسی در سازمان ملل متحد

شود، یکی در ایت سیاسی و قاطعیت امام خمینی در نبرد با آمریکا (امپریالیسم بسرگردی آمریکا) و دیگری علاقه توده های زحمتکش به انقلاب و اعتماد آنها به رهبری امام خمینی. و الا چیزهای نگرانی آور هیچ وجه کم نیست.

شود توانست نیروهای خود و نیروهای عربی و اسلامی را جهت مقابله با اسرائیل پس از الحاق حولان بسیج نماید.

ای برادران ما در انقلاب اسلامی ارتباط اخوان المسلمین با آمریکا و رژیمهای مرتجع و وابسته آشکار گشته است.

اخوان المسلمین در عراق در کنار رژیم پلید بغداد ایستادند و رهبر آنان در عراق و عبدالکریم زبیدان نام دارد وی مستشار مخصوص صدام حسین می باشد، همچنین با سهم التکریتی، نماینده اخوان المسلمین عراق در اتحادیه بین المللی اخوان المسلمین که از کمکهای مالی رژیم عراق برخوردار است، می باشد.

اخوان المسلمین در اردن با رژیم همگام هستند و حسن برادر شاه حسین ریاست سازمان آنها را برعهده دارد و شخصاً در آموزش اخوان المسلمین جهت خرابکاری در سوریه نظارت دارد.

اخوان المسلمین در مصر، عمر تلمسانی، رئیس اخوان المسلمین مصر می باشد که چند هفته پیش بدستور رئیس رژیم حسنی مبارک انقلاب اسلامی ایران را مورد حمله قرار داد و در عین حال مجله (الدعوه) ارگان این سازمان مدتیه است که به تیز حمله های خود را متوجه سوریه نموده است.

همکاری بیش از پیش امپریالیسم آمریکا و ارتجاع عرب با اخوان المسلمین که هر روز شاهد توطئه های مشترک آنان هستیم این سئوالات را برمی انگیزد که: برادران عزیز چه کسی از تضعیف سوریه که در مقابل اسرائیل و آمریکا ایستاده است سود میبرد؟ طبیعی است آنها دشمنان سوریه و اسلامند و آیا کشتن بیگانهان در خیابان های شهر - های بزرگ سوریه کار نیست مشروع در شرع مبین اسلام؟ و آیا دو رژیم معلوم الحال عراق و اردن نماینده اسلامند و به اسلام نزدیکند تا از یک سازمان به اصطلاح اسلامی بعنوان عامل اجرایی استفاده نمایند؟

این سئوالات که اذهان را بخود مشغول داشته و اوقعیات تلخی حکایت مینماید که در رأس آنها ابزار بودن اخوان المسلمین در دست امپریالیسم آمریکا و عراق واردن است.

تاکنون نشنیده ایم که اخوان المسلمین اقدامی بر علیه رژیم عراق انجام داده اند، به همین دلیل اخوان المسلمین را باید به دور از اسلام دانست - آنها تاکنون به هیچ گونه اقدامی بر علیه صهیونیسم یا بر علیه آمریکا و رژیم های وابسته به آمریکا مبادرت ننموده اند.

امپریالیسم آمریکا می کوشد با مهره های خود سوریه را تضعیف و آنرا از مسئله فلسطین و رویارویی با رژیم اشغالگر فلسطین که دشمن اصلی مسلمین است دور سازد.

برادران عزیز! ما در سوریه با قدرت ایمان به خدا و به حقوق حقه خود و همبستگی ملت و رهبریت توانائی در هم شکستن تمام توطئه ها را هر چه باشد داریم و از تهدیدات هم ترسی نداریم و با اتکال به نیروی لایزال الهی مقاومت خود را در برابر امپریالیسم و صهیونیسم هم - چنان تا آخرین قطره از خون ملتمان به پایداری خود ادامه خواهیم داد و دوشادوش برادران انقلابی مسلمان ایران تا آزادی کامل سرزمین فلسطین با صهیونیسم خواهیم جنگید و در کنار مظلومین دنیا خواهیم ایستاد...

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱۴)

جنگ‌های تجاوزکارانه اسرائیل

علیه خلق‌های عرب

در ۱۳۲۷ (۱۹۴۸)، ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) و ۱۳۴۶ (۱۹۶۷)



خاور میانه برای امپریالیسم سرکردگی آمریکا همواره از اهمیت استراتژیک سیاسی، اقتصادی و نظامی برخوردار بوده و هست. فلسطین در این منطقه و از این جهت دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و هست. در این باره خود این محافل چنین اعتراف می‌کنند:

"این منطقه بدلیل مجاورت بسیار نزدیک خویش، با اتحاد شوروی، مناسب‌ترین موضع استقرار نیروهای نظامی و ضربت زدن به این کشور به شمار می‌آید. به این دلیل فلسطین برای ایالات متحده مهم‌ترین نقطه استراتژیک جهان محسوب می‌گردد" (فرانک مانوتل)

از جنگ دوم جهانی به بعد، این اهمیت، بویژه برای امپریالیسم آمریکا - سرکرده جهان سرمایه‌داری امپریالیستی - باز هم افزایش یافت. امپریالیسم آمریکا تنها در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) میزان سرمایه‌گذاری خود را در فلسطین چهار بار افزایش داد. در واقع پیش از پایان یافتن سرپرستی بریتانیا، ۶۰٪ هزینه‌های گوناگون این منطقه توسط دلارهای آمریکایی پرداخت می‌شد. در اواخر سال ۱۳۲۵ و اوایل سال ۱۳۲۶ (نیمه نخست سال ۱۹۴۷) ایالات متحده آمریکا بیکار به بزرگترین واردکننده کالا به بازار همه کشورهای منطقه، به ویژه عراق، لبنان و فلسطین تبدیل گردید.

بدینسان روشن بود که تقسیم فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل و سپس تشویق و پشتیبانی از دولت صهیونیستی اسرائیل برای از بین بردن دولت عربی فلسطین و تبدیل اسرائیل به پایگاه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی، دقیقاً طبق نقشه، برای نیل به اهداف استراتژیک، سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی سرکردگی آمریکا، در این منطقه فوق العاده مهم و فوق العاده حساس انجام می‌گرفت.

روز ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ (۱۵ مه ۱۹۴۸)، روز پایان یافتن سرپرستی بریتانیا، هفت کشور عرب: مصر، اردن، عراق، سوریه، لبنان، عربستان سعودی و یمن، با تسبیح نیروی به تعداد ۲۱۵۰۰ تن، که به طور عمده جنگ افزارها و آتشبارهای سنگین در اختیار داشتند، با دولت نوپیمان توسعه طلب و جنگ افروز اسرائیل واردتیرنیرومند ۵۶ هزار نفری آن، که تا این دندان مسلح بود، درگیر پییکار شدند. این جنگ شوم بدست امپریالیستهای بریتانیا و آمریکا طراحی و برانگیخته شد. آنها از این راه خونین می‌خواستند از اجرای قطعنامه ۸ آذرماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد جلوگیری بعمل آورند.

در این جنگ تجاوزکارانه توسعه طلبانه که از پیش با دقت برنامه ریزی شده بود، اسرائیل بر بخش بزرگی از سرزمین‌هایی که بر پایه طرح سازمان ملل متحد می‌باید در آنها دولت عربی فلسطین برپا گردد، دست یافت، از آن جمله حلیله باختری و بخش نوسال بیت المقدس به وسعت ۶۶۰۰ کیلومتر مربع. اردن هم قسمت خاوری فلسطین و بخش قدیمی بیت المقدس را به وسعت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع، و مصر نیز خطه کوچکی از غزه به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربع را به اشغال خود درآوردند. در نتیجه اسرائیل بر چهار پنجم خاک فلسطین چنگ افکند و وسعت سرزمین خود را به ۲۰۷۰۰ کیلومتر مربع رساند، و باز کوچ و آوارگی فلسطینی‌ها میوه تلخ آن شد: بر پایه برآوردهائی، ۴۰۰ هزار فلسطینی پیش از ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ (۱۵ مه ۱۹۴۸) و ۵۰۰ هزار تن نیز بعد از جنگ ۲۸-۱۳۲۷ (۲۹-۱۹۴۸) از تیغ ترور صهیونیستی گریختند.

شورای امنیت در اول خرداد و ۸ خرداد ماه ۱۳۲۷ (۲۲ و ۲۹ ماه مه ۱۹۴۸) اعلام آتش بس کرد. این آتش بس در ۲۱ خرداد ماه (۱۱ ماه ژوئن) اجرا گردید. آتش بس فقط چهار هفته به درازا کشید و پس از آن دگر بار آتش جنگ شعله ور شد. این جنگ در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۷ (۱۹ ژوئیه ۱۹۴۸) بدستور شورای امنیت پایان یافت و منطقه کمی رنگ آرامش بخود دید.

بر مردم فلسطین تحمیل کند. در ۶ مرداد ماه ۱۳۲۷ (۲۸ ژوئیه ۱۹۴۸) گزارش کار و برنامه "برنادوت" در قاهره، تل آویو و جزیره رودس انتشار یافت. "برنادوت" پیشنهاد کرد که اردن خاوری و اسرائیل بایکدیگر پیمان اتحاد ببندند و از این راه دو کشور متحد پدید آورند، یک سازمان سیاسی مشترک، نیازهای اقتصادی هر دو را برآورده سازد، کارهای اقتصادی هر دو را پیشرفت دو کشور را انجام دهد و سیاست خارجی و عملیات نظامی شان را هماهنگ کند.

"طرح برنادوت" دگرگونی‌های گسترده‌ای را در منطقه پدید می‌آورد. بر پایه این طرح منطقه نخبه و بیت المقدس در بخش غربی به اردن می‌پیوست، در حالیکه "برنادوت" خود بر این نکته آگاه بود که برابر "قطعنامه تقسیم" سازمان ملل متحد، بیت المقدس می‌باید بر بنیان نظام ویژه‌ای اداره شود. وی همچنین با گشاده دستی و پافشاری خواستار شد که سرزمین "حلیله باختری" به دولت اسرائیل واگذار گردد، در نظام فرمانروائی شهر "یافا" تحدید نظر به عمل آید، بندری آزاد و فراگیرند، بخش پالایشگاه‌های نفت و ایستگاه‌های راه آهن، در کنار "حیفا" بنیان گذارند و فرودگاهی در شهر "لود" ساخته شود. "طرح برنادوت" آشکارا با قطعنامه ۸ آذر ماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد ناهمساز بود، از این رو نمایندگان اتحاد شوروی و برخی کشورهای دیگر انتقاد سختی از آن بعمل آوردند. گذشته از آن اعراب و یهودیان، هیچیک "طرح برنادوت" را نپذیرفتند.

در اوایل سال ۱۳۲۸ (اواخر ۱۹۴۹) بدنبال زمینه چینی خیانت آمیزی که میان سردمداران اسرائیل و ملک عبدالله پادشاه دست نشانده اردن صورت گرفت، اسرائیل واردن سرزمین‌های "کشور عربی فلسطین" را بین خود تقسیم کردند. این کار ملک عبدالله که به پاری بریتانیا و برخلاف قطعنامه ۸ آذرماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجام یافت، خیانت آشکاری به آرمانهای خلق‌های عرب بود.

اسرائیل همچنان سیاست تجاوزکارانه و جنگ افروزانه خود را دنبال میکند در ۱۶ خرداد ماه ۱۳۲۹ (پنجم ژوئن

در جلسه علنی روز شنبه ۱۸ اسفند مجلس شورای اسلامی، آقای موحیدی ساوجی از آقای پرورش، وزیر آموزش و پرورش در مورد کمبود معلم و دبیر در مدارس شهرها و روستاها، نحوه توزیع عادلانه معلم و سیاست دولت در این زمینه سؤال کرد.

آقای پرورش در پاسخ این سؤال مهم آقای ساوجی اظهار داشت که: "باحسابی که معاونت آموزش و پرورش و برآوردی که در سطح کشور کرده منتهای مناطق جنگ زده که نتوانسته است در آنجا محاسبه بکند، آمار می‌کند بدست آمده به این صورت است: در مدارس ابتدائی سراسر کشور ۲۳۲۰ نفر و در دوره راهنمایی ۱۳۹۰ نفر و در دوره متوسطه ۱۰۲۳ نفر که جمع نیاز مادر مقاطع مختلف آموزشی ۴۷۲۲۷ نفر می‌باشد. همچنین، "نیاز ما به معلم در قسمت فنی و حرفه‌ای و مدارس کودکان استثنائی ۵۰۱۰ نفر می‌باشد."

آقای پرورش در زمینه اقدامات انجام شده و رفع کمبودها اظهار داشت: "دروهله اول بطور آزمایشی از دیپلمه‌هایی که واجد شرایط هستند استفاده می‌کنیم پس از دو سال آموزش اگر مورد قبول باشند استخدام میشوند. دروهله دوم از معلمین حق التدریس استفاده می‌شود. برای سال آینده مقدار زیادی از این کمبودها از طریق تربیت معلم رفع خواهد شد زیرا در نوبت اول آموزش و پرورش ۱۷ هزار نفر و در نوبت دوم ۵ هزار نفر را از طریق کنکور برگزیده‌است و برای اوائل سال تحصیلی آینده ۲۰ هزار نفر جذب روستاها خواهند شد."

آقای موحیدی ساوجی جوابهای آقای پرورش را قانع کننده ندانست و اظهار داشت: "هم اکنون دو هزار معلم چون در تهران وجود دارند که از نظر شمار زیادی هستند چنانچه این عده صلاحیت علمی

(۱۹۵۰) کشت (پارلمان اسرائیل) قانونی بنام "قانون بازگشت" از تصویب گذارند که مهاجرت به اسرائیل را بصورت قانونی درآورد. در این سالها یک سو موج مهاجرت به اسرائیل از سوی دیگر مهاجرت از اسرائیل - بخاطر سیاست‌های ضد ملی، استثمارگرانه و شرایط دشوار و سرشار از محرومیت گذران برای قشرها و طبقات زحمتکش آغاز شد، به طوری که در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) ۱۰ هزار تن از نقاط گوناگون جهان وارد این کشور شدند و ۱۳۰۰ هزار تن این کشور را برای همیشه ترک گفتند.

در ۲۷ تیرماه ۱۳۳۵ (۲۹ ماه اکتبر ۱۹۵۶) در پیامد ملی کردن آبراه سوئزو دیگر تحولات ضد امپریالیستی در کشور - های عرب، صهیونیستهای تجاوزکار، توسعه طلب و جنگ افروز، هم پیمان با امپریالیسم بریتانیا و فرانسه، دگر بار عداده جنگی خویش را برای دست اندازی بر سرزمین‌های عربی به حرکت درآوردند. ارتش صهیونیستی اسرائیل سراسر شبه جزیره سینا را اشغال کرد. ولی این تهاجم گسترده، در بر تو اخطار قاطع اتحاد شوروی به امپریالیست‌ها و صهیونیستهای تجاوزکار، به شکست انجامید.

ولی اسرائیل همچنان سیاست تجاوزکارانه توسعه طلبانه خود را دنبال می‌کرد. "بن گوریون"، نخست وزیر پیشین اسرائیل، بر این ادعای گستاخانه پای می‌فشرد که: "این نقشه، نقشه کشور ما نیست. مانقشه دیگری داریم که شما جوانان و دانشجویان مدارس اسرائیل باید آن را تحقق بخشید. ملت اسرائیل باید قلمرو خود را از فرات تا نیل گسترش دهد." "من اخیام بگین"، نخست وزیر کنونی اسرائیل، در ۲۶ تیرماه ۱۳۳۷ (۲۸ اکتبر ۱۹۵۸) هنگامیکه هنوز نماینده "کشت" بود، خطاب به نمایندگان ارتش اسرائیل گفت: "شما اسرائیلی‌ها نباید تاسف از کشتن دشمن بخود راه دهید. شما نباید با او همدردی کنید، تا بتوانیم این فرهنگ به اصطلاح عربی را نابود کنیم و برخوابه‌های آن تمدن خود را بنا نهیم."

کنت فولک بر ناطوت، بعدها از آنجا که مهر تائید بر ضمیمه سازی نقبه به اسرائیل نگذارد، بدست صهیونیست - ها ترور شد. ادامه دارد

رفع کمبود معلم و دبیر به برنامه‌ای جامع و منطقی و سیاستی درست و واقع بینانه نیاز دارد

راندانند آنها را کنار بگذارید و باز- نشسته کنید و اگر صلاحیت دارند و شما در تهران نیازی به آنها ندارید آنها را به مناطق مورد نیاز بفرستید. من فکر می‌کنم وزارت آموزش و پرورش موفق نبوده و باید از مدبریت قوی برخوردار باشد."

متاسفانه همانطور که آقای ساوجی اشاره کرد، آموزش و پرورش برای حل این مشکل بزرگ و حیاتی آموزش و پرورش یعنی رفع کمبود معلم، برنامه درست، جامع، روشن و حساب شده‌ای که پاسخگوی نیازهای حیاتی کشور باشد در دست ندارد. تعداد معلم مورد نیاز آموزش و پرورش که آقای پرورش اعلام کرد با احتساب کمبود معلم در مناطق جنگ زده و همچنین تعداد زیادی معلم که در تهران و شهرستانها به دلایل مختلف، روستا یا ناروا، پاکسازی شده‌اند رقم قابل توجهی است که آموزش و پرورش بدون در دست داشتن برنامه دقیق قادر به حل این مشکل بزرگ نخواهد بود.

۲۰ هزار معلم فارغ التحصیل از مراکز تربیت معلم، چنانچه همه آنها هم بقول آقای پرورش پس از دو سال "مورد قبول باشند"! باز هم مشکل کمبود معلم را بطور بنیادی حل نخواهند کرد. در شرایط کنونی لازم است آموزش و پرورش طی یک برنامه دقیق، علاوه بر رفع کمبود کنونی که بیش از ۴۷۲۲۷ نفر معلم در سراسر کشور (که رقم واقعی نیازهای کشور ما بیش از اینهاست)، جهت جذب کودکان و نوجوانانی که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند به مدارس سر وارد شوند و با کودکانی که هر ساله به سن تحصیل می‌رسند معلم تربیت کند. لذا با توجه به این وظیفه سنگین و پر مسئولیت بنظر ما نیز جواب آقای پرورش قانع کننده نیست و انتظار می‌رود که وزارت آموزش و پرورش با ارائه طرح جامعی، متکی بر سیاستی درست و واقع بینانه، به سؤال نماینده "محترم مجلس" که سؤال میلیونها توده مستضعف کشورمان است پاسخی قانع کننده بدهد.

مضحکة «انتخاباتی» آمریکادر السالوادور

دو جبهه نامبرده اعلام داشته اند که پیش از انتخابات "و در جریان آن و پس از پایان خیمه شب بازی "ویگان - دوآرته" به پیکار خود ادامه خواهند داد. آنها، در همان حال، آمادگی خوبش را برای یافتن راه حل سیاسی ابراز کرده‌اند. تنها شرط آنها اینست که همه نیروهای سیاسی در مذاکرات سیاسی شرکت جویند و ایالات متحده آمریکا از دخالت در امور السالوادور دست بردارد.

اما این به مذاق "واشینگتن" سازگار نیست. سردمداران آمریکا برای پوشش گذاشتن بر پشتیبانی فزاینده خود از رژیم سرکوبگر السالوادور به تغییراتی چند در دکور صحنه سیاسی السالوادور نیاز مندند.

در این زمینه، باید یادآور گشت که چندی است شرایط آموزش ۱۵۰ هزار السالوادوری در پایگاه های نظامی آمریکا تدارک دیده میشود. بدینسان، باید انتظار داشت که ایالات متحده آمریکا مداخلات خود را در السالوادور بیش از پیش گسترش بخشد. از سوی دیگر، هم اکنون آشکار است که "واشینگتن" از به اصطلاح "انتخابات السالوادور" توشه‌ای نخواهد برد. توده مردم السالوادور پیکار آزادی بخش خود را علیه "خونتا" وابسته به آمریکای السالوادور همچنان قاطعانه و پیگیرانه ادامه خواهند داد.

در حالیکه هر روز ده‌ها تن از مردم السالوادور بدست دژخیمان رژیم دیکتاتوری و آموزگاران آمریکایی آنها "تنبيه" (بخوان: کشته) می‌شوند، "خونتا" وابسته به آمریکا با اصطلاح "انتخابات" "جلس قانونگذاری" را تدارک می‌بیند. در این "انتخابات تنها دمکرات‌های مسیحی راستگرا و پنج حزب ابر ارتجاعی شرکت خواهند داشت. از جمله این احزاب، "اقدام ملی" و "اتحادیه جمهوریخواهان ملت گرا" هستند. سرکرده "حزب اخیر دبوئیون (D'AUBUISSON)" - مامور امنیتی پیشین است، که قتل رومرو، بزرگ اسقف سان سالوادور و رهبر برجسته مخالفان رژیم را سازمان داد. هر دو حزب نامبرده با هرگونه اصلاحاتی سخت مخالفت می‌ورزند.

"جبهه آزادی بخش ملی" فارابوند و مارتی و "جبهه دمکراتیک انقلابی"، که دو سازمان مهم انقلابیون السالوادور به شمار میروند، از شرکت در این مضحکه "کاخ سفید" خودداری کرده و آنرا "پوششی برای ترور وی - قانونی" خوانده‌اند. آنها به حق می‌برسند. چگونه میتوان در شرایطی که هر روز ده‌ها تن بدست نیروهای خونتا فجیعانه بقتل می‌رسند و ۷۰۰ هزار تن بخاطر رهائی از پیگرد، کشور را ترک گفته‌اند، انتخابات راستین برگزار کرد؟

پیش بسوی ...

بقیه از صفحه ۱
یک مملکتی که از غنای طبیعی و انسانی داشته باشد و مردم بفکر آنها نباشند، این مملکت، مملکت اسلامی نیست. (امام خمینی - ۵۸/۳/۹)
امام خمینی بارها و بارها بر لزوم استقرار عدالت اجتماعی تأکید کرده اند: غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم ها از بین برود، ستم گریها از بین برود، ضعفا بهشان رسیدگی بشود. قیام به قسط بشود.

در جامعه وجود نداشته باشد، یعنی شکافهای عمیق مردم را از لحاظ بر خورداری از وسائل زندگی از هم جدا نکند ...

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۶۰، خطبه های نماز جمعه چند هفته را به بحث پیرامون عدالت اجتماعی اختصاص داد.

فواد کرمی، رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس شورای اسلامی هم در تشریح اهداف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، از جمله گفت:
الف - فلسفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و بهره کشی و استثمار و سلطه گری و سلطه پذیری اقتصادی و استقرار قسط و

عدالت اجتماعی از دید امام خمینی، شهید مطهری

و حجت الاسلام خامنه ای:

امام خمینی:

"و غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم ها از بین برود، ستم گریها از بین برود، ضعفا بهشان رسیدگی بشود. قیام به قسط بشود." (از سخنان امام خمینی - ۶۰/۶/۲۱)

شهید مطهری:

"سرکن اصلی و بقاء و تداوم انقلاب اسلامی ایران، یعنی عدالت اجتماعی استقلال و آزادی و معنویت اسلامی ... (سخنرانی در مسجد فرشته، فروردین ۱۳۵۸)

حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور:

"در زمینه اقتصاد اسلامی باید بگویم که اقتصاد بر روی یک محور اساسی حرکت می کند و آن عبارت است از تأمین عدالت اجتماعی ... (مصاحبه با نشریه جهاد سازندگی - بهمن ۱۳۶۰)

(۶۰/۶/۲۱)

این سمت گیری اساسی از همان آغاز پیروزی انقلاب از جانب پیروان صدیق خط امام اعلام شد. استاد شهید آیت اله مطهری، زیر عنوان "عدالت اجتماعی" در فروردین ماه ۱۳۵۸، در مسجد فرشته سخنرانی کرد. شهید مطهری در این سخنرانی از جمله گفت:
"در جلسات گذشته درباره سه رکن اصلی و بقاء و تداوم انقلاب اسلامی ایران، یعنی عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی، و معنویت اسلامی به اجمال و اختصار توضیح دادم. امشب درباره رکن اول، یعنی عدالت اجتماعی نکات بیشتری را بیان خواهم کرد." (از کتاب "پیرامون انقلاب اسلامی" - ص ۱۱۵)

استاد شهید اضافه کرد: "در مورد وضع آینده انقلاب اسلامی خودمان، یکی از اساسی ترین مسائل، همین مسأله عدالت اجتماعی است ... (همانجا - ص ۱۱۹)

شهید مطهری در جای دیگری گفت: "حساسیتی که اسلام در زمینه عدالت اجتماعی و ترکیب آن با معنویت اسلامی از خود نشان می دهد، در هیچ مکتب دیگری نظیر و مانند ندارد." (همانجا - ص ۱۲۲)

استاد مطهری سخنرانی خود را چنین پایان داد:

"این حساسیت هائیکه است که امام و پیشوایان ما - که اسلام مجسم و مملکت را ستین اسلام اصیل بوده اند - در زمینه عدالت اجتماعی از خود نشان دادند. انقلاب اسلامی مانع از آن نمی شود که با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی جز اعمال چنین شیوه ها و بسط روشهای عدالت جوینانه و عدالت خواهانه در پیش ندارد." (همانجا - ص ۱۲۳)

این سمت گیری اساسی، در سه سال گذشته، بهیچ وجه از جانب دیگر پیروان صدیق خط امام دنبال شده است.

حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور اخیرا در مصاحبه ای با مجله "جهاد"، ارکان "جهاد سازندگی" (ویژه سومین سالگرد انقلاب) بر این امر تأکید کرد و گفت:

"در زمینه اقتصاد اسلامی باید بگویم که اقتصاد بر روی یک محور اساسی حرکت می کند و آن عبارتست از تأمین عدالت اجتماعی ... رئیس جمهور در تشریح عدالت اجتماعی افزود:

"... لازمه عدالت اجتماعی این است که اختلافهای مالی بسیار زیاد

اندیشه کن

چرا که خصم بهارمان را بخون

کشیده است!

\* افتاده دور (?) طی نامه ای که برای "اتحاد مردم" ارسال داشته، ۱۳ ایراد لغوی و املائی را متذکر شده است:
نخست نویسنده کلمه "دگر" اندیش "را، که در مقالات "اتحاد مردم" بکار برده میشود، کلمه ای مبهم دانسته، که مفاهیم متعددی چون "غیراندیش، بیگانه اندیش، خوب اندیش، بداندیش، کج اندیش و ... را در بر می گیرد و "بحکم سائقه" محیط و غیره معنی بدان به ذهنهای نشیند.

تذکر دوست نویسنده به جاست و به همین دلیل هم این کلمه همواره در مقالات "اتحاد مردم" همراه با صفت "انقلابی" یا صفتی نظیر آن بکار می رود، همچون "انقلابیون دگراندیش"، "دگراندیشان انقلابی"، "دگراندیشان مدافع انقلاب" و ...

از آنجاکه در قاموس زبان فارسی برای اطلاق آن گروه از مبارزان انقلابی و مدافع انقلاب، که در چارچوب طرز تفکری خاص نمی گنجند و به مسلک ها و عقاید دیگر تعلق دارند، لغت مناسب تری یافت نشده، از این کلمه استفاده می شود.

دوم - دوست نویسنده متذکر شده است که بهتراست بجای نوشتن کلماتی چون "بیاندیش، بیافکنند، بیافتند، بیاندازد" و ... به طور کلی کلماتی که ریشه آنها با الف شروع میشود، در ساختن فعل مضارع، چنین نوشته شود: "بیاندیش، بیفکنند، بیفتند و ..."

در مقالات "اتحاد مردم"، این تذکر نویسنده، بطور کلی رعایت میشود، ولی ضمنا باید متذکر شد که در این مورد در زبان فارسی، قاعده عمومی وجود ندارد و هر دو شکل پیشگفته در نثرهای موجود بکار رفته اند.

سوم - نویسنده متذکر شده است که "موشه" املائی صحیح کلمه ای است که معادل با "قبیح الشکل" در زبان عربی بکار می رود.

از تذکرات نویسنده متشکریم. \* دوستانی از شهرستان بایلسر، از ماتقاضا کرده اند که یک صفحه "اتحاد مردم" را به شعر شاعرانی که مورد علاقه آنهاست، اختصاص دهیم. انجام این تقاضا متأسفانه از عهده نشریه ما، با امکانات محدودی که دارد، خارج است.

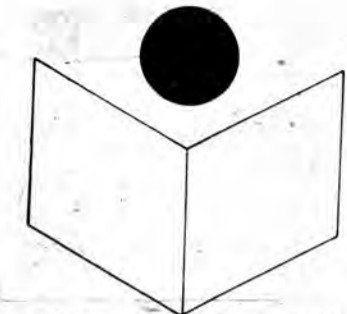
دوستان ما میدانند که انقلاب اسلامی ضدا میریالیستی و مردمی ایران، در یکی از حساسترین و خطرناکترین لحظات زندگی خود بسر میبرد و نبرد جمهوری اسلامی ایران با امپریالیسم آمریکا و جبهه جهانی سرمایه داری، سرنوشت سازترین مرحله خود را میگذراند. بی شک برای یک نشریه انقلابی و متعهد، که تنها در هفته ۱۶ صفحه برای اظهار

اعضای کابینه شهید رجایی در ۲۰ شهریور ۵۹ گفتند: "طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند، بیشتر توجهشان به آنها باشد."

و: "اگر ما شجاعت اسلامی و قرآنی داشته باشیم و مثل علی (ع) بخواهیم فکر بکنیم، باید دست مستکبرین را بگیریم و آنقدر فشار بدهیم و مشت بر سرشان بزنیم که تسلیم حق بشوند. این تفاوت زندگی موجود در شمال تهران و شهرهای شمال کشور و نقاط مرده با نقاط مستضعف قابل قبول نیست و باروح اسلام نمی سازد." (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه ۳۰ بهمن ۶۰)

چگونه باید عدالت اجتماعی را تأمین کرد

امام خمینی در جهت دگرگونی این وضع و تأمین عدالت اجتماعی،



از زبان خوانندگان

که این نشریه پیش روی نهاده است، همراه باشد. "اتحاد مردم"، منادی اتحاد مردم انقلابی ایران علیه دشمنان کوچک و بزرگ آرمان های والای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است، نه چیز دیگر ...

\* سع - طبیب، شعری خطاب به "گم کرده راهان هنوز هم صادق مجاهدین خلق"، بانام "اندیشه کن چرا که خصم بهارمان را بخون کشیده است"، سروده است، که بخشهایی از آن چنین است:

باری برادرم شب را بکش، بیرون ز خانه شو اندیشه را ز محبوسی به طول و عرض حقیر خانه پنهان پالی بده به باغ تماشا آنجا! نه دور دست نزدیک خانه ات! در کوچکات، در نیمه های خیابان، در هر گذر هر کوی و برزن میهن سنگر شده علیه خصم آنجا! جمعی به وسعت اعداد یکجا و یکصدا آوازشان سرود دلنواز رهائی

وقتی که آسمان مه گرفته میهن شد قاب آفتاب وقتی که امتداد فصل سرخ وهائسی در عرصه نبرد میهنی باشعله های خشم خروشان خلق دلاوری در بیکرانی از گلوله و ایثار بیدار می شود پنهان ز کیستی؟ باری برادرم دیگر گذشت زمان خانه پنهان

اینک به نو بهار میهنم جشنی به نام رهائیسنت جشنی به خون تهیه شده! اما دریغ و درد، در جشن ما جای تو خالیست برادرم! جشنی به ساز گلوله! رقصی به نام سینه خیز تا آخرین رمق در تپه های غرب برمی به رنگ سرخ در دشت نفت خیز اندیشه کن چرا که خصم بهارمان را به خون کشیده است

اینک زمان طلاست

اندیشه کن با من بگو چرا در جمع توده ها جای تو خالیست برادرم؟

\* اشعار رسیده: شعر "خورشید انقلاب مردم" از بهروز پژواک، شعر "صغیر آوای تو" از اهدایه خیرخواه، شعر "ای دوست باید هشیار" از سع - طبیب، شعر "۲۲ بهمن" از م. ط.

از همه دوستان سپاسگزاریم

رهنمودهای روشن و مشخصی داده اند. رهبران انقلاب در پیام خود به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی تأکید کردند:

"طرحها و پیشنهادهائی را که مربوط به عمران و رفاه حال ملت، خصوصا مستضعفین است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید." رهبر انقلاب همچنین در دیدار با فقهای عضو شورای نگهبان فرمودند: "باید قوانینی وضع شود که حقوق محرومین و فقرا به آنها بازگردانده شود. این وظیفه شماست."

آیت الله العظمی منتظری نیز بارها نظر خود را مبنی بر لزوم خدمت به مستضعفین و طرد نظام استعماری، از جمله در عبارت زیرین بیان داشته اند: "تمامی نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه داری و شبه سرمایه داری استعماری باید از بین برود و کلیه ضوابط و روابط اسلامی بر تولید و مبادله و بازار

بقیه در صفحه ۱۳

# خط منسی کردن آمریکا باقیست...

یک سال پیش در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ جبهه متحد ضد انقلاب در دانشگاه تهران گرد آمده بود. از لیبیرال ها گرفته تا ساواکی ها و فریب خوردگان "مجاهد" و پیکار و رنجبری واقلمنی... همه و همه حاضر بودند.

در بالای تریبون، طبق قرار قبلی، رهبر جبهه متحد ضد انقلاب که بنی صدر ملقب به "بزرگترین اندیشه معاصر باشد" فرمان علنی برای حمله به انقلاب را صادر می کرد.

آنچه در مرکز این توطئه ضد انقلابی قرار داشت این بود: "کف میزنند و سوت می کشند و آمریکا را از یادمی برند. خط ای بود که اصلا آمریکا منسی شود. یک دسته شوروی را مطرح می کردند تا آمریکا منسی بشود. یک دسته اله اکبر را کنار می گذاشتند سوت می زدند. آن هم در روز عاشورا خط این که قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود...

می خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و به دامن آمریکا بیندازند... (سخنان امام خمینی در دیدار با خانواده شهدای ۷ تیر - ۱۳ تیر ۱۳۶۰)

عین آنچه رهبر انقلاب گفته اند در ۱۴ اسفند احراشد که خود دنباله مراسم ۱۷ شهریور و ۷ اسفند لیبیرال ها بود. مقدمه توطئه های عدوی و بعدی که قرار بود بالاخره با کودتای متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر آمریکا راه ایران برگرداند.

توطئه ضد انقلابی بنی صدر چند ماه بعد از ۱۴ اسفند شکست خورد و رهبر جبهه با صدراعظمش به آغوش از هاری گریخت و در کنار او بیسی پناه گرفت، تا به مبارزات ضد امپریالیستی ادامه دهد. بنی صدر گریخت، خانه های تپه جبهه متحد ضد انقلاب در داخل از هم پاشید و بقایای افراد آن به جنگ گریختند.

اما - و همه حرف در این است - خط بنی صدر باقیست.

ضد انقلاب داخلی که اکنون زیر پرچم قشربگری موضع گرفته است، همان خط بنی صدر را دنبال می کند. یکمی توجه به سیاست تبلیغاتی جبهه متحد ضد انقلاب، از بلندگوهای متعدد خارجی گرفته تا آنچه مودیان در داخل اعمال می شود، نشان می دهد که در محور اساسی توطئه ضد انقلاب کمترین تغییری داده نشده است. نقشه همان است که برزیل سکی به وضوح تمام آنرا طرح کرد: "لازم است حوسو وطن و عدم اعتماد را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور (کارتز) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتماً به تضعیف سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد" (از دستور العمل برزیل سکی به وزارت خارجه آمریکا)

آری از همان روز اول انقلاب نقشه چنین بود: خارج کردن آمریکا از زیر پرچم و جان نشین کردن شوروی بجای آن.

سال پیش در چنین روزهایی بنی صدر فراری با تمام نیرو این نقشه را اجرامی کرد. بعد از او کسان دیگری - پیدا و ناپیدا - خط و نقشه را دنبال می کنند. هشیار باسیم، در سالگرد توطئه ۱۴ اسفند، نقشه بنی صدر را به یاد بیاوریم و ادامه دهندگان آن را رسوا کنیم.

## در حاشیه برگزاری دهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی

(بقیه از صفحه اول)

# زحمتکشان جهان با سلاح همبستگی علیه انحصارات امپریالیستی و برای صلح و ترقی مبارزه می کنند

\* فدراسیون سندیکایی جهانی تجلی گاه پیکار یکپارچه زحمتکشان جهان برای دگردیسی عواقب حاکمیت انحصارات امپریالیستی و تلاش های تباؤد آنان برای سد کردن پیشرفت اجتماعی است.

\* سرمایه در اعمال حاکمیت خود در سطح جهانی متحد است، جنبش سندیکایی نیز ناگزیر است در عرصه جهانی متحد شود و زهر سرمایه را به کام خود سرمایه بازگرداند.

\* جنبش سندیکایی جهانی، با آماج های ضد امپریالیستی، دمکراتیک و سرمایه ستیز خود، خویشاوندی عمیق با آرمان های انقلاب شکوهمند اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران دارد.

جهان، در وجود امپریالیسم به سرکردگی آمریکا دشمن واحدی دارند و در مبارزه علیه آن ناگزیر در سنگر واحدی قرار می گیرند.

جنبش سندیکایی میهن ما نیز، که متجاوز از هفتاد سال از عمر آن می گذرد، از پیگیرترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، که سه هدف بنیادی جمهوری اسلامی ایران است می کند. اولی این مبارزه دشواری است جمله این دشواریها تشکل ستیزی، بمشابه میراث ضد مردمی رژیم جابریلی و بعنوان روش جنایتکارانه سرمایه داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی است، که هم اینک، که به سبب حضور نیرومند سیاست لیبرالی در برخورد مدیران لیبرال و پاره های مسئولین طاغوت زده نهاد های دولتی، دنبال می شود.

نیروهای کبر شمرديم، به لحاظ سرشت طبقاتی میرنده خویش، چشم دیدن اتحاد زحمتکشان را ندارند. انقلاب ما و جمهوری انقلابی ما نیز چشم دیدن این نیروها را ندارند. بنا بر این تاسف این جان نیست. زیرا از دشمن جز این انتظار نمی رود. اما با کمال تاسف باید از پاره های نیروهای درون جبهه انقلاب یاد کرد که، بنابر

صنعتی و تولیدی و انحصارزدایی آنهاست. سرمایه در اعمال حاکمیت خود در سطح جهانی متحد است، جنبش سندیکایی نیز ناگزیر است در عرصه جهانی متحد شود و زهر سرمایه را به کام خود سرمایه بازگرداند.

جنبش سندیکایی میهن ما از پیگیرترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

\* هرچا کارگران متحد و متشکل بوده اند، استوارتر در برابر ضد انقلاب و توطئه های آن ایستاده اند. بیشتر و بهتر تولید کرده اند و آگاه تر و منسجم تر از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند.

\* جمهوری اسلامی ایران باید همه نیروهای زحمتکش انقلابی را آزاد گذارد و به این وسیله راه را برای تحقق آماج های اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، هموار سازد.

پاره های کج اندیشی ها، با تشکل های صغی کارگران و زحمتکشان میانه ای ندارند. آنان چنین می اندیشند که گویا طبقه کارگر متحد در تشکل های مستقل صغی، با ضرورت افزایش تولید، مبارزه با ضد انقلاب و شکوفایی اقتصادی جمهوری تناسبی ندارد. با این نگرش نادرست، آنان می کوشند تا هر گونه تجمع کارگری را، در صورت امکان، مهار کنند، آن را زیر کنترل خویش بگیرند، در صورت عدم توفیق، تیشه بر آن نهند.

خوشبختانه واقعیت سه ساله جنبش سندیکایی ایران، بویژه بر این اندیشه و عمل نادرست خط قرمز کشیده است. تجربه موجود بقوت نشان می دهد که هرچا کارگران متحد و متشکل بوده اند، استوارتر در برابر ضد انقلاب و توطئه های آن ایستاده اند، بیشتر و بهتر تولید کرده اند و آگاه تر و منسجم تر از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند.

هم از این روست که جمهوری اسلامی ایران بدرستی باید پیوند زحمتکشان ایران را، هم از درون وهم با جنبش سندیکایی جهانی، مغتنم شمارد موانع موجود بر سر این وحدت - از درون و بیرون - را از پیش پای آن بردارد و از این رهگذر نیروی عظیمی را آزاد گذارد، که در نوک پیکان مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی، شیطان بزرگ آمریکا می رزمند.

به بند کشیدن جنبش سندیکایی ایران تنها بسود امپریالیسم و ارتجاع جهانی و داخلی است. زینبند جمهوری اسلامی ایران آن است که همه نیروهای زحمتکش انقلابی را آزاد گذارد و به این وسیله راه را برای تحقق آماج های اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یعنی، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، هموار سازد.

این جا دموکراسی به معنا و مضمون همه خلقی خود، برابری انسان ها و توزیع عادلانه نعم موجود، شکوفایی همه استعدادها و پرورش انسان نوین، دیگر نه یک آرمان مجرد، که یک واقعیت تاریخی چشمگیر و ابدی است.

در گوشه ای دیگر از جهان، استعمار به برکت خیزش خلقها درهم شکسته شده، بسیاری از خلقها راه سرمایه داری را طرد کرده اند و رشدی مستقل و راهگشا را تجربه می کنند.

امپریالیستی، در دژهای سرمایه، بر آتش دیرمان مبارزه بالا میگرد. نه ای ترقی اقتصاد، تورم و رکود، بیکاری و فقر... در بند این نظام میرنده راه یافته است. از اینجاست که سرمایه داری امپریالیستی بگانه مفر خود را در تشدید استثمار تجاوز به حاکمیت خلقها و راندن جهان به لبه پرتگاه جنگ جهانی می جوید. اما کارگران کشورهای رشد یافته، سرمایه داری در راستای مبارزه ضد انحصاری، پاسداری از صلح و پیکار برای عدالت اجتماعی فوج فوج به میدان می آیند. جنبش کارگران در کشورهای رشد یافته، سرمایه داری نیز در راستای مبارزه بر ضد امپریالیسم و سرمایه داری وابسته، بخاطر صلح، استقلال، دمکراسی و عدالت اجتماعی گسترش می یابد. اعتلای این مبارزه جهانی بند برای سرمایه می نهند و بند از پای پیشرفت و عدالت اجتماعی بر می گردد.

سرطان سرمایه داری از پیکر جامعه بشری به دست اعجازگر کارگران و زحمتکشان ریشه کن میشود. امروز برتری نیرو، نه با امپریالیسم و نواستعمار، نه با زلوهای تاریخ، که با ازدوی ظرفیت های آینه است.

انحصارات چند ملیتی البته زهر خود را می ریزند و بار بحران را بر دوش زحمتکشان می غلطانند. این بحران اقتصاد جهانی را تضعیف می کند و از رشد نیروهای تولیدی جلو می گیرد. سند کنگره در این زمینه می گوید:

در زمینه اقتصادی، تورم و رکود اقتصادی در مبادلات اقتصادی با کشورهای رشد یافته و با کشورهای سوسیالیستی آثار عمیقاً منفی دارند و بدین سان در سطح اشتغال در کشور های سرمایه داری، قطع نظر از درجه رشد آن ها تأثیر می بخشد.

از سوی دیگر حاکمیت سرمایه انحصاری میان زحمتکشان کشورهای مختلف رقابت ایجاد می کند، تا ضمن تقلیل بهای نیروی کار، تضعیف قدرت زحمتکشان و ایجا دتاخیر در وحدت صفوف آنان، استثمار را جاودانه کند.

جنبش سندیکایی جهانی موجودیت خود را مصروف لحام زدن بر این سیاست و تلاش خود را معطوف به تحکیم اتحاد ضد انحصاری کرده است، تا ضمن دفاع از آزادی زحمتکشان، به رهائی بشریت ارقید بندگی کمک کند. لازمه این نبرد، نه ضربات پراکنده بر شاخه های این درخت مسموم، بلکه به دست گرفتن اهرم تولید و کنترل فعالیت های

مبارز و زحمتکش در سراسر

آنهاست. سرمایه در اعمال حاکمیت خود در سطح جهانی متحد است، جنبش سندیکایی نیز ناگزیر است در عرصه جهانی متحد شود و زهر سرمایه را به کام خود سرمایه بازگرداند.

جنبش سندیکایی جهانی در برابر سیاست جنگ افروزانه و تجاوزگرانه سرمایه جهانی، بر ایجاد نظم نوین اقتصادی - اجتماعی در گستره جهان تأکید دارد.

"تحولات ژرفی در دستور روز قرار دارند، که عبارتند از تغییرات دموکراتیک در درون کشورهای سرمایه داری، در مناسبات میان کشورهای برای پایان دادن به سلطه گری امپریالیسم برای برقراری نظام نوین اقتصادی بین المللی.

مبارزه برای آزادی، دموکراسی و استقلال خلقها در دستور روز است. سخن بر سر آینده جهان صلح و تفاهم و توافق میان خلقها برای برانداختن قضی همه اشکال بهره کشی انسان از انسان می رود. زمان، زمان گسترش پرشور علوم و فنون و بهره گیری از آنها برای رفاه خلقهاست."

سندیکاهای نماینده منافع زحمت کشان اند کانون هایی هستند که در

آنها همبستگی و آگاهی به ضرورت تشکل و وحدت عمل شکل می گیرد. فدراسیون سندیکایی جهانی با تمام نیرو می کوشد، تا این وحدت گسترش یابد و اشکال عالی تری از همکاری را در مبارزات متحد زحمتکشان جهان سازمان دهد. سند جامعی که در دستور کار دهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی بود، نمونه کم نظیر چنین تلاش برنامه ای را عرضه می دارد. در این سند واقعیت های سترگ جامعه بشری با دقت شگرفی ارائه شده و چشم انداز آینده مبارزه سندیکایی ترسیم شده است.

در زمینه اقتصادی، تورم و رکود اقتصادی در مبادلات اقتصادی با کشورهای رشد یافته و با کشورهای سوسیالیستی آثار عمیقاً منفی دارند و بدین سان در سطح اشتغال در کشور های سرمایه داری، قطع نظر از درجه رشد آن ها تأثیر می بخشد.

مبارز و زحمتکش در سراسر

شناخت دوستان انقلاب

یکی از مهمترین و گرهی ترین شناخت هائی که هر انقلاب باید به آن مسلح شود، تا خود را حفظ کند، شناخت دوستان و دشمنان واقعی در داخل و خارج است.

پاسخ بهام تبریک حجت الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهوری که هفته گذشته برای کیم ایل سونگ رئیس جمهور کره شمالی مخابره شد، نشان داد که ایران انقلابی بطور چشمگیری در این سمت حرکت می کند.

در بهام رئیس جمهور ایران از جمله آمده است: "ملت مادر جریان انقلاب و پس از آن به هنگام مداخلات و دست اندازیهای عمال امپریالیسم، دوستان وفادار و مبارزان همدوش خود را علیه امپریالیسم جنایتکار و قدرتمندان هم پیمان آن بخوبی شناخت. ملت و دولت جمهوری دمکراتیک خلق کره در این مورد مقامی ارزنده دارد. مبارزات پیگیر ملت کره علیه امپریالیسم آمریکا و ایستادگی در مقابل این قدرت غارتگر بر هیچکس پوشیده نیست و ملت ما که مبارزه و جهادی راستین را بر ضد سلطه گری سلطه پذیری آغاز کرده است، بخوبی ارزش دوستان همزمزم خود در کشور شما را می شناسد و به دست آوردن های آنها بدیده تحسین می نگرد. دوستانی این چنین با کمک یکدیگر می توانند بخوبی مشکلات راه پیشرفت خود را بر طرف نمایند..." (کیهان - ۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

جنایت تازه رژیم عراق

رژیم جنایتکار عراق که سرانجام بر اثر سیاست درست ایران مجبور شد، طرح ابتکاری کشور انقلابی ما را برای ملاقات خانواده های سرای جنگی بپذیرد، هفته گذشته دست به جنایت تازه ای زد.

مزدوران حدامی بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از معاودین را با پای برهنه در کوهستانهای پر برف غرب رها کردند تا گرسنه و عریان خود را به ایران برسانند.

این زنان، پسران، کودکان و پیر مردان بیگناه، که با مشقت فراوان خود راه ایران رسانده بودند، "خواستار رسیدگی به وضع رقت بار خود از سوی سازمانهای جهانی شدند."

امپریالیسم غربی که به قول حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - در نماز جمعه - که اگر ایران یک عراقی را از مرز خود اخراج می کرد؛ جهان را بر آرز جنجال تبلیغاتی می کرد؛ درباره این جنایت تازه رژیم صدام سکوت کامل کرد. تردیدی نیست که سکوت امپریالیسم غربی نمی تواند مانع از ادامه راه صدام بسوی جایگاه همه اسلاف جنایتکار خود شود که مانند او از چنین جنایاتی ابا نداشتند؛ زباله دان تاریخ.

اجرای قانون بدون استثناء

هفته گذشته نزدیک به ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای اعلام داشتند: "هر جریانسی بخواد از حدود و ثغور قانون اساسی تخلف کند ضد انقلاب و ضد خط امام است؛ نمایندگان در این نامه از بازرسی کل کشور خواستند که عا ملان کوچکترین انحراف از قانون را به امام، مردم و مسئولان معرفی کنند. (کیهان - ۱۰ اسفند ۱۳۶۰)

در همین حال آیت اله ربانی امّلی دادستان کل کشور و عضو شورای عالی قضائی در گفتگو با روزنامه جمهوری اسلامی گفت: "ما تلاش زیادی کرده ایم و جلوی قانون شکنی ها را تا حدودی فراوانی گرفته ایم و انشاء الله امیدواریم به این کار ادامه دهیم. در سال ۶۱ و ۶۲ عوهمینطور تا به آخر و یکروز انشاء الله آد عا خواهیم کرد که دیگر در کشور خلاف قانون عملی انجام نمی گیرند." (۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

بی گمان تنها باروش های گفته شده است که دشمنان نقابدار و بی نقاب انقلاب که به شکل های گوناگون مانع استقرار قانون هستند رسوا خواهند شد. ادامه مبارزه با قانون شکنی و معرفی خاطیان به مردم، بسود انقلاب

در هفته ای که گذشت:

بازسازی هستند از جمله گفت: "این بار سنگینی است که بردوش ملت مستضعف ما است که از طریق این لایحه به شما واگذار شده و شما باید افراد متدین پاک و انقلابی را جایگزین افراد ناپاک در سازمانها کنید. سعی کنید منشاء خدمات ارزنده ای در این کشور باشید. میباید وسیله شما حقی ناحب گردد. نباید فرد ناپاب و غیر مناسبی بر سر کار بماند و نه فرد مناسبی از کار و زندگی برکنار شود." (اطلاعات - ۱۰ اسفند ۱۳۶۰)

این سخنان دادستان کل کشور امیدواری بوجود می آورد که در سال جدید هیات های بازسازی تجدید نظر اساسی در نیروی انسانی - چه شاعل و چه "پاکسازی شده - بعمل بیایند. چه بسیار نیروهای انقلابی مدافع انقلاب که علیرغم داشتن تخصص و جانفشانی در راه انقلاب از ادارات پاکسازی شده اند و چه بسیار ضدا انقلابیون و حتی ساواکی های شناخته شده که با گذشتن ریش و بدست گرفتن تسبیح در ادارات مانده و حتی مصادر شغل های مهم شده اند. باید به این بی عدالتی پایان داد. باید از همه نیروهای مدافع انقلاب سود جست و انقلاب را از سرهمه دشمنان انقلاب نجات داد. این امر تنها و تنها با اتخاذ مبارزات صحیح ممکن است و آن چیزی نیست غیر از خدمت به معیار انقلاب در عمل.

باند های قاچاق در خدمت امپریالیسم

هفته گذشته مقدار زیادی مواد مخدر توسط ماورین مبارزه با مواد مخدر بدست آمد. تنها در سه شنبه گذشته ۲۱ قاچاقچی بین المللی که در شبکه های عظیم خرید و فروش مواد مخدر دست داشتند در تهران به دار آویخته شدند. سرهنگ رضوی فرمانده ناحیه

ژاندارمری سیستان و بلوچستان در مصاحبه با روزنامه اطلاعات گفت: "از تاریخ ۶۰/۷/۱۶ تا آخر بهمن ماه گذشته مقدار ۴۲۹ کیلوگرم هروئین مقدار ۲۸۰ کیلوگرم تریاک و در حدود ۳۱۰ کیلوگرم انواع دیگر مواد مخدر کشف و ضبط شده است." (۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

به گفته سرهنگ رضوی در همین مدت ۳۳۸۰ قاچاقچی با بیش از یک تن مواد مخدر و بازده نیم کیلو طلا بدست ما موران (همانجا) افتاد هاند. فرمانده ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان وجود باند های قاچاق و گسترش آنها را چنین ارزیابی کرد: "توطئه مزدوران آمریکا این است که با خارج کردن طلا و گسترش قاچاق به اقتصاد ما ضربه بزنند." (همانجا) او افزود: "می توانم بگویم در کل مردم سیستان و بلوچستان از دست این قاچاقچی های سرمایه دار و پول پرست دل خونسی دارند... اغلب قاچاقچی های سرمایه دار شناخته شده اند و چند تن از آنان نیز هم اکنون در زندان هستند..." (همانجا)

این سخنان بار دیگر پیوند سرمایه داران بزرگ را با قاچاقچیان نشان داد و خطر ناشی از آنها را در شرایطی که: "بعثت باز بودن مرزهای شرقی کشور - مان بویزه افغانستان، و تا حدودی پاکستان عرصه تاخت و تاز انبوع قاچاقچیان ایرانی افغانی و گاهی پاکستانی شده." (همانجا) بیشتر از پیشتر فاش کرد.

در اخبار مربوط به کشف مواد مخدر در هفته گذشته اعلام شده که سه تن از قاچاقچیان که در تهران به دار آویخته شده اند افغانی بوده و همچنین "یک سوم قاچاقچیان دستگیر شده در اصفهان افغانی هستند." (روزنامه ها - ۱۰ اسفند ۱۳۶۰) و به این ترتیب "مبارزان افغانی" دست در دست سرمایه داران بزرگ و باند های قاچاق بین المللی علیه انقلاب ایران به فعالیت مشغولند. چرا؟

ژاپنی های نتیجه رفتند

بعد از سه سال که امپریالیسم ژاپن ایران را برای اتمام باقیمانده طرح بزرگ مجتمع پتروشیمی بندرامام خمینی - ۱۵ درصد - سرمی دواند، آخرین دور مذاکرات بازم به نتیجه نرسید و ژاپنی ها تهران را ترک کردند.

بعد از اینکه ژاپنی ها با بی نتیجه گذاشتن سومین دور مذاکرات اخیر تهران را ترک کردند؛ آقای غرضی وزیر ندران در این مجتمع عظیم را به پایان برسانند. روشن ترین دلیل آن هم این است که این امر بزیان امپریالیسم جهانی بسرگردی آمریکا است. و ژاپن نمی تواند به برادر بزرگ خود خیانت کند. بنابراین همانطور که وزیر نفت به درستی گفته است: "ما وظیفه داریم این سرمایه گذاری عظیمی را که شده است حتما به نتیجه برسانیم و در این رابطه هر نوع کاری که از دستمان بر می آید انجام خواهیم داد." (همانجا)

برای انجام این وظیفه به نظر ما بهتر است هر چه زودتر تمام کار مجتمع به کشوری سپرده شود که بلافاصله و بدون قید و شرط سیاسی دیگری که از لحاظ اقتصادی به صرفه ما باشد حاضر به انجام کار باشد.

تلاش مذبح خانه

هفته گذشته بقایای ضد انقلابیونی که در جنگلهای شمال لانه کرده اند دست به تلاش مذبح خانه دیگری زدند. آنها به شیرگاه مازندران حمله کردند و ۲ عضو بسیج شیرگاه را به شهادت رساندند. ضدا انقلابیون ارتباط تلفنی شیرگاه را قطع و قطار گرگان - تهران را متوقف کردند تلاش مذبح خانه آنها با حضور مردم که فریاد مرگ بر آمریکا سر داده بودند خنثی شدند و ضدا انقلابیون باز هم به جنگل گریختند.

این حادثه بازم نشان داد که ضدا انقلابیون تا چه حد در میان خلق منزوی و رسوا هستند.

ایران و آلمان دمکراتیک پروتکل اقتصادی امضا کردند

هیئت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک آلمان در پایان گفتگوهای کوش دو هفته اخیر در کشورمان جریان داشت تفاهمی را در مورد همکاری جهت تکمیل و راه اندازی صنایع نیمه تمام ایران و توسعه همکاریهای صنعتی و فنی بین دو کشور امضاء کردند.

بر اساس این یادداشت تفاهم که بین قائم مقام وزارت صنایع ایران و قائم مقام وزارت صنایع سنگین جمهوری دمکراتیک آلمان به امضاء رسید، جمهوری دمکراتیک آلمان موافقت کرده است که در مورد مواد خام ماشین آلات و انتقال تکنولوژی و مسائل فنی و آموزشی با کشور ما همکاری کند. طرفین همچنین موافقت کردند که در مورد صنایع ماشین سازی، صنایع خودروسازی، صنایع ریختهگری و آهنگری، صنایع متالورژی و معدن، صنایع سیمان و مصالح ساختمانی نیز باید یکدیگر همکاری کنند. بر اساس این یادداشت تفاهم، در طرف موافقت کردند برای باجراد آوردن این توافقهای سالی یکبار جلسات مشورتی صنعتی در برلن و تهران برگزار شود.

هیئت آلمانی طی دیدار خود از تهران از وزیر صنایع جمهوری اسلامی ایران دعوت کرد که از کشور جمهوری دمکراتیک آلمان بازدید کند. همچنین بنا به گفته قائم مقام وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران این هیئت و نیز هیئتی که قبل از آن به ایران آمده بود، آمادگی خود را برای همکاری در مورد هادن، نیروگاه ها و نیز در زمینه پتروشیمی اعلام داشتند.

هیئت اقتصادی جمهوری دمکراتیک آلمان، روز یکشنبه ۹ اسفند ماه سال جاری تهران را به قصد برلن ترک کرد و سرپرست هیئت اظهار امیدواری کرد که هیئت دیگری برای بررسی همکاری های فنی و آموزشی و مسائل تخصصی مربوط به ایران بیایند.

پیش بسوی...

بقیه از صفحه ۱۱

کوتاه از میان خواهیم برد. (نقل از کتاب "چند سوال...") این نظریات انقلابی و عدالت خواهانه وقتی برای مردم ملموس تر می شوند که در حل مسائل مبتلابه آنها، از قبیل اصلاحات ارضی، اراضی شهری، مسکن، تجارت خارجی و... نمود پیدا کنند.

درباره لزوم حل مسائل بنیادی جامعه به نفع توده های زحمتکش و تاکید آن از جانب مسئولین مختلف جمهوری اسلامی ایران، بویژه باید از سخنان آیت الله مشکینی امام جمعه قم که خود از تدوین کنندگان طرح اصلاحات ارضی اسلامی است - یاد کرد. سخنان ایشان در زمینه لزوم تصویب و اجرای بند "ج" با استقبال اکثریت نمایندگان مجلس و نهادهای انقلابی روبرو شد و امیدواری دهقانان و همه انقلابیون کشور را به اجرای قریب الوقوع این طرح چند برابر کرد.

همچنین باید یاد دیگر به سخنان حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور اشاره کرد که در دیدار با اعضای جهاد سازندگی خراسان، "اصلاحات ارضی را "فریضه" قطعی دانست و بر لزوم اجرای آن تاکید کرد.

حجت الاسلام کربویی نماینده مجلس شورای اسلامی و سرپرست بنیاد شهید نیز در مصاحبه با اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵ بار دیگر بر این امر تاکید کرد و گفت:

یکی از مسائل، مسئله زمین و زراعت است که باید همان طرحی که حضرت آیت الله منتظری و شهید آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی داشتند به مجلس بیاورد، مسئله زمین دردی است برای جامعه و کشاورزان ما، که به حق محرومترین مردمیم، و باید سریع این مسئله حل شود.

"ملی کردن تجارت خارجی" نیز در اصل ۴۴ قانون اساسی به صراحت قید شده است. حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور در این مورد گفت:

"من بعنوان رئیس قوه مجریه مایل هستم که هر چه زودتر سرانجام این لوایح (اصلاحات ارضی - بازرگانی خارجی) روشن شود." (جمهوری اسلامی - ۶۰/۱۰/۱۹)

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات ۶۰/۱۱/۳ درباره این مسئله گفت: "لایحه تجارت خارجی وقتی که اجرا شود که ماعلا اجرائیش را شروع کرده ایم - خود این دیگر از این به بعد جلوی سودهای بی ربطی را، که یک دفعه یک نفر را در اثر یک معامله خارجی میلیارد می کرد، می گیرد."

به این ترتیب مثل آفتاب روشن است که سمت گیری انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی مردمی ایران به سوی تامین "عدالت اجتماعی" است. موارد مشخصی نیز که باید با انجام آنها این عدالت تامین شود - چنانکه آمد سر مسئولان در جاول کشور روشن است. اکنون، تنها باید در انتظار پیاده شدن "عدالت اجتماعی" برشالوده تصویب و اجرای قوانین انقلابی بود.

خوانندگان محترم و نمایندگان گنهای فروش هفته نامه "اتحاد مردم" خواهشمند است بهای نسخه های هفته نامه "اتحاد مردم" و کمک های نقدی خود را طی حواله های بانکی به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران، تهران شعبه آریا شهر به نام محمود اعتمادزاده وارسیز و فتوکپی قبض آن را به نشانی: تهران منطقه پستی ۱۳، صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۲ ارسال فرمایند. بادرود سپاس

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت هشتم مارس

# فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی و مبارزه مشترک زنان

## در سراسر جهان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی و مبارزه مشترک زنان و مادران سراسر گیتی را علیه امپریالیسم و ارتجاع، بخاطر استقلال، دموکراسی، برابری حقوق زن و مرد و حفظ صلح در جهان، به زنان رزمنده ایران صمیمانه شادباش میگوید.

انقلاب شکوهمند چین، به زنان ایران فرصت داد، تا احصار خانه‌ها را درهم شکنند، به صفوف بیگار خلق پیوندند و تمام نیرو و استعداد و خلاقیت خویش را در خدمت نبرد علیه طاغوت و امپریالیسم حیانتکار حامی آن بگذارند.

زنان انقلابی و زحمتکش میهن ما در پیروزی انقلاب، پاسداری از دستاوردهای آن و تدارک حسیه و پشت حسیه جنگ تحمیلی آمریکا- صدامی چنان حماسه‌های شگرفی از مقاومت و ایثار آفریدند، که گواهی است زنده بر درجه والای رشد سیاسی و اجتماعی آنان، بر شایستگی زنان در احراز تمامی حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که، نظام استبدادی و ضد مردمی پیشین از آنان سلب کرده بود.

متأسفانه استیغاف حقوق زنان، که از اهم وظایف نظام مردمی و ضد استبدادی جمهوری اسلامی ایران است - و از حی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مقام زن در جامعه گذاشته گواه آنست - هنوز تحقق نیافته است و دست‌هایی در کار آنند که، ایحاد دشواری‌های گوناگون در شرایط کار و زندگی زنان، این نیروی عظیم را دچار باس و سرخوردگی سازند و آنها را به ثمرات انقلاب بدین کنند.

عناصر قشری، لیبرال‌ها، افراد مشکوک و وابسته به رژیم پیشین، زیر پوشش دفاع دروغین از اسلام، تضييقات بشماري نسبت به زنان روا میدارند. بجای تحقق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر ضرورت "حفظ کيان و بقای خانواده" تاکید دارد، آنها با صدور احکام ظالمانه درباره دعای خانوادگی، در واقع کيان خانواده را بیش از پیش متزلزل ساخته‌اند. مردها از حق طلاق انحصاری برخوردارند و چند همسری در اشکال دائمی و منقطع آن رواج بیشتری یافته

امپریالیسم جنایتکار بسرکردگی آمریکا، در پیاده کردن خط ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی و تامين عدالت اجتماعی، پیروز شود، شمانیز جای شایسته خویش را در جمهوری نوجوان ما احراز خواهید کرد. آنروز دیگر دست‌های ناراضی تراش و نفاق افکن و قشری گرایانی که سیمای موهن از جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌کنند، منفرد خواهند ماند. و روشن است که رسیدن به این اهداف والا، بدون شرکت فعال شاعر مبارزه عموم خلق، بدون مبارزه بیکر و خستگی‌ناپذیر شما برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود امکان پذیر نیست.

زنان و مادران رزمنده! شما اشنان‌های متعدد و مسئول، پیوندهای خویش را با یوبندگان خط امام خمینی استحکام بخشید. همه، همه، توان رزمی خود را برای پیروزی جمهوری اسلامی ایران در نبرد علیه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا بکار برید. ضد انقلاب را در همه جبهه‌ها مابوس کنید، تردید نداشته باشید که جو زن ستیز کنونی دوام نخواهد داشت. روزی که انقلاب در نبرد علیه دشمنان رنگارنگ خود پیروز شود و به راه تامين حقوق محرومان جامعه گام گذارد، شما که محرومترین محرومان جامعه هستید، به احراز حقوق انسانی خویش توفیق خواهید یافت.

پیروز باد مبارزه زنان ایران علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا جنایتکار!

زنده باد جمهوری اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی!

موفق باد مبارزه زنان ایران در راه دموکراسی و برابری حقوق زن و مرد!

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی و مبارزه مشترک زنان در سراسر جهان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۶۰/۱۲/۱۱

و ظاهراً در مشاغل خود تثبیت شده‌اند. همواره در محیط کار در معرض برخورد ها، شماتت‌ها و تضييقات قرار دارند.

تعداد مهد کودک‌ها، که بسیار ناچیز بود، بر اثر انواع اشکال تراشی‌ها ناچیزتر شده است، تا مادران کارگر و کارمند مجبور به ترک شغل شوند. وزارت آموزش و پرورش، در شرایطی که به قول خود به ۴۷ هزار معلم نیاز دارد، این حق را برای خود قائل است، تا مادران شاغل را پس از سپری شدن مرخصی دوران زایمان، از کار اخراج کند. صحبت از آنست که مادران شاغل در سراسر کشور، نیمه وقت کار کنند و نصف حقوق و دستمزد را دریافت دارند، و این علیرغم اصل مسلم قانون اساسی است که حمایت از مادران را به هنگام بارداری و حضانت فرزند تاکید میکند.

زنانی که با بهانه‌های نظیر "تورم دستگاه اجرائی" از کار اخراج شده‌اند، کم نیستند، در حالی که "تورم کارمند" یا اخراج زنان علاج نمیشود و برای درمان این درد باید از نیروی مازاد، چهرن و چه مرد، در بازسازی کشور و مشاغل مولد استفاده شود، نه آنکه بر اثرش بیکاران بیفزایند.

نباید از یاد برد که درجه آزادی در هر کشور، با آزادی زنان آن کشور در استفاده از حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سنجیده میشود. آنها که می‌خواهند نیروی زنان را در حصار خانه‌ها به بند کنند و میهن انقلابی ما را از استفاده از نیروی کار نسیمی از جمعیت کشور محروم سازند، در خط انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ما حرکت نمیکند.

زنان و مادران انقلابی و زحمتکش! سرنوشت شما با سرنوشت انقلاب محکم گره خورده است. روزی که انقلاب در طرد کامل

است. زنان هیچ پناه و مرع قانونی ندارند و در صورت شکایت، به اطاعت و تمکین دعوت می‌شوند. این گروه‌ها برای مادران، که قانون اساسی بر حمایت از آنها اصرار دارد، حقی نمی‌شناسند و حتی مادرانی را که همسران خویش را در جبهه‌های جنگ عادلانه علیه رژیم جنایتکار صدام از دست داده‌اند، به ترک کودکان خردسال خود مجبور میکنند و خردسالان بی‌پناهی که سایه پدر را بر سر ندارند، از آغوش مادر نیز روده میشوند. این ظلم فاحش، در دوران جنگ هفده ماهه، چنان ابعاد وسیعی بخود گرفته، که مجلس شورای اسلامی برای استیغاف حقوق این گروه از مادران ستمدیده ماده قانونی به تصویب رساند و امام خمینی طی حکم ویژه‌ای، احقاق حقوق مادرانی را که شوهرانشان به شهادت رسیده‌اند، به سرپرست بنیاد شهید توصیه کردند.

شرایط کار زنان شاغل نیز تا سرف آورو عاصی کنده است. در شرایطی که برای بازسازی میهن انقلابی و پی‌ریزی اقتصاد ملی و مستقل خود، به نیروی تلاش و خلاقیت تمام شهروندان، اعم از زن و مرد، نیاز داریم، عده‌ای سعی دارند تا زنان را به خانه‌ها بفرستند و آنها را از فعالیت در عرصه فرهنگ، آموزش، بهداشت، تولید و خدمات دور کنند.

کارفرمایان و مدیران طاغوتی کمبود مواد خام و قطعات بدکی را بهانه قرار دادند، تا بسیاری از کارگران زن را از کار اخراج کنند. دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه، جمعی از زنان آموزگار و دبیر در گردن اندیش انقلابی را در جریان پاکسازی‌ها مفصل کردند و در سایر وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی، بخشی از زنان کارمند مومن به انقلاب اخراج، بازنشسته و یا باز خرید شده‌اند. زنان شاغلی که از صافی "پاکسازی" ها گذشته

## شبهه‌های ...

بقیه از صفحه ۱

مطلقاً نمیتواند کار آن ده درصد بقیه باشد. ده درصدی که یا نادم شده، یا گوشه عزلت گزیده‌اند، و یا حتی اگر هنوز فعال باشند، دایره عملیاتیان نمی‌تواند به این گستردگی باشد. پس اینها چه کسانی هستند؟ این بیکاران، این دشمنان دست به اسلحه مردم کیانند؟

رئیس جمهور، حجت الاسلام خامنه‌ای، در آن زمان که هنوز رهبران سازمان صدا انقلابی دستگیر یا کشته نشده و ۹۰ درصد اعضای آنها هم به دام نیفتاده بودند، به ما این سؤال چنین پاسخ داد: "... شما تصور نکنید که همه این انفجارها و ترورها مربوط به گروهک‌هاست، بلکه فراریان رژیم سابق و ساواکی‌ها هم سهم دارند. همان کسانی که در روزهای اول انقلاب افراد کمیته را ترور می‌کردند و آنها را شهید می‌ساختند، امروز بازم مشغول هستند به توطئه که ما نباید از آنها غافل باشیم". (آزادگان ۶ - روزنامه‌ها) و به درستی نباید از نقش مهم ترین سازمان حافظ رژیم و وابسته پهلوی و یکی از مخوف ترین سازمان‌های ضد انقلابی غافل بود. سازمانی که وظیفه خائنانه حفظ سلطه شاه آمریکا بر مبارزان ایرانی و سرفرز حاکمان میهن ما، به آن سپرده شده بود. این سنگ نگهبان امروز بیکار نیست: "... پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ساواک با حفظ تشکل به کنار نشست و منتظر فرصت شد ... (آزادگان ۴ - اسفند ۶۰) و این فرصت، دقیقاً و به طور کامل، از جانب دولت موقت لیبرال‌ها، که تعدادی از اعضای آن مستقیماً از سفارت آمریکا هدایت می‌شدند، و بقیه نیز از روی حسین نیت! فقط فقط حکومت سرمایه

این اجازه را دادند که حتی از شرکت در این توطئه‌ها هم ابا نداشته باشند ... (سخنان نبوی) حجت الاسلام ری شهری حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی سر دیگر آنان را افشا و اعلام کرد که سازمان گسترده تحت عنوان پاسداران رژیم سلطنتی، با نام مختصر "پارس"، که در خارج از کشور با فراریان ضد انقلابی، که سران ساواکی-هانیز در میان آنها هستند، و در داخل کشور با "تعدادی از بازاریان و تعدادی از روحانیون" ارتباط دارد، قصد بمب گذاری در چند مرکز حساس، از جمله محل نماز جمعه تهران را داشته‌اند (۳ خرداد ۶۰ - روزنامه‌ها) اعضای بدستگیر شده این گروه اعتراف کردند که نقشه آنها چنین بوده است: "... تشدید جو ناراضی، از مشکلات کسوه ساختن ایجاد بدبینی نسبت به حکومت، بمب گذاری، ترور و ضرب و نهانی ... (۳ خرداد ۶۰ - اطلاعات) عملاً هم می‌بینیم که شرکت ساواکی‌ها در توطئه‌ها شکل مشابه دارد؟ آری ساواکی‌ها و سایر عمال ضد انقلاب از آن "تعدادی از بازاریان" گرفته تا آن "تعدادی از روحانیون چشم و گوش خود ست آمریکا" ایران هستند. این دست‌ها را باید برده ... همان ساواکی‌هایی را که قبلاً می‌شناختید، بیکار دیگر زیر نظرشان داشته باشید ... باید همان هشیاری اول انقلاب را بازم داشته باشید ... (سخنان مهندس نبوی) و هشیاری باز هم بیشتر، زیرا که امروز انقلاب شکوه مند مردم ما، یکی از حساس ترین مراحل خود را می‌گذراند و لذا هشیاری بیشتری را نیز می‌طلبد. در چنین شرایطی، امروز هم مثل روزهای اول انقلاب برای درهم شکستن شبکه مخوف، ساواک، باید ... لیست ساواکی‌ها را منتشر کرد و هر کدام، از آنها را به نسبت وابستگی شان به ساواک مجازات و به مردم معرفی نمود. بقیه در صفحه ۱۶

مخفی بر علیه جمهوری اسلامی ایران را برگزید ... (از مقاله امیرداده آزادگان) در حالی که ترکیب اصلی آن تقریباً دست نخورده باقی مانده بود: "... از سی هزار نفر عضو ساواک، حتی صد نفر نیز اعدام نشدند و فقط حدود ۱۰۰۰ نفر از آنان توانستند بخارج از کشور بگریزند. در نتیجه ساواک ... به خاطر لیبرال - بازبهای دولت موقت، بطور کامل از هم پاشیده شد و عناصر سرشاخه نشده ساواک هنوز می‌توانند مورد سوء استفاده امپریالیسم جهانی قرار گیرند ... برای کشف ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها باید مجدداً ریشه‌های این تشکیلات جهنمی مورد بازبینی مجدد قرار گیرند ... برای کشف ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها باید مجدداً ریشه‌های این تشکیلات جهنمی مورد بازبینی مجدد قرار گیرد ... (مقاله آزادگان)

در حال حاضر، و در نتیجه همان سیاست، ... روسای ساواک در دیگر کشورها فعالتر از سایر عناصر ضد انقلابی هستند. ثابتی در تل آویو به فعالیت مشغول است ... رسولی در یونان بسیار فعالیت کرده بود و هنوز هم در آنجا به فعالیت مشغول است ... خیر - چنان ساواک و با افاد شناخته نشده ساواک بصورت فردی و یا گروهی علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. اقدام جنایتکارانه انفجار نخست وزیری توسط کشمیری، از عملیاتی بود که توسط ساواک و منافقین (که آنها هم در خدمت ساواک قرار گرفتند) به صورت مشترک برنامهریزی شده بود ... فرار کشمیری ... بخوبی نشان میدهد که نوعی تشکل هنوز بین افراد ساواک وجود دارد ... اینک ناگهان شاه‌بازی با دامن بسیار و بصورت ناگهانی در جامعه مطرح میشود، نمیتواند جدا از سازمان دهی ساواک باشد ... (همان مقاله) و: "... دسته‌های مختلفی در این کارها (بمب گذاریها و ترورها)

سیاست

پنجروزه به کشور بازگردانند. پس از شکست توطئه بنی صدر، نیروهای انقلابی پیرو خط امام، امکان یافتند که با انتخاب آقای میرحسین موسوی برای مقام وزیر خارجه، سیاست خارجی را، با بهره گیری از تجارب منفی گذشته، در مسیری قرار دهند که بتواند بتدریج در خط انقلاب قرار گیرد و پاسخگوی نیازمندهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد.

مضمون اساسی یک چنین سیاست خارجی، بهره گیری از تمام نیروهای بین المللی قابل بهره گیری برای مقابله با دشمنان بنیادی و آشتی ناپذیر، که در راس همه آنها آمریکا است، برای رفع نیازمندی های جمهوری اسلامی ایران، برای پیشرفت بسوی استقلال کشور، در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است.

با خوشوقتی می توان مشاهده کرد که سیاست خارجی می رود که در همین خط انقلابی خود حرکت کند، متحرک و فعال گردد. رئیس جمهور در همان گفتار رادیو - تلویزیونی گفت:

"وقتی امروز ما در کل، به سیاست خارجی نگاه می کنیم، می بینیم که در دنیا ما دشمنان و دوستان نزدیکی داریم و افرادی تفاوتی داریم و سعی داریم دوستان خود را حفظ و آنان را بدوستان نزدیک تبدیل کنیم و بی تفاوت ها و گله مند بهره بگیریم و با دشمنان بنیادی و آشتی ناپذیر، که در راس آنان است مبارزه جهانی آمریکا است مبارزه خودمان را ادامه دهیم این - به نظر ما - خط درستی در سیاست خارجی است و برای پیشبرد آن باید نه فقط دشمنان را شناخت (که تا حدود زیادی شناخته شده اند)، بلکه باید دوستان نزدیک، دوستان بالقوه و بی تفاوت "هارا نیز شناخت، تا بتوان دوستان نزدیک را حفظ کرد، دوستان بالقوه را به دوستان نزدیک و بی تفاوت "ها را به دوست تبدیل کرد و در نتیجه بتوان از همه نیروهای بین المللی برای مبارزه با آمریکا و متحدان و همکاران و دستیارانش استفاده کرد. چنین شناختی اگر ما بتوانیم خود را از زیر بار پیشداوری های ذهنی ناشی از تبلیغات دراز مدت امپریالیستی رها کنیم - هم آسان است و هم تا حدودی دشوار.

آسان است، اگر به صحنه مبارزه عظیمی بنگریم، که در سطح جهان جریان دارد، در این صحنه دنیوی در دو جنبه در برابر یکدیگر صف آرائی کرده اند و با یکدیگر در حال نبردند: یکی جنبه امپریالیسم جهانی، یعنی کشورهای امپریالیستی اروپایی غربی، کانادا، ژاپن و استرالیا و متحدان امپریالیسم از جمله متاسفانه چین، که در نتیجه سیاست مائوئیستی رهبری آن عملاً در این جنبه قرار گرفته و همکاران و دستیاران و سرسپردگان آنها، که در راس همه آنها امپریالیسم آمریکا است.

و یکی جنبه جهانی ضد امپریالیستی، یعنی کشورهای سوسیالیستی، کشورهای نواستقلال که برای حفظ و تحکیم استقلال خود می رزمند، جنبش های رهاشی بخش ضد امپریالیستی، که برای کسب استقلال کشور خود مبارزه می کنند، و دیگر نیروهای متشکل ضد سرمایه داری امپریالیستی، بزرگترین نیروی این جنبه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است.

جای ما - جمهوری اسلامی ایران - در کدامیک از این جنبه ها است؟ پاسخ روشن است: در جنبه "ضد امپریالیستی، ولی این نگرشی کلی است که بر اساس آن می توان مشی کلی فعالیت سیاست خارجی را تعیین کرد. اما در عمل، برای برقراری مناسبات مشخص با کشور مشخص، کار سیاست خارجی به این آسانی نیست، تا حدودی دشوار است، نه فقط بدلیل وجود بازمانده های همان پیشداوری های گذشته که در آن رفت و زوددن آنها برای سبکبار کردن سیاست خارجی لازم است، نه فقط بدلیل بی تجربگی، که بتدریج جای خود را به تجربه

خواهد داد، بلکه همچنین بدلیل این که جمهوری اسلامی ایران نمی تواند و نباید روابط خود را با تمام کشورهای جنبه "امپریالیستی بکل قطع کند، بلکه می تواند و باید، ضمن گسترش مناسبات خود در زمینه های مختلف با کشورهای جنبه ضد امپریالیستی، از تضاد های موجود بین کشورهای جنبه امپریالیستی نیز برای رفع نیازمندیها، تا حد ممکن، استفاده کند، با بسیاری از کشورها در سطح جهان مناسبات مشخصی در زمینه های مشخص برقرار کند. این کار نسبتاً دشواری است.

برای حل این دشواریها - اعم از دشواری شناخت دوستان و یارانش برقراری مناسبات مشخص با کشورهای مشخصی که نمی توان آنها را دوست نامید - چه باید کرد؟ باید در برقراری مناسبات با دیگر کشورها، بدون استثنا، از موضع حفظ استقلال و در مسیر تحکیم استقلال همه جانبه و تمام حرکت کرد.

اگر در سیاست خارجی از موضع استقلال بسوی استقلال حرکت کنیم، خود بخود دشواریها حل می شود، دوستان از دشمنان تفکیک می شوند، دوستان نزدیک، هم رزم و دشمنان بنیادی و آشتی ناپذیر مشخص می شوند، دوستان بالقوه ای که بتوان آنها را به دوستان نزدیک تبدیل کرد، یافت می شوند، با تکیه به گسترش مناسبات با دوستان، امکان برقراری مناسبات مشخص با "بی تفاوت ها" و نیز امکان استفاده از تضاد بین کشورهای جنبه "امپریالیستی، برقراری مناسبات مشخص با برخی از آنها در زمینه های مشخص، فراهم می شود.

برای حرکت از موضع استقلال و به سوی استقلال، می توان در سیاست خارجی این سخن رئیس جمهور را پایه عمل قرار داد:

"ما به دولتتهائی که ملت ما را دارای حق آزاد و مستقل زیستن می دانند، دست دوستی می دهیم . . .

همچنانکه هیچگونه زور گوئی و سلطه طلبی و تحمیلی را از سوی هیچ قدرتی در جهان تحمل نمی کنیم." (از سخن رئیس جمهور خاتمه ای در عصر ۲۲ بهمن، خطاب به نمایندگان دیگر کشورها)

این فرمول پایه عمل درستی در سیاست خارجی است. ولی باید گفت که در عمل ما (پس از خارج شدن سیاست خارجی از چنگ لیبرالها) فقط بخش دوم این فرمول را با قدرت و بدستی اجرا کرده ایم، یعنی هیچگونه زور گوئی و سلطه طلبی را از سوی هیچ قدرتی در جهان تحمل نکرده ایم و با دشمنان بنیادی و آشتی ناپذیر، که در راس آنها آمریکا است، به مبارزه ادامه داده ایم. اما در اجرای بخش اول این فرمول، یعنی دست دوستی دادن به "دولتتهائی که ملت ما را دارای حق آزاد و مستقل زیستن می دانند"، چندان فعال نبوده ایم، چرا؟ به نظر می رسد به دو دلیل:

یکی عدم توجه کافی به این واقعیت که، آن "دولتتهائی که ملت ما را دارای حق آزاد و مستقل زیستن می دانند" در برخی مسائل و در برخی زمینه ها می توانند نظریات کاملاً منطبقی با نظریات ماندگشته باشند. این حق آنهاست. ما این حق را باید در نظر بگیریم و با آنها بر سر مسائل و مصالح مشترک، زبان مشترک پیدا کنیم.

دوم ارتقاء تفاوت های ایدئولوژیک به سطح سیاست، بخصوص نسبت به کشورهای سوسیالیستی و بویژه نسبت به اتحاد شوروی، که نه فقط ملت ما را دارای حق آزاد و مستقل زیستن می دانند، بلکه در عمل و نه در حرف، ثابت کرده اند که حامی آزادی و استقلال ملت ما و کشور ما حامی انقلاب رهاشی بخش ضد امپریالیستی، استقلال طلب مردمی ما، حامی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا هستند.

البته گفتنی است که در این اواخر تا حدودی توجه به این هردو نکته شده است و می رود که این هر دو مانع از سر راه سیاست خارجی برداشته شود. از جمله در پاسخ رئیس جمهور خاتمه ای به پیام تبریک لئونید برژنف، دبیرکل کمیته

مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی، بمناسبت سومین سالگرد انقلاب، گفته می شود: ". . . انقلاب ما که با هدف تعمیم صلح و عدالت اجتماعی میان همه مردم جهان بوجود آمده است، خواهد توانست مشکلات ناشی از بازیهای سیاسی امپریالیسم را از سر راه برداشته و به این هدفها، که بهترین آرزوهای ملت و دولت شما را نیز تشکیل میدهند، نائل آید . . ." (صبح آزادگان - ۶۰/۱۲/۵)

ولی باید تأکید کرد که هر قدر سیاست خارجی بیشتر در جستجوی نظریات مشترک و همکاری گسترده با کشور - هائی باشد، که حق آزاد و مستقل زیستن ملت ما را محترم می دارند و هر قدر در گسترش مناسبات با کشورهای دوست و هم رزم و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، قطع نظر از تفاوت های ایدئولوژیک و نظام اقتصادی - اجتماعی آنها، فعالتر و متحرک تر گردد، بهمان اندازه کل سیاست خارجی مادر برقراری مناسبات مشخص در زمینه های مشخص در سطح جهان، بسود انقلاب و مصالح جمهوری اسلامی ایران و برای تحکیم استقلال کشور، شریکتر خواهد بود.

تبلیغات و سیاست

نکته مهم دیگری که باید مورد توجه جدی قرار گیرد، تبلیغات است. تبلیغات موجب زمینه ای در افکار عمومی است، که اگر هماهنگ و هم سو با سیاست خارجی باشد، مقوی است و اگر، بر عکس، در جهت مخالف باشد، ترمز کننده سیاست خارجی است. در این باره بطور مشخص می توان درباره تبلیغات که نسبت به اتحاد شوروی جریان داشته و دارد، اشاره کرد.

در دوران دوساله بعد از پیروزی انقلاب تا پایان توطئه بنی صدر، که سیاست خارجی و دستگاه تبلیغاتی کشور در چنگ لیبرالها بود، تبلیغات ضد شوروی "طبیعی" بود، زیرا سیاست لیبرالها بر روی "خط برژینسکی" حرکت می کرد و هدف آن ایجاد تیرگی در مناسبات بین اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران بود، تا از این طریق - به زبان برژینسکی - به "حمایت شوروی از رژیم خمینی پایان داده شود" و از این طریق "رژیم خمینی" را تضعیف کند و راه را برای "بهبود" مناسبات با آمریکا، یعنی بازگرداندن آمریکا، بگشاید.

تبلیغات ضد شوروی در آن دوران برای سیاست ضد شوروی بسود آمریکا "جوسازی می کرد".

اما بعد از شکست توطئه بنی صدر که سیاست خارجی و دستگاه تبلیغاتی بطور عمده در دست نمایندگان نیرو - های انقلابی پیرو خط امام قرار گرفت، طبیعی آن بود که به تبلیغات ضد شوروی پایان داده شود، چون حاکمیت انقلابی سوئیتی در جهت به تیرگی کشاندن مناسبات با اتحاد شوروی نداشت و ندارد. معذالک، متاسفانه، تبلیغات ضد شوروی ادامه یافت. شعار "مرگ بر شوروی"، ابتدا اینجا یا آنجا سر داده شد و سپس کم کم وسعت بیشتری پیدا کرد، تا آنجا که در سطح کشور رواج یافت. در مواردی، این شعار را تلویزیون و رادیو قطع کرد، گاهی از طرف مقامات مسئول بطور تلویحی و غیر مستقیم به انحرافی بودن این شعار اشاره شد، ولی چون هیچگاه توضیح صریحی به مردم داده نشد، چرا این شعار انحرافی است و هیچگاه کلمه ای درباره "حمایت عملی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از زبان مسئولین ذینفوذ شنیده نشد، تبلیغات ضد شوروی و شعار "مرگ بر شوروی" به "مارش ظفر نمون" خود ادامه داد. کار به آنجا رسید که این شعار تا حدودی به مجلس شورای اسلامی نیز سرایت کرد، در نمازهای جمعه شعار "عادی" شد و بالاخره تا آنجا پیش رفت که در مراسم رسمی رژه سومین سالگرد پیروزی انقلاب، ستون پنجم ضد انقلاب "جوسازی" ضد شوروی را چنان پیش رفته یافت که بتواند پرچم شوروی را لگدکوب کند و در نتیجه وضع بجائی برسد که موضوع در شورای عالی دفاع مطرح شود و مورد مذاکره قرار گیرد.

و نتیجه این مذاکره از زبان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نماینده امام در شورای عالی دفاع اعلام شود: "موضوع دیگری که در دستور جلسه بود و مورد بحث قرار گرفت، مسئله خرابکاری عوامل ستون پنجم در داخل کشور بود. که این روزها به چشم می خورد به نظر می رسد که دشمنان ما در این چند روز دست به اعمال موبایانه ای زده اند و می خواهند در سیاست خارجی ما، که در حال شکل گرفتن است، خرابکاری کنند. مثلاً به سفیر آلمان غربی حمله کرده بودند و با مزاحم خانه سفیر زیر کشیده بودند و یا در مراسم رژه به دوسه کشور همسایه ما یک نوع اهانتهائی کرده بودند، به پرچم شوروی ها یا پاکستان، که بعضی عوامل این کارها شناخته شده اند و ما از مسئولان خواستیم که بشدت تعقیب کنند و بطور کلی جلوی اینگونه حرکات ناصحیح را بگیرند."

نماینده امام در شورای عالی دفاع افزود:

"در همین رابطه تصمیم کلی دیگری هم گرفتیم که اصولاً تمام ارگان - هائی که کارشان به نحوی یا خارج ارتباط پیدامی کند، مثل بخش برون مرزی رادیو و یا واحدهای دیگر، با وزارت خارجه در تماس باشند و برنامه هایشان را به تصویب وزارت خارجه برسانند که سیاست منظم خارجی ما بهم نچورد."

(کیهان ۲۵ بهمن ۱۳۶۰)

این سخنان و این تصمیم امید بخش است و اگر بدرستی و مجدانه اجرا شود، باعث آن خواهد شد که تبلیغات برون مرزی و درون مرزی، که زمینه ساز سیاست خارجی است، با سیاست خارجی، که در خط انقلاب "در حال شکل گرفتن است" و می رود که در خط انقلاب متحرک شود، هم آهنگ گردد.

ولی باید گفت که در همان شب یکشنبه ۲۵ بهمن ماه ۶۰، که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی مطالب فوق را از تلویزیون اعلام داشت، باز هم در تلویزیون شعار "مرگ بر شوروی" (در فیلم "جانبازان") شنیده شد، در حالی که تلویزیون همین شعار را از مراسم در کارخانه ذوب آهن اصفهان حذف کرد. فردای آن روز نیز "ناطق" به تفصیل این دروغ را برای هزارمین بار به خورد مردم داد، که در دنیا یک امپریالیست سیاه و یک "امپریالیسم سرخ" هست، که این دو جهان را بین خود تقسیم کرده اند و همه را با هم می چابند!

در هر صورت، این مسلم است که "ابرقدرت" شوروی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران "بی تفاوت" و "بی طرف" نیست و نمی تواند باشد. این کشور بزرگ همسایه ما، یا دوست است یا دشمن. اگر دشمن است، باید همراه با شعار "مرگ با آمریکا" شعار "مرگ بر شوروی" نیز با تمام قدرت و در سطح کشور فراگیر شود و در سیاست خارجی نیز روشی که نسبت به آمریکا اتخاذ شده، درباره اش اتخاذ گردد. ولی اگر دوست است، اگر در عمل نشان داده است که پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و حامی استقلال و حق حاکمیت ملت ما است، اگر درست است که در پشتیبانی از انقلاب ایران قبل و بعد از انقلاب رسماً به دولت آمریکا اخطار کرده است که حق دخالت در امور داخلی ایران را ندارد، اگر واقعیت است که پیشنهاد آمریکا را در مورد محاصره اقتصادی ایران و تکرر ده است و با توسعه راه ترانزیت کمر محاصره اقتصادی کشور ما را شکسته است، اگر راست است که علیرغم این همه تبلیغات اهانت آمیز و دروغ ضد شوروی همواره دست دوستی بسوی کشور ما دراز کرده است، اگر راست است که همین کار - خانه ذوب آهن اصفهان، که کوره دوم آن بزودی بکار خواهد افتاد و از پایه های مهم استقلال اقتصادی ما است، به کمک می شایه و بی چشمداشت شوروی ها بر پا شده است، اگر حداقل این گفته حجت -

الاسلام هاشمی رفسنجانی بیان واقعیت است که: "شوروی ها مانند غربی ها برای ما مزاحمت ایجاد نمی کنند. . . و غربی ها بطور کلی لولوتی که برای مردمشان درست کرده اند شوروی است و هر جا خواهند (برای اجراء) برنامه هائی که دارند افکار عمومی مردمشان را آماده کنند، متوسل به این مطلب می شوند، اگر همه اینها درست است و در همان حال راست است که کشور شوروی بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی جهان است و تصادفاً در همسایگی ما نیز قرار دارد پس واضح است که ما باید از موضع استقلال خود و بخاطر تحکیم استقلال خود، بخاطر تقویت نیروی انقلابی جمهوری اسلامی ایران در نبرد با شیطان بزرگ - آمریکا، مناسبات خود را - تا آنجا که بما مربوط است - با این کشور توسعه دهیم، ولذا باید در عرصه تبلیغات از خرابکاری نیروهای که می خواهند از اتحاد شوروی "لولو" بتراشند، تا برنامه های "غربی" در کشور ما پیاده کنند، جلوگیری کنیم، اتحاد شوروی را نه بدروغ بعنوان دشمن بلکه چنان که هست، معرفی کنیم. راه جلوگیری از تبلیغات ضد شوروی ستون پنجم دشمن (دشمن نادان مودی، که متاسفانه دوستان نادان انقلاب نیز با به آسیاب او می ریزند) بیان حقیقت دوستی و حمایت اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. این بنظر ما یک وظیفه انقلابی است که در پیروقت اجرای آن فرا رسیده و اجرای آن در درجه اول بر عهده دستگاه های تبلیغاتی بویژه رادیو و تلویزیون، خطبا و امثال جمعه و نیز دولت مردان پیرو خط امام است و وزیر امور خارجه چندین بار پیش گفت: "مانعی خواهیم با چندین دشمنی (آمریکا) روابط برقرار کنیم. . . ایران می تواند روابط خود را با اتحاد شوروی در آینده تحکیم بخشد و این منوط به رویه شوروی خواهد بود." (صبح آزادگان ۲۴ دیماه ۶۰)

رویه اتحاد شوروی در ظرف این سه سال که از پیروزی انقلاب می گذرد، هم در سطح تبلیغات، هم در سطح سیاست، در عمل واضح و معلوم بوده هست، به نظر می رسد که وقت آن رسیده است که ما خود نیز به "رویه" خود و هم در سطح سیاست، توجه کافی و لازم معطوف داریم.

ما بر روی تبلیغات نسبت به اتحاد شوروی از اینرو مکتب کردیم، که برقراری مناسبات حسن همجواری نسبت به این کشور بزرگ همسایه ضد امپریالیستی، برای حفظ و تحکیم استقلال ما و برای حفظ و تحکیم گسترش انقلاب مادر مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا حائز اهمیت درجه اول است. به همین دلیل نیز "ستون پنجم دشمن" دائماً برای جلوگیری از برقراری چنین مناسبات، تلاش خرابکارانه میکند، ولی بطور کلی تبلیغات باید هماهنگ با مستگیری سیاست خارجی باشد، زمینه ساز آن، مویدان، رهگشای سیاست خارجی باشد. چنین تبلیغاتی، باید موکداً گفت که، چیزی نیست جز راستگوئی، جز بیان حقیقت. اگر تبلیغات ما فقط بیان حقیقت باشد، خود بخود افشاگر دشمن بنیادی و آشتی ناپذیر و معرف دوستان ما است، به نسبتی که با ما دوست هستند. سیاست انقلابی مانیز فقط به چنین تبلیغات حقیقت گویی نیازمند است، زیرا ما در سیاست خارجی نمی خواهیم و نباید دشمن تراشی کنیم، هر کس با ما دشمنی کند با او به مقابله برمی خیزیم، ولی هر کس دست دوستی بسوی ما دراز کند، ما در سیاست خارجی می خواهیم و باید دست او را بفشاریم.

چنین است مضمون خط انقلابی سیاست خارجی ما. و در این خط خوشبختانه باید گفت که سیاست خارجی ما می رود که متحرک شود.

تمام گرفتاری مسلمین از آمریکا است

"امام خمینی"

وقایع مهم جهان در یک هفته

سوسیالیسم می داند چگونه از خود دفاع کند

دفاع کند

در پایان گفتگوهای میان برژنف و یارولسکی، اتحاد شوروی ولهستان موافقت کردند، که مناسبات اقتصادی بازرگانی و فرهنگی میان دو کشور را گسترش بخشند.

در اعلامیه مشترکی، که پس از پایان دیدار رسمی هیئت نمایندگی لهستان از اتحاد شوروی انتشار یافت آمده است، که "هرگونه" کوشش برای خلل وارد آوردن بر پایه های سوسیالیسم در لهستان محکوم به شکست است."

در این اعلامیه اتحاد شوروی تفاهم کامل خود را برای برقراری حکومت نظامی در لهستان ابراز داشت، خواهان موفقیت تمام اقدامات در چیرگی بر بحران کنونی آن کشور شد و خاطر نشان ساخت:

"اتحاد شوروی همچنان به لهستان سوسیالیستی، دوست و هم پیمان خود، کمک خواهد کرد. اتحاد شوروی و لهستان هرگونه مداخله ایالات متحده و دیگر کشورهای سرمایه داری را در امور داخلی جمهوری (خلق لهستان) محکوم می سازند. دوطرف تدابیر تبعیض آمیز علیه اتحاد شوروی و لهستان را از سوی ایالات متحده و برخی ازم پیمانان آن شانتاز و اعمال فشار آشکار، تلاش برای تخریب ساختار صلح آمیز مناسبات میان کشورها و خطری برای صلح و امنیت اروپا بشمار می آورند."

"پروادا" در سرمقاله روز ۱۳ اسفند ۶۰ (۴ مارس ۸۲) خود دیدار هیئت دولتی و حزبی لهستان را از اتحاد شوروی رویدادی مهم در زندگی جامعه کشورهای سوسیالیستی خواند.

"سیم" (پارلمان لهستان) در اجلاس اخیر خود به بررسی برنامه اصلاحات اقتصادی در کشور پرداخت. چندین قانون درباره برنامهریزی اجتماعی و اقتصادی، قیمت گذاری و بازرگانی خارجی به تصویب رسید. هدف دیگر قوانینی، که "سیم" تصویب کرد، تثبیت اوضاع در لهستان است.

لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، روز دوشنبه ۱۰ اسفند ۶۰ (۱ مارس ۸۲) با ویتسک یارولسکی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان و رئیس شورای وزیران لهستان، دیداری دوستانه داشت. یارولسکی در راس یک هیئت حزبی و دولتی لهستان از اتحاد شوروی دیدار کرد.

لئونید برژنف در این دیدار عزم اتحاد شوروی را برای کمک به لهستان در زمینه دفاع از سوسیالیسم یادآور شد. بگفته برژنف:

"قدرت های امپریالیستی، بویژه ایالات متحده، برفشار خود بر لهستان می افزایند و میخواهند این کشور را بار دیگر به هرج و مرج بکشانند. اما ما با کسی بیفیندیشد، که سوسیالیسم از خود به دفاع نخواهد برخاست. ما به لهستان سوسیالیستی کمک کرده ایم و خواهیم کرد." ویتسک یارولسکی در سخنرانی خود گفت، که "لهستان هیچگاه از جهان سوسیالیسم نخواهد گسست." وی گام های تبعیض آمیز دولت ریگان، را علیه لهستان محکوم ساخت و افزود، که "بویژه در چنین شرایط، کمک اتحاد شوروی فوق العاده اهمیت بوده است."

اطلاعیه

بقیه از صفحه ۱

قبول می کنند، از نظر ما اشکال ندارد و باید بگویم که قانون احزاب، گروهها، دستجات، سازمانها و انجمنها در مجلس تصویب شده و به اجرا گذاشته شده است و در وزارت کشور هم

با وجگیری پیکار مسلحانه مردم السالوادور

هیگ باردیگر به دروغگویی متوسل می شود

میلادی تاکنون (حدود دو ماه) بیش از دوهزار غیرنظامی قربانی عملیات تنبیهی "نیروهای خونت" و مشاوران آمریکایی آنها شده اند.

الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا، باردیگر این ادعای بهتان آمیز را تکرار کرد، که پیکار مسلحانه میهن دوستان السالوادوری علیه رژیم دیکتاتوری "از خارج رهبری میگردد." وی در "کنگره" آمریکا، کوبا، نیکاراگوئه و اتحاد شوروی را به این خاطر "نگوئش" کرد. به این ترتیب، هیگ در عرض دو هفته دوبار به دروغ متوسل شد. یادآور می گردیم، که وزیر خارجه آمریکا دو هفته پیش در کنفرانس مطبوعاتی عکسی را از ددمنشی های رژیم نیکاراگوئه نشان داد. اما بزودی معلوم گشت، که این عکس متعلق به زمان سومو سا بود، که مانند "خونت" ی کنونی السالوادور همواره از پشتیبانی و کمک دولت آمریکا برخوردار می شد.

"جبهه آزادی بخش ملی فدرال بوندومارتی" و "جبهه دموکراتیک انقلابی" از پیشنهاد خو سه لوپس پورتیلو، رئیس جمهور مکزیک، در باره ایجاد جوی باثبات و صلح آمیز در آمریکای مرکزی پشتیبانی کردند.

دولت برزیل در مضحکه "انتخاباتی ریگان- دوآرتی" در السالوادور شرکت نخواهد کرد. یک سخنگوی وزارت خارجه برزیل اعلام نمود، که ناظری بدین منوط به السالوادور گسیل نخواهد داشت.

دوازده هزار پناهنده السالوادوری در سه اردوگاه در خاک هندوراس به اعتصاب غذا دست زدند. آنها از این راه به گامهای سرکوبگرانه دولت های هندوراس و السالوادور علیه خود اعتراض کردند.

یکان های نیروهای میهن دوست حمله نیروهای ارتش "خونت" را در نزدیکی آتش فشان "گوا آباو" در ۴۰ کیلومتری سان سالوادور دفع نمودند. این نبرد یکی از بزرگترین نبردهای اخیر در السالوادور بشمار میرود.

گیلمو اونگو، رهبر "جبهه" دموکراتیک انقلابی در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی "ان بی سی" گفت که هدف از مضحکه "انتخاباتی" ۸ فروردین ۶۱ (۲۸ مارس ۸۲) منحرف ساختن افکار عمومی از جنگی است، که "خونت" و پشتیبان آن آمریکا، علیه مردم السالوادور برپا داشته اند بگزارش یک رادیوی رزندگان السالوادور، از آغاز سال جاری

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات

الحاق غیرقانونی بلندی های جولان

به اسرائیل را محکوم می کند!

هیئت دبیران فدراسیون جهانی جوانان دموکرات طی اعلامیه ای الحاق بلندی های جولان به اسرائیل را محکوم کرد. در این اعلامیه از جمله گفته می شود: "الحاق بلندی های جولان به اسرائیل یکبار دیگر سرشت واقعی سیاست توسعه طلبی صهیونیست ها را به نمایش می گذارد. به دیگر سخن، الحاق بلندی های جولان به معنای اعلام جنگ علیه سوریه و برپا نهادن موج جدیدی از اقدامات لجام گسیخته علیه فلسطینی ها و ساکنان عرب لبنان است..." در این شرایط بحرانی، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات از جانب میلیون ها جوان بار دیگر پشتیبانی و همبستگی تزلزل ناپذیر خود را با مردم و جوانان سوریه در مبارزه علیه تمامی اشکال توطئه های امپریالیستی، صهیونیستی و ارتجاعی اعلام می کند. فدراسیون جهانی جوانان دموکرات قاطعانه اقدام غیرقانونی الحاق بلندی های جولان به اسرائیل را محکوم می کند و آنرا نقض آشکار قوانین بین المللی، مصوبات سازمان ملل متحد و بی اعتنائی به افکار عمومی جهان تلقی می کند."

اسرائیل در آستانه تجاوز به لبنان

ارتش اسرائیل به محاصره روستاهای عرب نشین در بلندی های جولان دست زد. هدف از این گام شکستن اعتصاب همگانی اهالی جولان برای اعتراض به تصمیم اسرائیل درباره الحاق بخشی از سرزمین سوریه به خاک خود بود. نماینده سوریه در سازمان ملل دربرکل سازی به خاور پرس دکوئیلار دبیرکل سازمان خاطر نشان ساخت، که صدها تن از مردم جولان بخاطر اعتراض علیه الحاق کران اسرائیلی دستگیر شده اند.

خبرگزاریها همچنین از دستگیری صدها تن از مردم جولان سخن می گویند. چندی پیش نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل صمیمه سازی جولان را، که به تشویق ایالات متحده صورت گرفت، محکوم ساخت.

روزیکشنبه ۹ اسفند ۶۰ (۲۸ فوریه ۸۲) ناوشکن های اسرائیلی وارد حریم دریایی لبنان شدند و در نزدیکی صیدا کوشیدند به ساحل این کشور نزدیک گردند. در همان حال، هواپیماهای اسرائیلی بر فراز صیدا و زهران به پرواز درآمدند. توپخانه های ساحلی و ضد هوایی های نیروهای ملی- میهن دوست لبنان جنبش پایداری فلسطین ناوشکن ها و هواپیما های اسرائیل را به بازگشت مجبور ساخت.

یاسر عرفات، رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین"، با اشاره به تهدید نظامی اسرائیل خواستار اتحاد اعراب شد. وی در مصاحبه ای با تلویزیون مجارستان گفت، که هرآن باید انتظار تجاوز نظامی اسرائیل را به لبنان داشت. یاسر عرفات یادآور شد:

"اسرائیل چندی است، که به تمرکز نیرو و سلاح در مناطق مرزی پرداخته است و ناوجه های نظامی اسرائیل سواحل لبنان را محاصره کرده اند."

فاروق قدومی، عضو هیئت اجرایی "سازمان آزادی بخش فلسطین"، در بقیه در صفحه ۴

کارشکنی آمریکادر "مادرید" و ژنو

در "گردهمایی مادرید" نماینده اتحاد شوروی از کشورهای "ناتو" خواست تا از رویارویی جویی و به اتلاف وقت دست بردارند و به مسئله اصلی این گردهمایی بپردازند وی از آمریکا انتقاد کرد، که قصد دارد فراخواندن کنفرانس رادرباره تنش زدایی نظامی و سلاح زدایی در اروپا مشروط به عواملی سازد، که به هیچ روی بستگی به "گردهمایی مادرید" ندارد. وی یادآور شد، که باصطلاح "مشروط سازی" های غرب در گذشته عادی شدن اوضاع را در اروپا دهها سال بدرازا کشانید. لئونید زامیاتین، سرپرست شعبه اطلاعات بین المللی، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، گفت، که در "گفتگوهای ژنو" ایالات متحده آمریکا خواستار تأمین برتری خود بر اتحاد شوروی در زمینه جنگ افزار های میان برد هسته ای است. بگفته او: "ایالات متحده با توجه به این هدف است، که بر باصطلاح "راه حل صفر" رئیس جمهور ریگان اصرار می ورزد- امری که با اصل برابری و امنیت برابر مغایرت دارد. اما بدون رعایت

شکله های ساواک

شیمیایی در اروپای باختری آکنده از خطر عظیم "است و یادآور شد، که اتحاد شوروی حضرات بیدرنگ قراردادی را درباره منع و نابود سازی سلاح های شیمیایی امضا نماید. همه سخنرانان "گردهمایی توتسینگ" به خطری، که نقشه آمریکا درباره تولید انواع جدید جنگ افزار های شیمیایی در بردارد، اشاره کردند و منع این سلاح های امحای توده ای را خواستار شدند. از سوی دیگر، ایالات متحده قطع نامه مجمع عمومی سازمان ملل را درباره تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح رد کرد. در پیید آدامسون، نماینده آمریکا در جلسه یک "کمیته ویژه" این سازمان مطلب فوق را اظهار داشت. وی گفت، که دولت آمریکا قطعنامه نامبرده را به عنوان پایه کنفرانس سال آینده سازمان ملل درباره اقیانوس هند در کلمبو (سری لانکا) نمی پذیرد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ا. ب. آ. دین) آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴

اتحاد مردم ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران